تذکراین کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است.

نشانه های ظهور او

نویسنده: محمد خادمی شیرازی

# قرآن کریم و نشانه های ظهور حضرت مهدی عليه‌السلام

آنچه در قرآن کریم از طرف خداوند بزرگ به وسیله رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به ما رسیده واجب الاطاعه است و کوچکترین تردیدی درباره آن نباید داشت، چرا که از منبع علم خداوندی سرچشمه گرفته است. از جمله بشارتهایی که در قرآن مجید در ضمن آیاتی داده شده مساءله قیام جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء و سیطره عدل و داد در عالم بعد از پر شدن آن از ظلم و جور است که مرحوم علامه نوری در مقدمه کتاب شریف «کشف الاءستار» ادعای تواتر، از فریقین (شیعه و سنی) فرموده است و این نتیجه به دست می آید که باید ظلم و تباهی از سرتاسر جهان محو گردد و جهان از عدالت پر شود، نه اینکه به خیال خام بعضی از نویسندگان، عدالت در حکومت حضرت مهدی سلام اللّه علیه تغلیبی باشد و همچنان افراد شرور، کم یا زیاد، در اجتماع دیده شوند. خیر، طبق نص صریح آیات قرآن و تفاسیر رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت سلام اللّه علیهم اجمعین پس از پر شدن عالم از ظلم و جور، قسط عدل بر آن حاکمیت خواهد یافت و همان گونه که عرض شد در این زمینه بزرگان مذهب نظیر علامه نوری و دیگران نیز دعوی تواتر نموده اند. بنابراین، دیگر جایی برای عدالت تغلیبی و طرفداران آن نمی ماند.

# نشانه های پیدایش این حکومت

(سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ) [1].

بزودی آیات و نشانه هایی از قدرت خود را در صحنه گیتی و در (کشور) وجودشان بدانها نشان خواهیم داد، تا بر آنها آشکار شود که حق است.

ممکن است نشانه های آفاقی همان صیحه آسمانی باشد و منظور از آیات انفسی همان رعب و ترس باشد که در دلها جای می گیرد.

خواننده عزیز!

تا این ساعت چنین علائم و نشانه هایی که برای بشر تمام مجهولات را از بین ببرد و پرده از روی حقایق و ملکوت عالم بردارد به نحوی که حق آشکار و باطل نابود شود، در صحنه گیتی دیده نشده است و با توجه به اینکه خداوند خلف وعده نخواهد فرمود و حتما باید این کار بشود، غیر از قیام آخرین نماینده و سفیر اعظم او حضرت بقیه الله روحی و ارواح العالمین له الفداء نشانه دیگری نخواهد بود.

(وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَاتِوَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ). [2].

و هر آینه شما را به وسیله ترس و گرسنگی و نقص در مالها و جانها و میوه ها می آزماییم، و صبر کنندگان را بشارت ده.

محمد بن مسلم از امام صادق عليه‌السلام روایت می کند که پیش از قیام مهدی ما سلام اللّه علیه مردم به انواع بلاها مبتلا می شوند و موفقیت با صابران است.

به طور خلاصه علائم و نشانه های قبل از ظهور در این روایات عبارت است از:

1 - وحشت و اضطرابی که در حال حاضر در میان مردم بعضی از کشورهای اسلامی دیده می شود.

2 - گرسنگی و قحطی که در بعضی کشورهای جهان مشهود است و به طور متوسط روزانه چند صد هزارتن از گرسنگی می میرند (مانند بعضی از قسمتهای افریقا و هندوستان).

3 - فساد در تجارت و بازرگانی و کمبود درآمد بعضی از اقشار جامعه که به ویژه در ایران ما مشهود است.

4 - تلفات جانی مانند تلفات در جنگ ایران و عراق و نقصان زراعت و میوه جات ناشی از آفات و کمی برکت آنها.

اکنون به اصل روایت که از امام صادق عزیز ما که سلام خداوند بر ایشان باد نقل کرده اند، توجه فرمایید:

عن محمد بن مسلم عن ابی عبدالله جعفر بن محمد عليهما‌السلام اءنه قال ان قدام قیام القائم علامات بلوی من الله تعالی لعباده المؤمنین قلت و ما هی قال ذلک قول الله عزوجل «و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرین» قال لنبلونکم (یعنی المؤمنین) بشیء من الخوف من ملوک بنی فلان فی آخر سلطانهم (والجوع) بغلاء اسعارهم (و نقص من الاموال) فساد التجارات و قله الفضل فیها (والانفس) قال موت ذریع (والثمرات) قله ریع ما یزرع و قله برکه الثمار (و بشر الصابرین) عند ذلک بخروج القائم عليه‌السلام ثم قال لی یا محمد هذا تأویله ان الله عزوجل یقول «و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم [3].». [4].

محمد بن مسلم از امام صادق عليه‌السلام نقل کرده است که امام فرمودند: پیش از قیام قائم نشانه هایی است جهت آزمایش از جانب خداوند نسبت به بندگان مؤ منش. عرض کردم: آن نشانه ها چیست؟ فرمود: آن، گفتار خداوند عزوجل است که فرمود:(وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَيْءٍ)فرمود: :( لَنَبْلُوَنَّكُم) یعنی هر آینه بیازماییم شما مؤمنان را (بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ)به مقداری و چیزی از ترس از ملوک بنی فلان (بنی عباس) در پایان زمامداریشان و(الْجُوعِ)و گرسنگی به خاطر بالا بودن قیمتها (وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ) و کاستی از مالها (یعنی) فساد تجارتها (وَالْأَنفُسِ)و جان ها (یعنی) مرگ سریع (وَالثَّمَرَاتِ )و محصولات (یعنی) کم شدن کشاورزی و کمبود برکت محصولات (وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (یعنی) بشارت ده صابران را در چنین وقت به خروج قائم عليه‌السلام . سپس به من فرمود: ای محمد! این است تأویل قول خداوند عزوجل که می فرماید ( وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ...) (یعنی) نمی داند تأویل قرآن را جز خداوند و پایداران در دانش.

(إِنَّ اللَّـهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَن يُنَزِّلَ آيَةً.) [5].

به درستی که خداوند (تبارک و تعالی) قادر است که نشانه ای فرو فرستد.

در تفسیر این آیه به چند نشانه از نشانه های ظهور حضرت ولی عصر عليه‌السلام اشاره شده است:

1 - خروج دابه الارض [6].

2 - دجال

3 - نزول عیسی بن مریم عليه‌السلام

4 - طلوع خورشید از مغرب

و اینک اصل روایت:

فی روایه ابی الجارود: عن ابی جعفر عليه‌السلام فی قوله ( إِنَّ اللَّـهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَن يُنَزِّلَ آيَةً ) و سیریک فی آخر الزمان آیات منها دابه الارض و الدجال و نزول عیسی بن مریم و طلوع الشمس من مغربها. [7].

ابی الجارود می گوید: امام باقر عليه‌السلام در تفسیر آیه ( إِنَّ اللَّـهَ قَادِرٌ ) فرمودند: زود است که در آخر الزمان آیات و نشانه هایی از قدرت خداوند می بینی:

1 - دابه الارض (که منظور تشریف فرمایی حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام در رجعت و یا حضرت بقیه الله روحی له الفداء است).

2 - دجال.

3 - نزول حضرت عیسی بن مریم از آسمان.

4 - طلوع خورشید از مغرب.

(قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ.) [8].

بگو او تواناست که بر شما عذابی از بالای سر و زیر پاهای شما بر انگیزد یا اینکه شما را از گروههای غیر متحد قرار دهد و آسیب برخی را به برخی دیگر بچشاند.

در این آیه به بعضی از علائم ظهور اشاره شده است:

1 - خروج دجال.

2 - صیحه آسمانی.

3 - خسف و فرورفتن در زمین «بیداء». گویا مقصود لشکر سفیانی باشد.

4 - اختلاف مردم در دین و طعن و شتم یکدیگر کردن و کشتار بعضی به وسیله افراد دیگر در حالتی که همه آنها خودشان را مسلمان می دانند.

و اما روایتی که در این باب رسیده است:

عن ابی جعفر عليه‌السلام فی قوله تعالی «قل هو القادر علی الخ» قال هو الدجال و الصیحه «او من تحت ارجلکم» و هو الخسف «اویلبسکم شیعا» و هو اختلاف فی الدین و طعن بعظکم علی بعض «و یذیق بعضکم باءس بعض» و هو ان یقتل بعضکم بعضا و کل هذا فی اهل القبله. [9].

از ابی جعفر (امام باقر) عليه‌السلام در فرموده خداوند متعال:( قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ...)منقول است که فرمودند: آن دجال و صیحه است (عذاب آسمانی و از بالا) و مراد از( أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ )عبارت از خسف و فرورفتگی زمین است و مراد از(أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا) اختلاف در دین و طعن به یکدیگر زدن است و منظور از(وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ) کشتن بعضتان است بعضی دیگر را، و تمام این حوادث در میان اهل قبله و مسلمانان به وقوع می پیوندد.

(قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ). [10].

بگو آیا دیدید که اگر عذاب الهی شب هنگام و یا روز بر شما برسد (چه راه گریزی دارید؟) چرا گناهکاران (به جای توبه) عذاب را به تعجیل می طلبند؟

از امام باقر عليه‌السلام نقل شده که فرمودند: مراد از عذاب در این آیه بلاهایی است که در آخرالزمان بر مردم نازل می شود (البته بر مردم مسلمان).

(وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ). [11].

و اگر تو سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسان هستند پس هیچ فرار و گذشتی نیست و از مکان نزدیکی دستگیر شوند.

از حضرت باقر عليه‌السلام نقل کردند در تفسیر این آیه شریفه که در مقدمه قیام جهانی حضرت مهدی ارواحنا له الفداء صیحه ای از آسمان بلند می شود که همه مردم در هر حالی که هستند این صدا را می شنوند و در زمین بیداء لشکریان سفیانی به زمین فرو خواهند رفت که جمعیت آنها طبق روایات رسیده که بعدا ذکر خواهد شد در حدود سیصد هزار نفر است. و اما اصل روایت:

عن ابی الجارود عن ابی جعفر عليه‌السلام فی قوله تعالی «ولو تری اذا فزعوا فلا فوت» قال من الصوت و ذلک صوت من السماء. [12].

ابی جارود از امام باقر عليه‌السلام در مورد این قول خدای تعالی که می فرماید (وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ) ، روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: این از صدای آسمانی (صیحه) است.

ساءل سائل بعذاب واقع. [13].

سائلی از عذابی که وقوع آن حتمی است سؤال نمود.

از حضرت باقر عليه‌السلام در رابطه با این آیه مبارکه سؤال کردند که منظور از این عذاب چیست؟ فرمودند:

نار تخرج من المغرب و ملک یسوقها من خلفها حتی یاءتی من جهه دار بنی سعد ابن همام عند مسجدهم فلا تدع دارا لبنی امیه الا احرقتها و اهلها و لا تدع دارا فیها و ترلال محمد الا احرقتها و ذلک المهدی عليه‌السلام . [14].

عذاب در اینجا آتشی است که از طرف مغرب شعله ور می شد و پادشاهی آن را رهبری می کند و تمام خانه های بنی امیه و همه غاصبان حقوق اهل بیت را آتش می زند و مخصوصا از بنی امیه آثاری باقی نخواهد گذاشت و اوست مهدی آل محمد (سلام اللّه علیه و عجل الله له الفرج).

علامه مجلسی می فرماید: این جریان یا از علائم ظهور است و یا در وقت ظهور واقع می شود.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] فصلت / 53.

[2] بقره / 156.

[3] آل عمران / 7.

[4] غیبت نعمانی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 250.

[5] انعام / 37.

[6] در باب «دابه الارض» بعضی گفته اند منظور، حضرت امیرالمؤمنین سلام اللّه علیه است و بعضی دیگر برآنند که منظور، حضرت بقیه الله روحی له الفداء است.

[7] بحارالانوار، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 181.

[8] انعام / 65.

[9] بحارالانوار، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 182.

[10] یونس / 51.

[11] سباء / 50.

[12] بحارالانوار، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 185.

[13] معارج / 1.

[14] بحارالانوار، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 188.

# آیا امام عصر عليه‌السلام زمان ظهورش را می داند؟

بحثی مفصل در روایات اهل بیت سلام اللّه علیهم اجمعین در کتب معتبره عنوان شده است که آیا حجج الهی و ائمه معصومین سلام اللّه علیهم اجمعین به تمام حوادث و آنچه که پیش می آید و در گذشته روی داده و یا در آینده انجام می شود عالم هستند یا خیر؟ برای روشن شدن این حقیقت و به ویژه اینکه آیا وجود مقدس امام زمان ارواحنا له الفداء علم به وقت ظهور خود دارند یا نه، از بیانات رسیده از ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین استفاده می کنیم.

# امام باقر و علم رسول اکرم و سایر انبیاء عليهما‌السلام

ابی بصیر از حضرت باقر عليه‌السلام از کیفیت علم رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله می پرسد. آن حضرت می فرمایند:

سئل علی عليه‌السلام عن علم النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله فقال: علم النبی علم جمیع النبیین و علم ما کان و ما هو کائن الی قیام الساعه ثم قال والذی نفسی بیده انی لاعلم علم النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله و علم ما کان و ما هو کائن فیما بینی و بین قیام الساعه. [1].

سؤال شد از علی عليه‌السلام از علم پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله ، فرمود: علم پیامبر یعنی علم همه انبیاء (یعنی علم همه انبیاء در خدمت و نزد رسول گرامی اسلام است) و پیامبر بزرگ اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله عالم به ماکان و مایکون است (آنچه در گذشته بوده و هرچه که اکنون در دست اقدام است و کارهایی که در آینده انجام می گیرد) تا روز قیامت. قسم به خداوندی که جانم در کف قدرت اوست که من (علی عليه‌السلام ) همه دانشهای رسول معظم صلى‌الله‌عليه‌وآلهرا می دانم و از آنچه که در گذشته در دنیا رخ داده و هرچه که اکنون در دست اقدام است و اموری که در آینده عملی خواهد شد عالم هستم.

خواننده عزیز!

این است شأن علمی امام عليه‌السلام ، و طبق مدارک قطعیه این مقام به امر خداوند و رسول مکرمش امروز (زمان غیبت) اختصاص به حضرت بقیه الله روحی له الفداء دارد. بنابراین، چگونه ممکن است کسی که وارث علوم همه انبیاء و ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین است و علم ماکان مایکون و ماهو کائن را دارد از مهمترین مساءله حیاتی خویش (یعنی روز ظهور و قیامش) آگاهی نداشته باشد؟ حاشا و کلا، بلکه می داند ولی چون از اسرار بزرگ الهی است، نباید گفته شود؛ لذا فرمودند «لانوقت»، یعنی روز و وقت ظهور را تعیین نمی کنیم.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] بصائر الدرجات،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 147.

# ائمه معصومین عليهما‌السلام در پیشگاه خداوند بزرگ

امام صادق عليه‌السلام موقعیت وجودی ائمه سلام اللّه علیهم را در این روایت چنین بیان فرموده اند:

نحن ولاه امر الله و خزنه علم الله و عیبه وحی الله. [1].

1 - ما فرمانروایان از طرف خداوند هستیم.

2 - ما خزانه داران علوم الهی هستیم.

3 - ما مرکز اسرار الهی هستیم.

خواننده عزیز!

چگونه ممکن است که امام عليه‌السلام خازن علم خداوند باشد، مرکز اسرار ذات پاک حق باشد یعنی خداوند اسرار خودش را به دست آنها داده باشد و از طرف او فرمانروای عالم هستی باشد اما از روز قیام و هنگام انتقام از دشمنان خداوند که برای او ذخیره شده است بی اطلاع باشد؟

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] اصول کافی، ج 1 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 192.

# موقعیت علمی امام

امام باقر عليه‌السلام به راوی می فرمایند:

والله انا لخزان الله فی سمائه و ارضه لا علی ذهب و لا علی فضه الا علی علمه. [1].

به خدا سوگند ما خزانه داران خداوند در آسمانها و زمین هستیم و البته نه بر طلا و نقره بلکه بر علم او.

خواننده گرامی!

امروز وجود مقدس امام عصر روحی له الفداء گنجهای علم خداوند در نزد آن وجود مقدس است، آنوقت چگونه ممکن است که از علم به ظهور خود که در رأس تمام مسائل حیاتی عالم آفرینش قرار دارد، بی اطلاع باشد؟

ابی حمزه می گوید: از امام باقر عليه‌السلام شنیدم که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله از خداوند متعال نقل می کنند که فرمود: استکمال حجتی علی الاشقیاء من امتک من ترک ولایه علی والاوصیاء من بعدک فان فیهم سنتک و سنه الانبیاء من قبلک و هم خزانی علی علمی من بعدک ثم قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله لقد انباءنی جبرئیل عليه‌السلام باسمائهم و اسماء آبائهم. [2].

حجت من بر اشقیای امت تو تمام است، یعنی آنهایی که ولایت علی بن ابی طالب عليه‌السلام و جانشینان بعد از او را نپذیرفتند؛ زیرا در وجود مقدس امیرالمؤمنین و ائمه بعد از او روش شما و همه پیامبران در او و ائمه بعد از او وجود دارد و نیز علی عليه‌السلام و ائمه بعد از او خزانه دار علم من اند (پس امروز که حضرت ولی عصر عليه‌السلام نگهبان و خزانه دار علم خداوند است، چگونه می شود که علم به وقت و روز و ساعت ظهور از آن حضرت پنهان بماند؟). آنگاه رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: جبرئیل عليه‌السلام نامهای ائمه و نامهای پدرانشان را به من خبر داده است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] همان مأخذ، ج 1 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 192.

[2] همان مأخذ، ج 1 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 193.

جهات مختلفه دانش ائمه معصومین عليهما‌السلام

امام موسی بن جعفر عليهما‌السلام می فرمایند:

مبلغ عملنا علی ثلاثه وجوه ماض و غابر و حادث فاما الماضی فمفسر و اما الغابر فمزبور و اما الحادث فقذف فی القلوب و نقر فی الاسماع و هو افضل علمنا لانبی بعد نبینا. [1].

دانش ما ائمه بر سه قسم است:

1 - علم به گذشته که برای ما تفسیر کرده اند (مفسر یا خداوند بزرگ است یا رسول او یا امام پیش از هر امام).

2 - علم به آینده و آنچه در جهان واقع می شود (در لوح محفوظ یا در جامعه یا مصحف حضرت فاطمه سلام اللّه علیها نوشته شده که امام معصوم از همه آنها باخبر است).

3 - علم به آنچه در آینده رخ می دهد (از رویدادهایی که در آنها بدا حاصل می شود) آگاهی ما به آنها از طریق الهام در دل و یا به صورت سخن گفتن فرشته در گوش است، و این برترین دانش ماست، و هرگز پیامبری بعد از پیامبر ما نخواهد بود.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] همان مأخذ، ج 1 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 264.

# ائمه عليهما‌السلام و رازداری

امام باقر عليه‌السلام به عبدالواحد فرزند مختار می گوید:

لوکان لا لسنتکم اوکیه لحدثت کل امری ء بما له و علیه. [1].

اگر تملک زبان می داشتید و می توانستید رازدار باشید، هر آینه به شما خبر می دادم از آنچه به زیان و نفع شماست.

خواننده گرامی!

علم امام عليه‌السلام نامحدود است و همه چیز در دایره علمش منعکس می باشد. پس چگونه امام عصر روحی له الفداء از وقت ظهور خود خبر ندارد؟

آری، اگر کسی بگوید که امام عليه‌السلام نمی داند چه وقت ظهور می کند نسبت جهل و نادانی به امام داده و پیداست که اگر کسی نسبت جهل به امام عليه‌السلام بدهد مجازاتش چه خواهد بود.

آنچه از روایت مذکور استفاده می شود عدم ظرفیت شیعیان برای گرفتن اسرار از ائمه معصومین سلام اللّه علیهم است (به ویژه در این زمان تاریک غیبت کبری از وجود مقدس آقا حضرت صاحب الامر روحی له الفداء آن هم در ارتباط با تعیین وقت ظهور).

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] همان مأخذ، ج 2، /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 17.

# امام صادق عليه‌السلام و کتب جفر و جامعه و مصحف فاطمه عليها‌السلام

ابی بصیر گوید:

دخلت علی ابی عبدالله عليه‌السلام فقلت له جعلت فداک انی اساءلک عن مساءله هیهنا احد یسمع کلامی؟ قال فرفع ابو عبدالله عليه‌السلام سترا بینه و بین بیت آخر فاطلع فیه ثم قال یا ابا محمد سل عما بدالک قال قلت جعلت فداک ان شیعتک یتحدثون ان رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله علم علیا عليه‌السلام بابا یفتح له منه اءلف باب قال فقال یا ابا محمد علم رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله علیا عليه‌السلام الف باب یفتح من کل باب الف باب قال قلت هذا والله العلم قال فنکت ساعه فی الارض ثم قال انه لعلم و ما هو بذلک قال ثم قال یا ابا محمد و ان عندنا الجامعه و ما یدریهم ما الجامعه؟ قال قلت جعلت فداک و ما الجامعه؟ قال صحیفه طولها سبعون ذراعا بذارع رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله و املائه من فلق فیه و خط علی بیمینه فیها کل حلال و حرام و کل شیء یحتاج الناس الیه حتی الارش فی الخدش و ضرب بیده الی قال تاءذن لی یا ابا محمد قال قلت جعلت فداک انما انا لک فاصنع ما شئت قال فغمزنی بیده و قال حتی ارش هذا کانه مغضب قال قلت هذا والله العلم قال انه لعلم و لیس بذالک ثم سکت ساعه ثم قال و ان عندنا الجفر و ما یدریهم ما الجفر قال قلت و ما الجفر قال وعاء من ادم فیه علم النبیین و الوصیین و علم العلماء الذین مضوامن بنی اسرائیل قال قلت ان هذا هو العلم قال انه لعلم و لیس بذلک ثم سکت ساعه ثم قال و ان عندنا لمصحف فاطمه علیهاالسلام و ما یدریهم ما مصحف فاطمه عليهما‌السلام ؟ قال قلت و ما مصحف فاطمه؟ قال مصحف فیه مثل قرآنکم هذا ثلاث مرات والله ما فیه من قرانکم حرف واحد قال قلت هذا والله العلم قال انه لعلم و ما هو بذاک ثم سکت ساعه ثم قال ان عندنا علم ما کان و علم ما هو کائن الی ان تقوم الساعه قال قلت جعلت فداک هذا هو والله العلم قال انه لعلم و لیس بذاک قال قلت له جعلت فداک فای شیء العلم قال ما یحدث باللیل و النهار الامر بعد الامر والشیء الی یوم القیامه. [1].

شرفیاب محضر امام صادق عليه‌السلام شدم، عرض کرم: قربانت گردم، می خواهم از شما موضوعی بپرسم. آیا در اینجا غیر از ما کسی هست که سخن مرا بشنود؟ می گوید امام پرده وسط اطاق را بالا زد تا ابی بصیر ببیند که کسی نیست. آنگاه فرمود: ای ابی بصیر! هرچه می خواهی سؤال کن عرض کردم: قربانت گردم، شیعیان شما می گویند امیرالمؤمنین سلام اللّه علیه یک باب از علم از پیامبر بزرگ صلى‌الله‌عليه‌وآله آموخت که از آن هزار باب علم بر روی حضرت علی باز شده است. حضرت فرمود: ای ابابصیر! رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله هزار باب از علم به علی عليه‌السلام یاد داد که از هر باب هزار باب علم به روی آن حضرت باز شد. ابابصیر می گوید عرض کردم: به خدا سوگند، این است علم. ابی بصیر می گوید:

مولایم ساعتی با انگشتان مبارکش بر زمین زد و فرمود: مسلما این علم است، اما آن علم کامل و همه جانبه نیست. فرمودند: کتاب جامعه نزد ماست و مردم نمی دانند جامعه چیست. می گوید عرض کردم: جامعه چیست؟ فرمود: کتابی است که طول آن هفتاد ذراع است با ذراع رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله و آن را به زبان مبارک بیان فرموده و حضرت علی عليه‌السلام نوشته است. به تمام احکام الهی از واجب و حرام و هرچه مردم نیاز به آن دارند در آن هست، حتی دیه و جرم یک خراش. در این موقع امام صادق عليه‌السلام دست مبارکشان را بر من زده، فرمودند: اجازه می دهی؟ عرض کردم: مولای من! هرچه میل دارید عمل کنید. آنگاه حضرت یک نشگون (یا در اصطلاح فارسی ها یک پنجیر) به من گرفت و فرمود: حتی جزای این عمل کوچک هم در آن بیان شده است. در این موقع امام عليه‌السلام به نظر غضبناک می رسیدند. عرض کردم: قربانت بروم، والله این علم است. فرمودند: آری، این علم است اما دانش نهایی نیست. سپس لختی سکوت کردند و سپس فرمودند: در نزد ما کتاب جفر است، و مردم چه می دانند جفر چیست. عرض کردم: قربانت شوم، جفر کدام است؟ فرمود: ظرفی است که تمام علوم انبیاء و اوصیاء و دانشمندان بنی اسرائیل، همه در آن است. عرض کردم: قربانت گردم، این است معنی علم؟ فرمودند: این علم است اما باز علم کامل نیست. آنگاه مدتی ساکت ماندند و فرمودند: نزد ماست مصحف مادرم فاطمهعليها‌السلام، و مردم چه می دانند مصحف فاطمهعليها‌السلام چیست. عرض کردم: مصحف فاطمهعليها‌السلام چیست؟ فرمودند: سه برابر قرآن شماست، به خدا سوگند، یک کلمه از قرآن شما در آن مصحف نیست. عرض کردم: به خدا علم کامل این است. فرمودند: این کتاب علم است اما علم کامل نیست. و لحظاتی خاموش شدند، آنگاه فرمودند: در نزد ماست علم به آنچه گذشته و هرچه که در آینده واقع می شود تا قیام قیامت. عرض کردم: به خدا سوگند، علم نهایی این است. فرمودند: این علم است اما علم کامل نیست. ابی بصیر می گوید عرض کردم: پس علم کامل و نهایی چیست؟ فرمود: علم کامل آن است که همواره در تزاید باشد، و بر آنچه در شبانه روز پدید می آید، بر فرمان هایی که صادر می شود و حوادثی که تا روز قیامت رخ می دهد، احاطه داشته باشد.

خواننده عزیز!

این کتابها و علمها در نزد حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء است. آیا باز هم می توان باور کرد با این قدرت بی نهایت علمی، آن حضرت عالم به روز و سال ظهور و ساعت قیام جهانی اش نباشد؟ ابدا. او می داند و باید هم بداند، اما از اسرار بزرگ خداوندی است و کسی به آن آگاهی پیدا نخواهد کرد.

(اللهم عجل فرجه و اجعلنا من اعوانه و انصاره).

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] همان مأخذ، ج 1 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 239.

# رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمو نشانه های ظهور

«عن السکونی عن ابی عبدالله عليه‌السلام قال: قال رسول الله علیه و آله سیاتی علی امتی زمان تخبث فیه سرائر هم و تحسن فیه علانیتهم ظمعا فی الدنیا لا یریدون به ما عند الله عزوجل یکون امرهم ریاء لا یخالطه خوف یعلمهم الله منه بعقاب فیدعونه دعاء الغریق فلا یستجاب لهم. [1].

سکونی از امام جعفر صادق عليه‌السلامنقل می کند که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود بر امت من زمانی بیاید که باطن آنها پلید و ظاهرشان به جهت طمع در دنیا آراسته باشد و خداوند را در نظر ندارند عمل آنها ریا است و از او نمی ترسند. خداوند نیز همه آنان را عقوبت خواهد کرد و هر چه دعا کنند حتی غریق مستجاب نخواهد شد.از این روایت علامت برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا الفداء آن هم از زبان آوردنده اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل کرده اند.

1 - دلها مملو از خبائث و صفات رذیله می شود.

2 - مردم تظاهر به خوبیها می کنند در حالی که دلشان از خوبیها خالی است

3 - هدف از این تظاهرات فرورفتن در کثافات اخلاقی دنیا و تعینات آن است

4 - کارهای آنها اگر چه به صورت عبادت است اما برای غیر خدا انجام می شود (ریا)

5 - توجهی به عالم آخرت نخواهند داشت و از خداوند نمی ترسند.

6 - به جهت این صفات خداوند آنها را عقاب می کند به بلاهای اجتماعی از قبیل جنگ گرفتار ظلم شدن گرانی سلب برکت و...

7 - در این موقع هر چه دعا کنند حتی دعای غریق هم مستجاب نخواهد شد [2].

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در روایتی در مورد نشانه های ظهور مهدی روحی له الفداء می فرمایند:

سیاتی زمان علی امتی لا یبقی من القران الا رسمه و لا من الاسلام الا اسمه یسمون به وهم ابعد الناس منه مساجد هم عامره و هی خراب من الهدی فقهاء ذلک الزمان شرفقهاء تحت ظل السماء منهم خرجت الفتنه و الیهم تعود. [3].

بزودی زمانی بر امت من فرارسد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم باقی نماند آنان به نام مسلمانان خوانده می شوند در حالی که دورترین مردم از اسلام اند مساجد آنان آباد و از هدایت خراب (خالی) است فقهای آن زمان بدترین فقها در زیر آسمان اند فتنه از ایشان آغاز می شود و به آنان باز می گردد

وجود مبارک منجی عالم بشریت حضرت محمد بن عبدالله صلى‌الله‌عليه‌وآله در این حدیث که در حقیقت آیینه ای است که

دنیای اسلام و مردم آن را نشان می دهد و این خود معجزه ای است از آن بزرگوار به چند علامت در ارتباط با ظهور فرزند عزیزش اشاره فرموده است:

1 - محتوی و حقایق حیاتبخش قرآن متروک و فقط اسمی از آن می ماند.

2 - از اسلام نامی می ماند و قوانین جامع و کامل آن به حالت تعطیل در می آید و به انزوا سپرده می شود. [4].

3 - تقریبا یک چهارم از جمعیت دنیا ادعای مسلمانی می کنند در صورتی که عملا از اسلام بیگانه اند.

4 - مساجدشان از نظر بنیان و جهات ظاهری آباد اما از لحاظ تقوا ویران است. مساجد مرکز غیبت، تهمت، ریختن آبروی مردم و بدعتها البته به صورتهای مختلف شده است.

5 - فقها و دانشمندان بدترین دانشمندانی هستند که در زیر این آسمان بسر می برند. با تاملی کوتاه درباره عالم نماهای زمان خودمان و فسادی که در اجتماع کرده اند معنی روایات معلوم می شود.

6 - تمام فتنه ها از ناحیه علمای سوء است و بازگشت آنها نیز به خودشان خواهد بود. «اذا فسد العالم فسد العالم» رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم می فرماید هرگاه دانشمندی راه فساد را پیش بگیرد جهانی را به تباهی می کشد. زیرا مردم این دسته از افراد را الگو و سمبل دین می دانند.

خواننده گرامی! نا گفته نماند که از نظر منطق و برهان، همیشه حساب مکتب، از اشخاص جداست.

امام صادق عليهما‌السلام به نقل از پدران مکرم خود ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین می فرماید:

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله : (ان) الاسلام بدا غریبا و سیعود غریبا کما

بدا فطوبی للغرباء. [5].

رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: اسلام در ابتدا غریب و تنها بود و بزودی نیز همچون زمان پیدایش غریب و تنها خواهد شد. خوشا به حال تنهایان و غربا.

خواننده ارجمند! اسلام عزیز ما در ابتدا بسیار غریب بود و فقط یک اقلیت از آن استقبال کردند. در آخر الزمان نیز چنان خواهد شد، کما اینکه اکنون

نیز اینچنین است و با این همه امکانات نظامی، اقتصادی و انسانی که در جهان اسلام وجود دارد، مع الوصف، مسلمین در چنگال ستمگران و کفاری مانند اسرائیل بسر می برند. دلیل بر اثبات عرض ما وضع موجود دنیای اسلام است و در روایات بالا تحت عنوان نشانه های ظهور دولت حق، رسول اکرمصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به غربت مجدد اسلام اشاره فرموده و در ضمن کلمه «فطوبی للغرباء» بشارت پیروزی اسلام را داده اند (البته بشارت ضمنی). آری، اسلام در ابتدای امر واقعا غریب بود، درست مانند کسی که وارد شهری بشود، آشنایی نداشته باشد و پولی هم همراه نداشته باشد که بتواند خودش را اداره کند و زبانش هم با مردم آن شهر یکی نباشد، همچنانکه زبان اسلام زبان توحید بود در حالی که زبان مردم لسان کفر و الحاد و بت پرستی بود و پیامبر بزرگوار فرمودند در آخرالزمان هم این طور خواهد شد.

خواننده محترم! ملاحظه می فرمایید زبان اسلام در دنیای ما نیز زبان صلح، عدالت، ایمان، امنیت و برادری است، در حالی که در جهان کنونی، اعمال مردم بر خلاف این برنامه هاست.

از امام صادق عليهما‌السلام منقول است که رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: من ابغضنا اهل البیت بعثه الله یهودیا قیل یا رسول الله و ان شهد الشهادتین؟ قال نعم انما احتجب بهاتین الکلمتین عند سفک دمه او یودی الجزیه و هو صاغر ثم قال ابغضنا اهل البیت بعثه الله یهودیا قیل و کیف یا رسول الله؟

قال ان ادرک الدجال آمن به. [6].

هر که ما اهل بیت را دشمن دارد خداوند (عزوجل) او را یهودی برانگیزد.سؤال شد: یا رسول الله! اگر چه شهادتین بگوید؟ فرمودند: بله. در نتیجه دو کلمه شهادت (اشهد ان لا الله و اشهد ان محمد رسول الله) فقط جان او محفوظ می ماند و یا از پرداخت جزیه معاف می شود. سپس ادامه دادند: هر کسی که ما اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی بر انگیزد. پرسیدند: چگونه ای رسول خدا؟ فرمودند: اگر زمان دجال را دریابد به او ایمان آورد.

در این روایت، پیامبر بزرگوار اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمپس از اشاره به وظیفه مردم در ارتباط با اهل بیت عليهما‌السلام و نیز زیان دشمنی با خاندان گرامی اش، به خروج دجال که از علائم ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفدا است، اشاره فرموده اند. بنابراین، زیان دشمنی با اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین را می توان این گونه خلاصه کرد:

1 - محشور شدن در روز قیامت با یهودیان.

2 - حسرت و پشیمانی که در سایه قطع ارتباط با خاندان وحی دامنگیر انسان می شود.

3 - از دست دادن نعمتهای ابدی خداوند.

4 - مخلد بودن در آتش جهنم.

5 - محرومیت از مصاحبت با ذوات مقدسه معصومین سلام الله علیهم اجمعین. رسول مکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمخبر از قیام مهدی روحی له الفدا می دهد و از آن حضرت به نام خاتمه دهنده به دین چنین

می فرماید: «المهدی منا یختم الدین به کما فتح بنا... (و اخرج الحاکم فی صحیحه) یحل بامتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع بلاء اشد منه حتی لایجد الرجل ملجا فیبعث الله رجلا من عترتی اهل بیتی یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما وجورا و ساکن السماء و ترسل السماء قطرها و تخرج الارض نباتها.» [7].

همچنانکه دین به وسیله من آغاز شد، توسط فرزندم مهدی عليهما‌السلام خاتمه می یابد... در آخر الزمان امت من در سایه زمامداری ستمگر به بلاهایی مبتلا می شوند که مانند آن را نشنیده اند و به اندازه ای عرصه بر مردم تنگ می شود که پناهگاهی برای خود پیدا نمی کنند. در این هنگام خداوند مردی از عترت و ظلم و جور شده باشد. از ویژگیهای او این است که اهل زمین و ساکنان آسمانها او را دوست می دارند و آسمان بارانهای خودش را می بارد و زمین برکاتش را در اختیار مردم قرار می دهد.

«سیجی ء فی آخر الزمان اقوام تکون وجوههم وجوه الآدمیین و قلوبهم قلوب الشیاطین امثال الذئاب الضواری لیس فی قلوبهم شیء من الرحمه سفاکین للدماء و لا یرعون عن قبیح ان تابعتهم واروک و ان تواریت عنهم اغتابوک و ان حد ثوک کذبوک و ان ائتمنتهم خانوک صبیهم عارم و شابهم شاطر و شیخهم لایامر بمعروف و لا ینهی عن منکر الاعتزازبهم ذل و طلب ما فی ایدیهم فقر الحلیم فیهم غاو و الامر فیهم بالمعروف متهم المؤمن فیهم مستضعف و الفاسق فیهم مشرف السنه فیهم بدعه و البدعه فیهم سنه فعند ذلک یسلط الله علیهم شرارهم و یدعو خیارهم

فلایستجاب لهم.» [8].

در آخر الزمان مردمانی بیایند که از نظر ظاهر، سیمای آدمیان را دارند، اما دلهایشان مانند قلبهای شیطانها است (پر از خود خواهی و تکبر و غرور و امثال اینها است). مانند گرگهای درنده دلشان خالی از رحمت و عطوفت انسانی باشد، قتل و خونریزی برای آنها یک امر بسیار ساده و بی اهمیت خواهد بود و از کارهای زشت دوری نمی کنند. اگر از آنها متابعت کنی تو را از خود می رانند و اگر از آنان فاصله بگیری تو را مورد غیبت و عیبجوی قرار می دهند،اگر با تو سخن گویند دروغ می گویند و اگر آن مردم را امین خویش قرار دادی به تو خیانت می کنند. بچه های آنها با ناز و نخوت زندگی می کنند و جوانانشان بی باک و از خود راضی اند چندان که مردم را از بی تربیتی خویش عاجز می کنند. پیروان آنها امر به خوبیها و نهی از بدیها نمی کنند. عزت جستن به وسیله آنها ذلت و خواری است، مطالبه موجودی آنها فقر و ناتوانی است. شخص عاقل در میان آنها گمراه به شمار می آید و امر به معروف کننده مورد تهمت و افترا قرار می گیرد. افراد با ایمان و صاحبان تقوا در میان ایشان ضعیف خواهند بود، اما افراد فاسق در میان آنها با شخصیت حساب می شوند. کارهای خوب و سنتهای الهی در میان این جمعیت بدعت محسوب می شود و از طرفی بدعت در میان آنها سنت به حساب می آید. در چنین زمانی که مردمش دارای چنین خصوصیات اخلاقی شده اند، خداوند اشرار و مردم بد را بر آنها مسلط می کند و دیگر دعاوی خوبان اجابت نخواهد شد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] بحار النوار ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 190.

[2] البته در بعضی روایات دعای یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک به نام دعای غریق ذکر شده.

[3] بحار الانوار ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 190

[4] این آیینه در مقابل اسلام و کشورهای به اصطلاح مسلمان قرار بده مسلما غیر از اسم و رسم از قرآن و اسلام چیز دیگری نمی بینی.

[5] همان ماخذ ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 191.

[6] همان مأخذ، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 192.

[7] الامام المهدی عند اهل السنه، ج 2، مشارق الانوار،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 29.

[8] نوائب الدهور، ج 1 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 150.

# شب معراج و نشانه های ظهور

در حدیث مبارکی که ابن عباس از زبان پر نور آورنده اسلام حضرت محمد بن عبد الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمنقل کرده به نشانه هایی در رابطه با قیام جهانی حضرت صاحب الامرعليهما‌السلام تصریح شده است که به نظر خوانندگان عزیز می رسد:

«عن ابن عباس عن رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله : فی حدیث ان الله اوحی الیه لیله اسری به ان یوصی الی علی و اخبره بالائمه من ولده الی ان قال و آخر رجل منهم یصلی عیسی ابن مریم خلفه یملا الارض عدلا کما ملئت جورا و ظلما انجی به من الهلکه و اهدی به من الضلاله و ابری به الاعمی و اشفی به المریض فقلت الهی و سیدی متی یکون ذاک فاوحی الله عزوجل الی یکون ذلک اذا رفع العلم و ظهر الجهل و کثر القراءه و قل العمل و کثر القتل و قل الفقهاء و الهادون و کثر فقهاء الضلاله و الخونه و کثر الشعراء و اتخذ امتک قبورهم مساجد و حلیت المصاحف و زخرفت المساجد و کثر الجور و الفساد و ظهر المنکر و امر امتک به و نهی عن المعروف و اکتفی الرجال بالرجال و النساء و صار الامراء کفره و اولیائهم فجره و اعوانهم ظلمه ذووا الرای منهم فسقه و عند ثلاثه خسوف خسف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزیره العرب و خراب بصره علی ید رجل من ذریتک تتبعه الزنوج و خروج رجل من ولد الحسین بن علی و ظهور الدجال یخرج من المشرق من سجستان و ظهور السفیانی.» [1].

ابن عباس می گوید: در شب معراج مطالبی به رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم وحی شد که باید به وجود مقدس حضرت امیر المؤمنین عليهما‌السلام خبر داده شود و نیز به ائمه بعد از آن حضرت. بعد فرمودند که خداوند برای آخرین آنها نشانه هایی بیان فرمودند:

1 - عیسی بن مریم پشت سر آن بزرگوار نماز می خواند.

2 - زمین را پر از عدل و داد می کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.

3 - بندگان را به وسیله او (امام عصر) از هلاکت نجات می دهم.

4 - گمراهان را به وسیله او هدایت می کنم.

5 - نابینایان و بیماران را به وسیله او شفا می دهم.

عرض کردم خداوندا! آن کی خواهد شد؟ خطاب رسید:

6 - هرگاه علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی به جای آن نشیند.

قرائت قرآن زیاد اماعمل به آن کم شود.

7 - قتل و کشتار زیاد شود.

8 - فقها و هدایت کنندگان واقعی کم شوند (اشاره است به وجود علمای ربانی).

9 - علمای فاسق (بی عمل) و خیانتکار زیاد

شوند (آنان که دین را به فکر خود معنی می کنند).

10 - شعرا زیاد شوند.

11 - امت شما قبرستان ها را مساجد قرار دهند.

12 - قرآنها را زینت کنند.

13 - مساجد را مجلل بسازند.

14 - جور و فساد زیاد شود.

15 - منکرات ظاهر شود.

16 - امت شما امر به منکر کنند.

17 - پیروان شما نهی از معروف کنند.

18 - مردها به مردها اکتفا کنند (لواط).

19 - زنان به زنان قناعت کنند (مساحقه).

20 - زمامداران کافر شوند.

21 - دوستان حکمرانان گنهکار باشند.

22 - یاوران آنها ستمگران باشند.

23 - صاحبان رأی و نظر از آنان فاسقان باشند.

24 - سه خسف [2] در دنیا واقع شود: یکی خسف در مشرق، خسف دیگر در مغرب و خسف سوم در جزیره العرب.

25 - خراب شدن بصره به دست یکی از ذراری تو (سید) که زنگیها دنبالش را بگیرند.

26 - قیام مردی از اولاد امام حسین عليهما‌السلام .

27 - ظهور دجال و قیامش از سجستان.

28 - خروج سفیانی.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] اثباه الهداه، ج 7 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 390 و 391.

[2] فرورفتگی زمین

# رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمو موقعیت منتظران حضرت مهدی عليه‌السلام قبل از ظهور

امام صادق عليه‌السلام از وجود مبارک رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله درباره مقام منتظران ظهور و علاقه مندان به ساحت قدس حضرت بقیه الله روحی له الفداء و آباء گرامی اش چنین نقل فرموده اند:

طوبی لمن ادرک قائم اهلبیتی و هو مقتد به قبل قیامه یتولی ولیه و یتبراء من عدوه و یتولی الائمه من قبله اولئک رفقائی و ذووا ودی و مودتی و اکرم امتی علی و اکرم خلق الله علی. [1].

خوشا به حال کسانی که قائم از اهل بیت مرا درک کنند و اقتدای به آن حضرت میکنند (فرمانبرداری) پیش از قیامش، دوستان او را دوست می دارند و با دشمنانش دشمن اند و از آنها تبرا می جویند و ائمه معصومین قبل از آن حضرت را دوست می دارند. اینان رفقای من و دوستان من و بهترین افراد امت من در نزد من بلکه بهترین مخلوقات خداوند برای من هستند (گوارا باد بر صاحبان این نعمت (ولایت)).

حذیفه می گوید: دیدم رسول معظم اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله پرده کعبه را گرفته و گریه می کند. عرض کردم یا رسول الله! چه چیز شما را به گریه آورده است؟

خداوند چشمهای تو را نگریاند. فرمودند: یا حذیفه قد ذهبت الدنیا او کانک بالدنیا لم تکن قلت فداک ابی و امی یا رسول الله فهل من علامه یستدل بها علی ذلک قال نعم یا حذیفه احفظ بقلبک و انظر بعینک و اعقد بیدک اذا ضیعت امتی الصلواه و اتبعت الشهوات و کثر الخیانات و قلت الامانات و شربوا القهوات و اظلم الهوی و غار الماء و اغبرت الافق و خیفت الطرق و تشاتم الناس و فسدوا و فجرت الباعه و رفضت القناعه و ساءت الظنون و تلاشت السنون و کثرت الاشجار و قلت الثمار و غلت الاسعار و کثرت الریاح و تبینت الاشراط و ظهر اللواط و استحسنوا الخلف و ضاقت المکاسب و قلت المطالب و استمروا بالهوی و تفاکهوا بینهم بشتیمه الاباء و الامهات و اکلوا الربا و فشا الزنا و قل الرضا و استعملوا السفهاء و کثرت الخیانه و قلت الامانه و ذکی کل امرء نفسه و عمله و اشتهر کل جاهل بجهله و زخرفت جدران الدور و رفع بناء القصور و صار الباطل حقا و الکذب صدقا و الصحه عجزا و اللؤ م عقلا و الضلاله هدی و البیان عمی و الصمت بلاهه و العلم جهاله و کثرت الایات و تتابعت العلامات و تراجموا بالظنون و دارت علی الناس رحی المنون و عمیت القلوب و غلب المنکر المعروف و ذهب التواصل و کثرت التجارات و استحسنوا البطالات و تهادوا انفسهم بالشهوات و تهاونوا بالمعضلات و رکبوا جلود النمور و اکلوا الماءتور و لبسوا الحبور و آثروا الدنیا علی الاخره و ذهبت الرحمه من القلوب و عم الفساد و اتخذوا کتاب الله لعبا و مال الله دولا و استحل الخمر بالنبیذ و النجش بالزکوه و الربا بالبیع و تکافاء الرجال بالرجال و النساء بالنساء و صارت المباهات فی المعصیه و الکبر فی القلوب والجور فی السلاطین و السفاهه فی سائر الناس فعند ذلک لا یسلم لذی دین دینه الا من فر بدینه من شاهق الی شاهق و من واد الی واد و ذهب الاسلام حتی لایبقی الا اسمه و اندرس القران من القلوب حتی لایبقی الا رسمه یقرؤ ن القرآن لا یجاوز تراقیهم لا یعلمون بما فیه من وعد ربهم و وعیده و تحذیره و تنذیره و ناسخه و منسوخه فعند ذلک تکون مساجدهم عامره و قلوبهم خاربه من الایمان علمانهم شر خلق الله علی وجه الارض منهم بدت الفتنه و الیهم تعود و یذهب الخیر و اهله و یبقی الشر و اهله و یصیر الناس بحیث لایعباء الله بشیء من اعماله قد حبب الیهم الدینار و الدارهم حتی ان الغنی لیحدث نفسه بالفقر. [2].

ای حذیفه! دنیا از بین رفته یا مثل اینکه تو در این دنیا نبودی. عرض کردم پدر و مادرم به قربانت باد! آیا علائمی هست که دال بر وقوع چنین وضعی در دنیا باشد؟ فرمودند: آری ای حذیفه! مطالبی که می گویم به قلبت بسپار و با چشمت ببین و با انگشتانت شماره کن:

1 - وقتی که امت من نماز را ضایع کنند.

2 - از شهوات پیروی کنند.

3 - خیانت در میان مردم زیاد شود.

- امانت و امانتداری کم شود.

5 - مشروبات الکلی بنوشند.

6 - فضا تاریک شود (ممکن است به خاطر آلودگی فضا به معصیت یا دود ناشی از بنزین و غیره باشد).

7 - به واسطه خشکسالی، آب قناتها و چاهها کم می شود کما اینکه الان شده است -.

8 - آسمان و این فضای لایتناهی غبارآلود شود (ممکن است کنایه از ظلم های جهانی باشد مانند جنگهای جهانی از قبیل دو جنگ اول و دوم و جنگهای پراکنده).

9 - امنیت از راههای زمینی و هوایی برداشته شود (نظیر هواپیما ربایی، آدم دزدی).

10 - و مردم همدیگر را سب و لعن کنند.

11 - خانواده ها در دامن فساد سقوط کنند (مانند بی حجابی، رقاصی، قمار و غیره).

12 - مردم در زندگی گرفتار تجملات و مدپرستی شوند و سرانجام قناعت و میانه روی متروک گردد.

13 - افراد جامعه نسبت به یکدیگر بدبین شوند و سوءظن و عدم اعتماد بر جامعه سایه افکند.

14 - سالهای دنیا پست و خوار شود.

15 - درختکاری زیاد شود و محصولها اندک شود.

16 - قیمتها بالا رود (نرخ اجناس مورد لزوم به طور سرسام آوری بالا برود تا جایی که زندگی را تبدیل به جهنم سوزان کند).

17 - بادها زیاد شود (طوفانها و تندبادها مرتبا در دنیا زیانهای سنگین جانی و مالی به بار آورد).

18 - پرده از.روی باطن مردم برداشته شود (و جنایتکاران و دنیاپرستان و جاه طلبان شناخته شوند، یا بدان آشکار شوند یا علائم ظاهر شوند).

19 - عمل شنیع لواط علنی شود (کما اینکه در انگلستان با گذراندن قانونی از تصویب مجلس لواط بلامانع شده است).

20 - خلاف، پسندیده شود.

21 - تجارت و کاسبی دچار سختی و تنگی شود و اشیاء مورد درخواست کم شود.

22 - تمام برنامه ها را با کمال گستاخی و خودسری بر مبنای هوای نفس (دلم می خواهد) پیاده کنند.

23 - ناسزا و فحش دادن به پدر و مادران را وسیله سرگرمی و مزاح قرار دهند.

24 - آشکارا ربا بخورند و کوچکترین ترسی از خداوند نداشته باشند.

25 - بی عصمتی و زنا در میان مردم رواج پیدا کند (مراکز خودفروشی و زنا در دنیا با ابعاد گسترده ای بالاترین شاهد ماست).

26 - خشنودی و راضی بودن از زندگی و برنامه آن بسیار کم شود.

27 - افراد سفیه و نادان زمام امور را به دست گیرند.

28 - خیانت به انواع و اقسام مختلف در میان همه طبقات زیاد شود.

29 - امانت را بی اهمیت بدانند و به آن بی اعتنا باشند و افراد امین کم شوند.

30 - افراد از اخلاق و کار خویش تعریف کنند.

31 - نادانها به دلیل نادانی خویش مشهورند.

32 - مردم خانه های خود را بیارایند و دیوارهای آن را زینت دهند.

33 - قصرها و خانه ها بلند ساخته شود (مانند ساختمانهای چندین طبقه ای که آسایش و امنیت را از همسایه ها سلب می کند.)

34 - باطل را به لباس حق جلوه دهند.

35 - زشتی دروغ از بین برود بحدی که لباس راستی بر آن بپوشانند.

36 - اگر کسی در کارش صحت عمل داشته باشد او را ضعیف بدانند.

37 - پستی و لئامت و سرزنش یکدیگر را به حساب عقل بگذارند (صاحبش را عاقل بدانند)

38 - گمراه بودن و راه کج رفتن را هدایت بشمارند.

39 - بیان را کوری بدانند (اگر به وسیله بیان، حقایقی گفته شود که به نظر آنها خوش نیاید بگویند این شخص کور است و واقعیت دنیا را نمی بیند).

40 - و خموشی را بی خردی بدانند.

41 - دانشمند اگر بخواهد از علم خویش به نفع خود و جامعه حرف بزند او را جاهل و عملش را نادانی بدانند.

42 - نشانه ها بسیار شود و علامتها یکی پس از دیگری ظاهر گردد.

43 - تحقیق نکرده سخنان دور از حقیقت بگویند (مردم را متهم کنند و بدون دلیل آبروی بندگان خدا را بریزند).

44 - آسیای مرگ بر سر جامعه بچرخد (جنگهای خانمانسوز به راه بیندازند و افراد بیگناه را قتل عام کنند، مانند بمباران مناطق مسکونی و غیر نظامی و..).

45 - مردم از نظر بینش و دید قلبی کور شوند و حقایق را نبینند (مانند جنایاتی که از زمامداران خود می بینند و در عین حال می گویند خوب است).

46 - کارهای ناپسند بر اعمال خوب غلبه پیدا کند (مردم طرفدار کارهای بد شوند).

47 - محبت نسبت به یکدیگر و صله رحم از دلهای مردم برداشته شود.

48 - تجارت و بازرگانی زیاد شود و مردم کارهای باطل و ناچیز را نیکو بدانند.

49 - جان خود را به یکدیگر به خاطر شهوتهای زیادی که دارند، بذل کنند.

50 - کارهای بزرگ را آسان شمارند (نظیر جنگ با دولتهای بزرگ).

51 - از پوشیدن پوستهای حیوانات حرام گوشت (یا ذبح شرعی نشده) باکی نداشته باشند.

52 - جامه های نرم و زیبا و نازک بپوشند (و بدن آنها از روی لباس پیدا باشد).

53 - رغبت به دنیا پیدا کنند و آن را بر آخرت مقدم بدارند (اعمال بد مردم گواه این مطلب است).

54 - رحم از دلهای همه مردم برود (اعم از زمامدار، تاجر، کاسب، زن، شوهر و غیر آنها).

55 - فساد جنبه عمومی پیدا کند (خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو).

56. - قرآن را به بازی بگیرند (از نام آن و آیاتش به نفع اهداف شوم خود سوء استفاده کنند).

57 - اموال بیت المال (وجوه شرعیه) را مال شخصی خود بدانند یا حقوق شرعیه مال خود را ندهند و بگویند مال خودمان است.

58 - مسکرات را با تغییر نام حلال بدانند.

59 - در وقت دادن زکات مال خود خیانت کنند (کم بدهند یا جنس نامرغوب عرضه کنند).

60 - ربا را به نام خرید و فروش و اجاره دادن محلی از مقروض بگیرند.

61 - در فسق و فجور مردها با مردها و زنها با زنها برابری کنند.

62 - به نافرمانی از خداوند (گناه کردن) مباهات کنند.

63 - دلهای مردم پر از تکبر و نخوت شود و ظلم و جور در پادشاهان و نادانی در مردم (زیر بار ظلم رفتن) ظاهر شود.

64 - در چنین وضعی دیندار باید دین خود را بردارد و از این طرف به آن طرف و از این قله کوه به آن قله و از این دره به دره دیگر برود تا سلامت دین داشته باشد.

65 - از اسلام باقی نماند جز اسمی و از قرآن باقی نماند جز رسمی (قرآن در دلها کهنه شود و فقط اسم و رسمی از آن باقی بماند).

66 - قرآن بخوانند در حالی که از گلوگاه و استخوان ترقوه و گردن نگذرد و از وعده های خداوندی و وعیدهای آن عملا در میان مردم خبری نباشد و از خداوند نترسند و به یاد او نباشند و از ناسخ و منسوخ قرآن بی خبر باشند.

67 - در این حالات مساجدشان آباد باشد اما دلهاشان از تقوا و ایمان تهی.

68 - علما و دانشمندان آن زمان بدترین مردم روی زمین باشند و تمام فسادها و فتنه ها از ناحیه آنها برخیزد و بازگشت همه آنها (فتنه ها) به سوی خود ایشان است.

69 - مردم خیر و نیکوکار و مراکز خیر از بین برود اما اهل شر و فساد بمانند.

70 - مردم به خداوند عالم در کارهایشان بی اعتنا باشند و اعمالشان از روی تحقیق نباشد.

71 - تنها محبوب مردم دینار و درهم باشد (ثروت دنیا از هر راهی که بیاید، حلال یا حرام، مانعی نداشته باشد).

72 - هر قدر ثروتشان زیاد شود باز بگویند فقیریم.

خواننده عزیز!

این هفتاد و دو علامت را به منزله یک آیینه قرار بده و آن را در مقابل جهان امروز بگذار؛ اگر همه اینها را در این آیینه و در قیافه های این مردم ندیدید نویسنده را نفرین کنید وگرنه به دعای خیر از او یاد کنید. حتما می بینید.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

قال حجت مع رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله حجه الوداع فلما قضی النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله ما افترض علیه من الحج اءتی مودع الکعبه فلزم حلقه الباب و نادی برفیع صوته ایها الناس فاجتمع اهل المسجد و اهل السوق فقال اسمعوا انی قائل ما هو بعدی کائن فلیبلغ شاهد کم غائبکم ثم بکی رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله حتی بکی لبکائه الناس اجمعین فلما سکت من بکائه قال اعلموا رحمکم الله ان مثلکم فی هذا الیوم کمثل ورق لا شوک فیه الی اربعین و ماءئه سنه ثم یاءتی من بعد ذلک شوک و ورق الی مائتی سنه ثم یاءتی من بعد ذلک شوک لاورق فیه حتی لایری فیه الا سلطان جائر او غنی بخیل او عالم مراغب فی المال او فقیر کذاب او شیخ فاجر او صبی و قح او امراه رعناء ثم بکی رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله فقام الیه سلمان الفارسی و قال یا رسول الله اخبرنا متی یکون ذلک فقال صلى‌الله‌عليه‌وآله اذا قلت علمائکم و ذهبت قراؤ کم و قطعتکم زکاتکم و اظهرتم منکراتکم و علت اصواتکم فی مساجدکم و جعلتم الدنیا فوق رؤ وسکم و العلم تحت اقدامکم و الکذب حدیثکم و الغیبه فاکهتکم و الحرام غنیمتکم و لا یرحم کبیرکم صغیرکم و لا یوقر صغیرکم کبیرکم فعند ذلک تنزل اللعنه علیکم و یجعل باءسکم بینکم و بقی الدین بینکم لفظا بالسنتکم فاذا اوتیتم هذه الخصال توقعوا الریح الحمراء او مسخا او قذفا بالحجاره و تصدیق ذلک فی کتاب الله عزوجل «قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذابا من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعا و یذیق بعضکم باءس بعض انظر کیف نصرف الایات لعلهم یفقهون». [3].

فقام الیه جماعه من الصحابه فقالوا یا رسول الله اخبرنا متی یکون ذلک فقال صلى‌الله‌عليه‌وآله عند تاءخیر الصلوه و اتباع الشهوات و شرب القهوات و شتم الاباء و الامهات حتی ترون الحرام مغنما و الزکاه مغرما و اطاع الرجل زوجته و جفا جاره و قطع رحمه و ذهبت رحمه الاکابر و قل حیاء الاصاغر و شیدوا البنیان و ظلموا العبید و الاماء و شهدوا بالهوی و حکموا بالجور و یسب الرجل اباه و یحسد الرجل اخاه و یعامل الشرکاء بالخیانه و قل الوفاء و شاع الزنا و تزین الرجال بثیاب النساء و سلب عنهن قناع الحیاء و دب الکبر فی القلوب کدبیب السم فی الابدان و قل المعروف و ظهرت الجرائم و هونت العظائم و طلبوا المدح بالمال و انفقوا المال للغناء و شغلوا بالدنیا عن الاخره و قل الورع و کثر الطمع و الهرج و المرج و اصبح المؤمن ذلیلا و المنافق عزیزا مساجدهم معموره با لاذان و قلوبهم خالیه من الایمان و استخفوا بالقرآن و بلغ المؤ من عنهم کل هو ان فعند ذلک تری وجوههم وجوه الادمیین و قلوبهم قلوب الشیاطین کلامهم احلی من العسل و قلوبهم امر من الحنظل فهم ذئاب و علیهم ثیاب ما من یوم الا یقول الله تبارک و تعالی اءفبی تغترون ام علی تجترون «افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون» [4] فو عزتی و جلالی لولا من یعبدنی مخلصا ما امهلت من یعصینی طرفه عین ولولا ورع الورعین من عبادی لما انزلت من السماء قطره ولا انبت ورقه خضراء فوا عجبا لقوم آلهتهم اموالهم و طالت آمالهم و قصرت آجالهم و هم یطمعون فی مجاوره مولاهوم ولا یصلون الی ذلک الا بالعمل ولایتم العمل الا بالعقل. [5].

در حجه الوداع (آخرین حج) در خدمت رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله بودم. وقتی که پیامبر بزرگ اعمال واجب حج را تمام فرمودند به عنوان وداع به خانه کعبه نزدیک شدند، حلقه در خانه را گرفتند و با صدای بلند که همه اهل مسجدالحرام و بازاریان صدای مبارکشان را شنیدند و اجتماع کردند، فرمودند: ای مردم! بشنوید و به آنهایی که در اینجا نیستند برسانید. آنگاه وجود مقدس رسول گرامی صلى‌الله‌عليه‌وآله گریه کردند و از گریه آن بزرگوار همه به گریه افتادند و چون از گریه فارغ شدند، فرمودند: ای مردم! خداوند شما را رحمت کند. مثل شما از امروز تا یکصد و چهل سال دیگر مانند درخت بی خار خواهید بود (ممکن است که کنایه از زندگی آرام باشد) و دویست سال دیگر بر شما خواهد آمد که مانند درختی باشید که هم برگ دارد و هم خاردار است (این نیز ممکن است کنایه از زندگی همراه با نیش و نوش و زحمت و خوشی باشد). دیگر بعد از این مثل شما مانند درختی است که خارهای جانگداز دارد و در این فصل از زندگی نمی بینید مگر پادشاه ستمگر یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیاپرست یا فقیر دروغگو یا پیرمرد زناکار یا بچه گستاخ یا زن نادان و احمق. آنگاه رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله گریه کردند. سلمان فارسی از جا برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! به ما خبر بده کی خواهد شد. حضرت فرمودند: هرگاه علما و دانشمندان شما کم شوند و قاریان قرآن شما از بین بروند و زکات دادن متروک شود و منکرات در اجتماع شما رواج پیدا کند و در مساجد صداهای شما بلند شود و کارهای مربوط به دنیا را مقدم بر امور اخروی بلکه روی سر آخرت بگذارید و علم را زیر پای خود قرار دهید (کنایه از علوم اسلامی و معارف حقه اهل بیت عليهم‌السلام است) و سخن معمولی و همگانی شما دروغ، میوه و نقل مجالس شما غیبت و آنچه به دست می آورید حرام باشد. (ای سلمان!) در آن زمان بزرگان بر کوچکان رحم نمی کنند و کوچکان نیز احترام بزرگان را نگاه نمی دارند (ای سلمان!) در این حالت، لعنت خداوند بر شما نازل می شود و سختیها دامن شما را خواهد گرفت و از دین در میان شما جز لفظی باقی نمی ماند و آنگاه که شما دارای این صفات ناپسند شدید، منتظر وزیدن باد سرخ یا سنگباران شدن یا مسخ شدن باشید، به درستی که در کتاب خداوند عزوجل آمده است: «خداست که می تواند به وسیله عذاب های مختلف از بالا و پایین (سنگباران یا بادهای سخت) شما را مجازات کند یا شما را گروه گروه کند و بچشاند برخی از شما را آسیب برخی دیگر. بنگر چگونه آیه ها را گونه گون می کنیم، شاید آنها فهم کنند».

در این موقع بعضی از اصحاب برخاسته، عرض کردند: یا رسول الله! به ما خبر ده این جریانات کی خواهد بود. فرمودند: آنگاه که نماز را در وقت خودش نخوانند، متابعت از شهوات کنند، شرب خمر کنند (زیرا قهوه خوردن گناه نیست)، به پدران و مادران ناسزا بگویند، به دست آوردن مال حرام را غنیمت بدانند و زکات دادن را زیان و ضرر تلقی کنند، مرد از همسر خود اطاعت کند، درباره همسایه جفا کنند، با ارحام قطع ارتباط کنند، رحم از بزرگان برداشته شود و حیای کوچکان کم گردد، ساختمانها را محکم بنا کنند، درباره نوکران و کلفتها ظلم کنند، شهادتشان از روی هوی و هوس باشد، حکم آنها بر اساس ظلم باشد، مرد پدرش را لعنت کند، برادر نسبت به برادر حسد ورزد، شرکاء در معاملاتشان به یکدیگر خیانت کنند، وفا کم شود، زنا شیوع پیدا کند، مردان خود را به لباس زنان بیارایند، پرده حیا از زنها برداشته شود، تکبر دلهای مردم را پر کند مانند سمهای کشنده ای که در بدنها جای می گیرد، کارهای خوب کم شود و جرایم و بدیها ظاهر شود، واجبات الهی سبک پنداشته شود، با گرفتن پول صاحبان مال را بستایند، ثروت را در راه غنا و خوانندگی به مصرف برسانند، از آخرت غفلت کنند و تمام توجه خود را به دنیا معطوف دارند، ورع و پرهیزکاری کم و طمع زیاد شود، هرج و مرج بالا گیرد، بندگان خدا در جامعه ذلیل و منافقان در میان مردم محترم باشند، مساجد از نظر ظاهر به وسیله اذان آباد اما دلهای ساکنان آن تهی از ایمان باشد، قرآن را سبک بشمارند، انواع خواریها درباره اهل ایمان اعمال کنند. در این هنگام می بینی که صورت این مردم چهره آدمی است اما قلبهای آنان دلهای شیاطین است (پر است از مکر و حیله و تکبر و امثال این صفات بد)؛ سخنان آنان از عسل شیرین تر اما دلهایشان پر است از زهرهای کشنده. اینان گرگهای درنده ای هستند که به لباس آدمیان در آمده اند. در این حالات، روزی نیست که خداوند به آنها نفرماید آیا از رحمت من مغرور شده و به من جرأت پیدا کرده اید؟ «تصور می کنید که من شما را بی فایده خلق کردم و بازگشت شما به سوی من نیست؟». به عزت و جلالم سوگند، اگر به خاطر بندگان صالح و با اخلاصم نبود یک آن به معصیت کاران مهلت نمی دادم و اگر ورع و پرهیزکاری بندگان باتقوا نبود یک قطره باران از آسمان فرو نمی فرستادم و یک برگ سبز از زمین نمی رویاندم. عجبا از مردمی که مال و ثروت را خدای خویش قرار داده اند و آرزوهای آنها طولانی است (با توجه به عمر کوتاه دنیا) و چشم طمع دارند که در جوار رحمت الهی باشند، و حال آنکه به مقام قرب نمی رسند مگر به وسیله عمل صالح و عمل هم قبول نخواهد شد مگر با راهنمایی عقل.

در این حدیث نبی معظم صلى‌الله‌عليه‌وآله از حوادث و بلاهایی که بعد از آن بزرگوار متوجه خاندان عزیزش می شود یاد می فرمایند و در ضمن به بعضی از علائم ظهور امام عصر روحی له الفداء اشاره می کنند:

ان رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله ذکر بلاء یلقاه اهل بیته حتی یبعث الله رایه من المشرق سوداء من نصرها نصره الله و من خذلها خذله الله حتی یاءتوا رجلا اسمه کاءسمی فیولوه امرهم فیویده الله و ینصره. [6].

پرچمهای سیاهی از جانب مشرق (خراسان) به احتزاز در می آید. هر کسی که زیر این پرچمها برود و صاحبش را یاری کند خداوند او را یاری خواهد فرمود و هر فردی که آنها را مخذول کند، یعنی با پرچم و صاحب آن مخالفت کند، خداوند او را مخذول خواهد کرد تا اینکه مردی بیاید که نامش مانند نام من باشد. پس زمام امور را به دست گیرد و خداوند او را از نصرت و تأییدات خودش بهره مند خواهد فرمود.

نعیم بن حماد می گوید:

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله تکون فتنه ثم تکون جماعه ثم تکون فتنه تعوج فیها عقول الرجال. [7].

رسول معظم اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: بعد از من فتنه هایی خواهد بود و جماعت هایی رهبری فتنه ها را به عهده خواهند گرفت؛ اما در آخر فتنه ای خواهد بود که بر اثر آن عقل مردم دچار انحراف خواهد شد. ممکن است منظور از فتنه ها حادثه بعد از رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله (غصب خلافت)، زمامداری بنی امیه، خلافت بنی عباس و فتنه های دیگری باشد که واقع شده است.

عبدالله بن مسعود از بنیانگذار اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت می کند که آن حضرت در ارتباط با حوادث بعد از خودشان چنین فرمودند: احذرکم سبع فتن تکون بعدی فتنه تقبل من المدینه و فتنه بمکه و فتنه تقبل من الیمن و فتنده تقبل من المشرق و فتنه من قبل المغرب و فتنه من بطن الشام و هی فتنه السفیانی قال ابن مسعود منکم من یدرک اولها و من هذه الامه من یدرک آخرها. [8].

من شما را از هفت فتنه می ترسانم که بعد از من در دنیای اسلام به وجود می آید:

1 - فتنه ای که در مدینه برپا می شود (ممکن است اشاره به فتنه طلحه و زبیر باشد یا حادثه سقیفه).

2 - فتنه دوم از مکه است (ممکن است اشاره به جریان عبدالله بن زبیر باشد).

- فتنه ای که از جانب یمن (نجده) باشد.

4 - فتنه ای که از جانب شام برخواهد خاست (ممکن است اشاره به فتنه بنی امیه باشد).

5 - فتنه ای که از جانب مشرق به وجود می آید (ممکن است فتنه بنی عباس باشد).

6 - فتنه ای که از سوی مغرب خواهد بود.

7 - فتنه هفتم از شام برمی خیزد، که همانا قیام سفیانی است.

عبدالله بن مسعود می گوید: بعضی از افراد این امت اول این فتنه ها را درک می کنند و بعضی دیگر آخر این فتنه ها را خواهند دید.

خواننده ارجمند!

باید از خداوند بزرگ به وسیله آقا حضرت بقیه الله روحی له الفداء استدعا کنیم که همه ما را در این فتنه ها و امتحانات حفظ فرماید تا ظهور حضرت ولی عصر عليه‌السلام را با عافیت درک نماییم آمین یا رب العالمین -.

راوی خبر می گوید: در خدمت رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله بودم، جوانانی از بنی هاشم وارد شدند، رنگ مبارک آن حضرت دگرگون. پس آن جوانان عرض کردند: یا رسول الله ما همیشه در رخسار شما حالی را می بینیم که آن را خوش نداریم. حضرت فرمودند:

انا اهل بیت اختار الله لنا الاخره علی الدنیا و ان اهل بیتی هؤ لاء یلقون بعدی بلاء و تطریدا و تشریدا حتی یاءتی قوم من هیهنا نحو المشرق اصحاب ریات سود یساءلون الحق فلا یعطونه مرتین او ثلاثا فیقاتلون فینصرون فیعطون ما ساءلوا فلا یقبلونها حتی یدفعوها الی رجل من اهل بیتی فیملاء الارض عدلا کما ملؤ وها ظلما فمن ادرک ذلک منکم فلیائهم ولو حبوا علی الثلج فانه المهدی. [9].

ما اهل بیتی هستیم که خداوند به جای دنیا آخرت را برای ما قرار داده است. به درستی که اهل بیت من (این جمعیت) بعد از من به انواع بلاها مبتلا می شوند (شهادت، اسارت، تبعید، زندان و...) تا اینکه قومی از سمت مشرق بیایند که دارای پرچمهای سیاه هستند. آنان مطالبه حق کنند و به آنها داده نشود. پس جنگ کنند تا دفعه دوم و سوم پیروزی نصیب آنها شود و آنها این موفقیت را به مردی از خاندان من تقدیم می کنند و او جهان را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر شده باشد از ظلم و جور. پس هر کسی از شما آن زمان را درک کرد خودش را به او برساند ولو اینکه از راه خزیدن و سینه خیز روی برف باشد، زیرا او مهدی من است.

خواننده گرامی!

در این روایات خبر داده اند از قیام جناب سید حسنی و یاران او و تسلیم شدنش به امام عصر روحی له الفداء و اینکه در خدمت آن بزرگوار خواهد بود، و البته مرکز قیام خراسان خواهد بود.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] غیبت طوسی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 275.

[2] نوائب الدهور،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 291.

[3] انعام / 65.

[4] مؤمنون / 115.

[5] بحارالانوار، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 262 - 264.

[6] الملاحم و الفتن،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 54.

[7] نوائب الدهور،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 106.

[8] الملاحم و الفتن،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 21.

[9] الملاحم و الفتن،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 52.

# رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمو مواریث انبیاء

در این روایت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از مواریث انبیاء سخن گفته اند. آری، یکی از علائم ظهور حضرت مهدی روحی له الفداء همین است که باید آنچه انبیای گذشته داشته اند و به وسیله آن دشمنان را به زانو در می آوردند و موقیعت خود را تثبیت می کردند، آن حضرت نیز داشته باشند. لذا در این خبر می گوید پیامبر بزرگ اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند:

تخرج الدابه و معها عصا موسی و خاتم سلیمان فتجلو وجه المؤمن بالعصار و تختم انف الکافر. [1].

«دابه» [2] بیرون می آید در حالتی که عصای موسی و انگشتر سلیمان عليهما‌السلام در دست اوست. پس به وسیله عصا صورتهای اهل ایمان روشن می شود و دماغ کفار و دشمنان حق به وسیله خاتم سلیمان مهر می گردد.

این است معنی ولایت مطلقه الهی و این قدرتی است که با آن تمام صفحه آفرینش را مسخّر خود قرار می دهند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] الملاحم والفتن،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 100.

[2] یکی از نامهای حضرت مهدی روحی له الفداء.

# رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمو خراب شدن مسجد براثا

مسجد براثا واقع در غرب بغداد مسجدی است بسیار باعظمت که هفتاد پیامبر در آن نماز خوانده اند. در این روایت، پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله پس از ذکر موقیعت این مسجد، خراب شدن آن را یکی از فتنه های پیش از ظهور بیان فرموده اند. خلاصه روایت از این قرار است که مسجدی را در حیات پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله شبانه خراب کردند. اصحاب ناراحت شدند، آن حضرت فرمودند: لا تنکروا ذلک فان هذا المسجد یعمر ولکن اذا هدم مسجد براثا بطل الحج قیل له و این مسجد براثا هذا قال فی غربی الزوارء من ارض العراق صلی فیه سبعون نبیا و وصیا و آخر من یصلی فیه هذا و اشار بیده الی مولانا علی بن ابی طالب عليه‌السلام . [1]. منکر نشوید این را زیرا که این مسجد آباد می شود، اما اگر مسجد براثا خراب شود (کنایه از اهمیت مسجد است) زیانهایی در بر دارد که از جمله آن تعطیل شدن برنامه حج است. عرض کردند: این مسجد در کجا قرار گرفته است؟ فرمودند: در غرب زوراء (بغداد) از زمین عراق. هفتاد پیامبر در این مسجد نماز خوانده اند و آخر کسی که در آن نماز می خواند علی بن ابی طالب عليه‌السلام است.رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله بعد از خودشان برای امت اسلامی از سه عامل می ترسیدند:

1 - لغزش عالم و دانشمند که قدرت تخریبی آن از صدها بمب اتمی بیشتر است. زیرا لغزش عالم عقاید و افکار مردم را مسموم می کند و آنها را برای ابد از بین می برد، اما اثر بمبهای اتمی فقط مربوط به جسم است.

2 - حکم حاکم ستمگر که بر مبنای خلاف حق صادر می شود.

3 - متابعت از هوی و هوس که همه چیز مردم را به باد فنا می دهد (وضع فعلی مسلمانان در دنیا خود گواه این مطلب است):

قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله : انی اخاف علی امتی من بعدی من اعمال ثلاثه قالوا ما هن یا رسول الله قال: زله العالم و حکم الجائر و هوی متبع. [2].

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: در خصوص امت، پس از خود در سه مورد بیمناک هستم. سؤال شد یا رسول الله آن سه مورد چیست؟ فرمودند: لغزش عالم و حکم ستمگر و هوی و هوسی که متابعت و پیروی شود. ان جبرئیل اتی النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله فقال انالله و اناالیه راجعون فقال النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله وسلم: و انالله و اناالیه راجعون فمم ذلک؟ فقال ان امتک ستفتن بعدک بقلیل زمان من دهرک غیر کثیر فقلت: فتنه کفر او فتنه ضلال؟ فقال: کل سیکون. فقلت: و من این و انما فیهم کتاب الله تعالی؟ فقال: بکتاب الله تعالی یفتنون و ذلک من قبل اءمرائهم و قرائهم یمنع الامراء القراء الحقوق فیظلمون حقوقهم و لایعطونها فیقتتلون و یقتتنون و یتبع القرآن اهواء الامراء فیمدونهم بی الغی ثم لایقصرون فقلت یا جبرئیل فکیف یسلم من یسلم؟ فقال: بالکف والصبر ان اعطوا الذی لهم اخذوه و ان منعوا ترکوه. [3].

جبرئیل شرفیاب محضر مقدس رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله شد و این آیه شریفه را تلاوت کرد( إِنَّا لِلَّـهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ). پس پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله آیه ( إِنَّا لِلَّـهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ). را تلاوت فرمودند و سپس از جبرئیل پرسیدند: خواندن این آیه برای چیست؟ عرض کرد: یا رسول الله! امت شما بعد از رحلتتان مبتلا به یک امتحان سنگین می شوند، آن هم خیلی زود. فرمودند: امتحان کفر است یا گمراهی و گم کردن راه حق؟ عرض کرد: همه اینها خواهد بود. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: این از کجاست، و حال آنکه قرآن در میان امت من است؟ عرض کرد: به وسیله قرآن امتحان می شوند و این برنامه از ناحیه دو دسته پیاده می شود: زمامداران و قراء و دانشمندان آنها. فرمانروایان حقوق قراء را نمی دهند، پس به آنها ظلم می شود و درگیری و جنگ در بین آنها پدید می آید. آنگاه فرمانروایان قرآن را تابع هواهای نفسانی خود قرار می دهند (طبق دلخواه خود تفسیر می کنند) و قراء را به گمراهی می کشانند (ممکن است غرض از قراء علما و دانشمندان هر زمانی باشند). پرسیدم از جبرئیل که راه سلامت ماندن از این خطر کدام است؟ گفت: کف نفس و بردباری در مقابل تضییع حقوق و کناره گیری از مراکز فتنه.

درباره اوضاع و احوال آخرالزمان از رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت شده است که فرمودند: یاءتی علی امتی زمان تکثر فیه الاراء و تتبع فیه الاهواء و یتخذ القرآن مزامیر و یوضع علی الحان الاغانی یقراء بغیر خشی لایاءجرهم الله علی قراءته بل یلعنهم فعند ذلک تهش النفوس الی طیب الالحان فتذهب حلاوه القرآن اولئک لانصیب لهم فی الاخره و یکثر الهراج و المرج و تخلع العرب اعنتها و تکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و یتخذون ضرب القصیب فیما بینهم فلا ینکره منکر بل یتراضون به و هو من احدی الکبائر الخفیه فویل لهم من دیان یوم الدین لاتنالهم شفاعتی فمن رضی بذلک منهم ولم ینههم ندم بذلک یوم القیمه و انا منه بری و عندها تتخذ النساء مجالس و تکون الجموع الکثیره حتی ان المراءه لتتکلم فیها مثل الرجال و یکون جموعهن لهوا و لعبا و فی غیر مرضاه الله و هی من عجائب ذلک الزمان فاذا راءیتموه فباینوهم و احذروهم فی الله فانهم حرب الله و لرسوله و الله منهم بری. [4].

زمانی بر امت من بیاید که مردم دارای آراء مختلف خواهند شد و از هواها و خواهشهای نفسانی پیروی می کنند و قرآن را با آواز و مزامیر و به صورت غنا می خوانند بدون اینکه از خداوند ترسی داشته باشند. خداوند بزرگ در سایه خواندن قرآن به آنها اجری نخواهد داد بلکه آنها را لعن میکند (چون به قرآن عمل نمی کنند). پس، در چنین عصری ترانه ها و ساز و آواز آدمیان را به طرب می آورد آنچنانکه نفسهایشان گویی در طرب می آید و لذت و شیرینی قرآن خواندن از آنها گرفته می شود. این دسته از مردم از ثوابهای اخروی بی بهره اند. در این موقعیت بیگناهان را زیاد می کشند، هرج و مرج بالا می گیرد و اجتماع عرب خودسر می شود (هر کاری که خواستند انجام می دهند و در مقابل دستورهای دین بی تفاوت می شوند)، مردها به مردها اکتفا می کنند (از نظر جنسی) و زنها به زنها قناعت می ورزند در فجور. ساز و آواز در میان آنها رواج می یابد و در مجامع خودشان از آن استفاده می کنند و کسی آنها را نهی نمی کند بلکه تشویق می شوند، با اینکه یکی از گناهان کبیره است که کبیره بودنش بر آنها پوشیده است، پس ای وای بر آنها از جزا دهنده روز رستاخیز. و شفاعت من به آنها نخواهد رسید و کسی که راضی به اعمال بد آنها باشد و آنان را از این عمل نهی نکند نیز در روز قیامت پشیمان شود (البته پشیمانی دیگری سودی نخواهد داشت) و من بیزارم. در چنین جامعه ای زنها برای خود تشکیل مجلس می دهند (کنفراس تشکیل می دهند) و جمعیتهای زیادی به راه می اندازند، به نحوی که زنها در آن اجتماعات برای سرگرمی است و در مسیر غیر رضای خداوند انجام می شود. پس چون این مردم را با این کیفیت دیدید از آنها فاصله بگیرید و اگر می توانید آنها را نهی کنید و از ایشان بترسید برای خدا؛ زیرا این جمعیت در حال جنگ با خدا و رسول او هستند و خداوند و رسولش از آنها بیزارند.

خواننده عزیز!

این روایت را به منزله آیینه ای قرار ده و سیمای جهان را در آن ببین و برای تعجیل در امر فرج امام عصر ارواحنا له الفداء دعا کن اللهم عجل فرجه رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله از سوی خداوند متعال این حدیث را بیان فرموده است:قال الله تبارک و تعالی: اذا هتکوا عبادی حرمتی و استحلوا محارمی و خالفوا امری سلطت علیهم جیشا من المشرق یقال لهم الترک هم فرسانی انتقم بهم ممن عصانی نزعت الرحمه من قلوبهم لایرحمون من بکی لایجیبون من شکی یقتلون الاباء و الامهات و البنین و البنات یهلکون بلاد العجم و یفتحون العراق فیفترق جیش العراق بثلاث فرق فرقه یلحقون باذناب الابل و فرقه یترکون عیالهم وراء ظهورهم و فرقه یقاتلون فیقتلون اولئک هم الشهداء و تغبطهم الملائکه فاذا راءیتم ذلک فاستعدوا القیامه قالوا یا رسول الله اذا ادرکنا ذلک الزمان این تاءمرنا نستکن فقال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله علیکم بالغوطه بالشام الی جانب بلد یقال له دمشق خیر بلاد الشام طوبی لمن کان له فیها مسکن ولو مربط شاه فان الله تعالی تکفل بالشام و اهله. [5].خداوند فرموده است: وقتی که بندگان من هتک احترام مرا کردند (دین خداوند را محترم نشمردند) و حرام مرا حلال شمردند و اوامر مرا ترک گفتند، جمعیتی را بر آنها مسلط می کنم که سواران منند و به وسیله اینها از کسانی که نافرمانی من کنند انتقام می گیرم. رحمت را از دلهای آنها کنده ام. لذا به آنهایی که می گویند رحم نمی کنند، التماس ملتمسان را نادیده می گیرند، پدران و مادران و فرزندان را می کشند، بلاد عجم را ویران می سازند و عراق را فتح می کنند لشکریان عراق سه دسته می شوند: یک دسته به دنبال شتران می روند (ممکن است کنایه از فرار آنها و رو به بیابان نهادن باشد)، دسته دوم خانواده های خود را رها می کنند و می روند، دسته سوم جنگ می کنند، می کشند و کشته می شوند. اینها شهدا هستند و ملائکه آسمان به آنها غبطه می خورند. هرگاه این برنامه ها را در دنیا دیدید آماده قیامت باشید. عرض کردند: یا رسول الله! اگر این زمان را درک کردیم به کجا منزل کنیم؟ فرمودند: بر شما باد که به غوطه در دمشق بروید که بهترین بلاد شام است. خوشا به حال آن کسی که در شام منزل بگیرد ولو به قدر جایگاه یک گوسفند باشد، زیرا خداوند بزرگ تکفل شام و مردم آن را خود قبول فرموده است.

از وصایای رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله در کتاب «مکارم الاخلاق» به ابن مسعود است که در آن آینده دنیا را در آیینه کلمات و سخنان حیاتبخش خود مجسم فرمودند و اکنون خلاصه فرمایشات آن سرور را با خوانندگان عزیز در میان می گذاریم. امید است برای همه ما آموزنده باشد.

یا ابن مسعود الاسلام بداء غریبا کما بداء فطوبی للغرباء فمن ادرک ذلک الزمان ممن یظهر من اعقابکم فلا یسلم علیهم فی نادیهم و لایشیع جائزهم و لایعد مرضا هم فانهم یستسنون بسنتکم و یظهرون بدعواکم و یخالفون افعالکم فیموتون علی غیر ملتکم اولئک لیسوا منی ولست منهم الی ان یقول یا ابن مسعود یاءتی علی الناس زمان الصابر فیه علی دینه مثل القابض بکفه الجمره فان کان فی ذلک الزمان ذئبا والا اکلته الذئاب.یا ابن مسعود علماؤ هم و فقهاؤ هم خونه فجره الا انهم اشرار خلق الله و کذلک اتباعهم و من یاءتیهم و یاءخذ منهم و یحبهم و یجالسهم و یشاورهم اشرار خلق الله یدخلهم نار جهنم صم بکم عمی فهم لایرجعون و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیا و بکما وصما ماءویهم جهنم کلما خبت زدناهم سعیرا کلما نضجت جلودهم بدلنا هم جلودا غیرها لیذوقوا العذاب اذا القوا فیها سمعوا لها شهیقا و هی تفور تکاد تمیز من الغیظ کلما ارادو اءن یخرجوا منها من غم اعیدوا فیها و قیل لهم ذوقوا عذاب الحریق لهم فیها زفیر و هم فیها لا یسمعون.یا ابن مسعود یدعون انهم علی دینی و سنتی و منهاجی و شرایعی انهم منی براء و انا منهم بری. یا ابن مسعود لاتجالسوهم فی الملاء و لا تبایعوهم فی الاءسواق و لا تهدوهم الی الطریق و لا تسقوهم الماء قال الله تعالی «من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها و هم فیها لایبخسون» [6] یقول الله تبارک و تعالی «و من کان یرید حرث الدنیا نؤ ته منها و ماله فی الاخره من نصیب.» [7]...

یا ابن مسعود من تعلم العلم یرید به الدنیا و آثر علیه حب الدنیا و زینتها استوجب سخط الله علیه و کان فی الدرک الاسفل من النار مع الیهود و النصاری

الذین نبذوا کتاب الله تعالی قال الله تعالی فلما جائهم ما عرفوا کفروا به فلعنه الله علی الکافرین.یا ابن مسعود من تعلم القران للدنیا و زینتها حرم الله علیه الجنه یا ابن مسعود من تعلم العلم و لم یعمل بما فیه حشره الله یوم القیمه اعمی و من تعلم العلم ریاء و سمعه یرید به الدنیا نزع الله برکته و ضیق علیه معیشته و وکله الله الی نفسه و من و کله الی نفسه فقد هلک قال الله «فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لایشرک بعباده ربه احدا». [8].

یا ابن مسعود فلیکن جلساوک الابرار و اخوانک الاتقیاء و الزهاد لانه تعالی قال فی کتابه «الا خلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین». [9].

یا ابن مسعود اعلم انهم یرون المعروف منکرا والمنکر معروفا ففی ذلک یطبع الله علی قلوبهم فلا یکون فیهم الشاهد بالحق و لا القوامون بالقسط قال الله تعالی «کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم او الو الدین» [10].

یا ابن مسعود یتفاضلون باءحسابهم و اموالهم یقول الله تعالی: «و ما لاحد عنده من نعمه تجزی الا ابتغاء وجه ربه الاعلی ولسوف یرضی» [11]. [12].

ای پسر مسعود! اسلام در روز اول غریب به این دنیا آمد و بزودی به غربت اول باز می گردد (اشاره به غربت دین مقدس اسلام در ابتدای کار و نیز غربت مجدد در آخرالزمان). ای پسر مسعود! هر کسی از شما که این زمان را درک کرد از اعقاب شما. پس به آنها سلام نکند، در تشییع جنازه آنها شرکت نجوید و از بیماران عیادت نکند. زیرا اینان به ظاهر خود را در همان راهی جلوه می دهند که شما می روید و تظاهر به ادعاهای شما می کنند، اما عملا با شما مخالف هستند. پس وقتی که مرگ اینها فرا رسد به دین و ملت شما از دنیا نمی روند. آنان از من نیستند و من هم از آنان نیستم (سنخیتی با هم نداریم) تا اینکه می فرماید: ای پسر مسعود! زمانی بر مردم بیاید که آن کس که بخواهد در دینداری ثابت بماند و ایمانش را حفظ کند همچون کسی است که می خواهد آتش را در کف دست خود قرار دهد. پس اگر در این زمان (چون) گرگ باشد می تواند زندگی کند، والا گرگهای درنده او را می خورند.

ای پسر مسعود! علما و فقهای آنها خیانتکار و فاجرند. آگاه باشید که اینها بدترین مردم روی زمین هستند و نیز آنهایی که از آنها متابعت می کنند و با آنها رفت و آمد دارند و از آنها علم یاد می گیرند و یا آنان را دوست می دارند و با آنها مجالست و مشورت می کنند، جایگاهشان در جهنم است. اینان کور و کر و لال خواهند بود و در روز قیامت نیز نابینا و کر و لال محشور خواهند شد... [13]. ای پسر مسعود! اینها مدعی دینداری و پیروی از من و ادامه دهنده راه من هستند. اما چنین نیست. اینها در حقیقت از من بیزارند و من هم از آنها بیزارم. ای پسر مسعود! در مجالس با آنها ننشینید، در بازارها با آنها داد و ستد نکنید، آنها را به سوی راه رهنمون نشوید، به آنها آب ندهید، که خداوند متعال درباره آنها فرموده است: «هر کس طالب دنیا و زینت دنیا باشد، پاداش اعمالشان را در دنیا به طور کامل عطا می کنیم، و چیزی از آن در دنیا فروگذاری نمی شود». و خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «هر کس خواهان کشت دنیا باشد از آن برایش می دهیم و در آخرت بهره ای برای او نیست».ای پسر مسعود! کسی که تحصیل علم کند اما برای دنیا و رسیدن به نعمتهای دنیوی، مستحق عذاب خداوند خواهد بود و با یهود و نصاری در پست ترین مقامات جهنم محشور خواهد شد. یهود و نصاری کتاب خداوند را پشت سر انداختند و با اینکه نسبت به اسلام و آورنده آن شناخت پیدا کردند، در عین حال، کفر ورزیدند و در نتیجه از رحمت خداوند محروم ماندند. آری، لعنت خدا بر کافران باد.ای پسر مسعود! هر کس قرآن را برای دنیا و زینت های آن فرا گیرد، خداوند بهشت را به او حرام گرداند.ای پسر مسعود! هر کس علم را بیاموزد و به آنچه در آن است عمل نکند، خداوند او را روز قیامت نابینا محشور سازد. و کسی که به خاطر مردم (ریا) تحصیل علم کند و هدفش این باشد که دنیا را برای خود مرتب کند برکت از زندگی اش برداشته می شود و به تنگی معیشت گرفتار می آید و خداوند او را به خودش وامی گذارد که سرانجامش البته هلاکت است. خداوند در قرآن می فرماید: «کسی که به لقای او (قرب جوار) امیدوار است باید نیکوکار باشد و در پرستش خدا هرگز احدی را با او شریک نگرداند».

ای پسر مسعود! سعی کن همنشینان تو از نیکان باشند و اگر برای خودت برادری انتخاب می کنی از زهاد برگزین (زاهد آن کسی است که گناه نکند و دنیا را بر آخرت مقدم ندارد و نسبت به دنیا بی رغبت باشد)؛ چرا که خداوند در کتابش فرموده است: «در آن روز دوستان همه با یکدیگر دشمن اند مگر پرهیزکاران».

ای پسر مسعود! بدان که این اشخاص معروف را منکر می بینند (واجبات الهی به نظر آنها حرام است) و محرمات را معروف (ارتکاب حرام در نظر آنها مانعی ندارد). پس در این حال، خداوند بر دلهای آنان مهر می زند. آنوقت در میان آنها کسی شهادت به حق نمی دهد و نیز قیام به عدل نمی کند با اینکه خداوند امر فرموده است «نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید ولو اینکه به ضرر خودتان و یا پدران و مادران و بستگان نزدیک شما باشد».

ای پسر مسعود! اینها افتخارشان را به مال می دانند با اینکه خداوند فرموده «برای هیچ کس در نزد او نعمتی نیست که پاداش داده شود، مگر در پی خشنودی پروردگار برترش، و بزودی خشنود گردد».

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] نوائب الدهور،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 131. طبق روایات زیادی مراد از «دابه الارض» حضرت علی عليه‌السلام است (ناشر).

[2] نوائب الدهور،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 146.

[3] نوائب الدهور،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 166.

[4] نوائب الدهور،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 170.

[5] نوائب الدهور،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 168.

[6] هود / 15.

[7] شوری / 20.

[8] کهف / 110.

[9] زخرف / 67.

[10] نساء / 135.

[11] لیل / 20.

[12] الزام الناصب، ج 2،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 150 - 152.

[13] آنگاه آیاتی از قرآن تلاوت فرمودند از سوره «تبارک». طالبان به شرح آیات مراجعه نمایند.

# رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهو روز خلاصی دنیا

از رسول گرامی خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل شده است که فرمود:

اذا کانت الصیحه فی رمضان فانها تکون معمه فی شوال و تمیر القبائل و تتحارب فی ذی القعده و یسلب الحاج و تسفک الدماء فی ذی الحجه و المحرم و ما المحرم؟ هیهات هیهات یقتل الناس هرجا هرجا ثم ینادی مناد من السماء الا ان فلانا ابن فلان هو المهدی قائم آل محمد فاسمعوا له و اطیعوا و ذلک الصوت صوت جبرائیل حین یدعوا للبیعه فی صبیحه یوم الخلاص. [1].

زمانی که صیحه در ماه رمضان شنیده شد پس همهمه و آواز جنگ در شوال بلند می شود و قبایل طعام گردآوری و ذخیره می کنند و ذی القعده با هم نبرد می کنند و در ماه ذی الحجه حجاج بیت الله الحرام قتل و غارت می شوند و خونها ریخته می شود. و محرم، چه محرمی؟ هرگز نمی توانی درک کنی! نه هرگز! مردم، دسته دسته در این فتنه و آن فتنه کشته می شوند (در هرج و مرج)؛ آنگاه منادی از آسمان ندا می کند که فلانی پسر فلانی، مهدی و قائم آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله است، به فرمان او گوش فرا دهید و اطاعت کنید. آن صدا صدای جبرئیل است که در بامداد روز رهایی، مردم را به بیعت فرا می خواند.

از حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله منقول است که می فرمایند:

لا تقوم الساعه حتی یقوم القائم منا و ذلک حین یاءذن الله عزوجل له و من تبعه نجا و من تخلف عنه هلک الله الله عبادالله فاءنوه ولو حبوا علی الثلج فاءنه خلیفه الله عزوجل و خلیفتی. [2].

روز رستاخیز برپا نمی شود تا اینکه قائم ما قیام کند و این قیام در وقتی است که خداوند فرمان ظهورش را امضاء فرماید. هر کس که آن روز از قائم ما متابعت کند نجات می یابد و کسی که سرپیچی نماید دچار هلاکت دو جهان خواهد شد. ای بندگان خدا! از خدا بترسید و به سوی قائم ما بشتابید اگرچه مجبور باشید روی برفها به نحو سینه خیز خود را بکشید، زیرا او جانشین خداوند و خلیفه من است (در روی زمین).

رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به فرزند عزیزش حضرت امام حسین عليه‌السلام می فرماید: ثم یظهر اءمیر الامره و قاتل الکفره السلطان الماءمول الذی تتحیر فی غیبته العقول و هو التاسع من ولدک یا حسین یظهر بین الرکنین یظهر علی الثقلین و لایترک فی الارض الا دنین طوبی للمؤمنین الذین ادرکوا زمانه و لحقوا اوانه و شهدوا ایامه و لا قوا اقوامه. [3].

(ای حسین!) امیر همه امیران عالم، کشنده کافران و ستمگران جهان و شهریار منتظری که در غیبتش عقلها مات و حیران شده اند، نهمین فرزند از فرزندان شماست. ای حسین! او بین رکن و مقام ظاهر می شود و بنیان و اساس گمراهی و پستی را از ریشه می کند و چه سعادتمند افرادی که عصر پرشکوه حکومت او را درک و در دولت حقه اش زندگی می کنند و آن روزگار میمون و مبارک را می بینند و اصحاب باوفای آن سرور را ملاقات می کنند.

واقعا خوشا به حال مردم آن زمان. از خداوند بخواهیم لیاقت درک آن زمان را به همه ما عنایت بفرماید.

# رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله درباره نشانه های قیام

حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء می فرماید:

یستخرج الزبور من بحیره طبریه فیها مما ترک آل موسی و هارون تحمله الملائکه و فیها الا لواح و عصا موسی عليهما‌السلام ... یستخرج الکنوز یفتح مدائن الشرک. [4].

(حضرت مهدی عليه‌السلام ) زبور را از دریاچه طبریه (که گویا در شمال فلسطین است) بیرون می آورد که از خاندان موسی و هارون چیزهایی به عنوان ماترک این دو خاندان با آن هست و ملائکه آن را به دوش می گیرند (یا به هر وسیله ای آنها را می برند) و نیز الواحی که بر حضرت موسی نازل شده و عصای آن حضرت در این اشیاء هست... گنجها را از دل زمین بیرون می آورد و شهرهای شرک را فتح می کند.

درباره لشکر سفیانی که به عزم نبرد با حضرت مهدی عليه‌السلام به طرف مکه معظمه حرکت می کند از رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله چنین نقل می کنند:

یبعث الله جبرائیل فیقون یا جبرائیل اذهب فاءبدهم فیضربها برجله ضربه یخسف الله بهم عندها و لایفلت منهم الا رجلان من جهینه. [5].

خداوند جبرئیل را می فرستد و به او می فرماید: برو نابودشان کن. پس، با پای خود به زمین می کوبد و خداوند همه آنان را در کام زمین فرو می برد و جز دو نفر از اهل جهینه کسی از آنها زنده نمی ماند. مفضل بن عمر از امام صادق عليه‌السلام در ضمن حدیث طویلی چنین نقل می کند:

ثم یقبل علی القائم رجل وجهه الی قفاه الی صدره و یقف بین یدیه و یقول یا سیدی انا بشیر امرنی ملک من الملائکه ان الحق بک فابشرک بهلاک جیش السفیانی بالبیداء فیقول القائم بین قصتک و قصه اخیک فیقول الرجل کنت و اخی فی جیش السفیانی و خربنا الدنیا من دمشق الی الزوراء و ترکناها جماء و خربنا الکوفه و خربنا المدینه و کسرنا المنبر فی حضره الرسول و رانت بغالنا فی مسجده و خرجنا منها و عددنا ثلاثمائه الف رجل نرید اخراب البیت و قتل اهله فلما صرنا فی البیداء عرسنا فیها فصاح بنا صائح یا بیداء ابیدی القوم الظالمین فانفجرت الارض و ابتلعت کل الجیش فوالله ما بقی علی وجه الارض عقال ناقه فما سواه غیری و غیر اخی فاذا نحن بملک قد ضرب وجوهنا فصارت الی ورائنا کما تری فقال لاخی و یلک یا نذیر امض الی الملعون السفیانی بدمشق فانذره بظهور المهدی من آل محمد و عرفه ان الله قد اهلک جیشه بالبیداء و قال لی یا بشیر الحق بالمهدی بمکه و بشره بهلاک الظالمین و تب علی یده فانه یقبل تو بتک فیمر القائم یده علی وجهه فیرده سویا کما کان و یبایعه و یکون معه. [6].

آنگاه در این موقع که حضرت قائم ارواحنا له الفداء در مسجدالحرام و در کنار کعبه تشریف فرما هستند، مردی که صورتش به عقب برگشته است وارد می شود و در حضور حضرتش می ایستد و عرض می کند: من بشیر هستم و یکی از ملائکه به من امر فرموده است که خدمت شما شرفیاب شوم و به هلاکت لشکریان سفیانی شما را بشارت بدهم. آری، همه آنها در سرزمین بیداء در زمین فرو رفتند. امام قائم عليه‌السلام فرمودند: جریان خودت و برادرت را بیان کن. عرض کرد: من و برادرم در لشکر سفیانی بودیم که شهرها را از دمشق تا زوراء (بغداد) ویران کردیم و نیز شهر کوفه را. آنگاه به مدینه آمدیم و این شهر را نیز در هم کوبیدیم و منبر مسجد نبوی را خرد کردیم و مرکبهای سواری خود را در روضه نبوی بستیم و مرکبهای سواری ما آنجا را آلوده کردند. سپس از مدینه با سپاهی مجهز که بیش از سیصد هزار نفر جمعیت بود به قصد خراب کردن خانه خدا یعنی کعبه حرکت کردیم و نیز کشتار مردم مکه در برنامه کار ما بود. چون به سرزمین بیداء رسیدیم لختی در آنجا توقف کردیم. ناگاه صدایی بلند شد که گفت: «ای سرزمین بیداء! ستمگران را در کام خویش فرو بر و آنها را هلاک کن». در این حال، زمین شکافته شد و تمام جمعیت را در کام خویش فرو برد. به خدا سوگند جز من و برادرم کس دیگری نماند. نه تنها همه افراد بشر نابود شدند بلکه افسار مرکبی هم نماند. در این موقع فرشته ای نمایان شد و به صورت من و برادرم آنچنان کوبید که صورت ما این گونه که ملاحظه می فرمایید به عقب برگشت و به برادرم دستور داد و فرمود: ای نذیر! برو و خبر هلاکت و نیز ظهور مهدی آل محمد صلوات الله علیهم را به سفیانی که در دمشق است، برسان و به او بگو خداوند در سرزمین بیداء تمام سپاهیانت را نابود کرد و آنان در دل زمین فرو رفتند. و نیز به من فرمود:ای بشیر! برو به مکه معظمه و خودت را به حضور مهدی عليه‌السلام برسان و عرض کن بشارت باد شما را که خداوند لشکر سفیانی را از بین برد (در سرزمین بیداء به زمین فرو رفتند) و در خدمت آن حضرت توبه کن که او توبه ات را می پذیرد. آنگاه حضرت قائم عليه‌السلام دست مبارکش را به صورت او می کشد و به حالت اول برمی گردد. وی با آن حضرت بیعت می کند و همراه ایشان خواهد بود.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] روزگار رهایی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 450.

[2] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 451.

[3] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 452.

[4] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 453 و 454.

[5] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 467.

[6] بحار، ج 53،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 10.

# رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله و گنجهای طالقان

رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله در تعریف از یاران مخصوص حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء در منطقه طالقان چنین می فرمایند:

و له بالطالقان کنوز لاذهب و لافضه الا خیول مطهمه و رجال مسومه یجتمع الله عزوجل له من اقاصی البلاد علی عدد اهل بدر ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا. [1]. برای او (مهدی من) در طالقان گنجهایی است که از طلا و نقره نیست بلکه عبارت است از اسبهای زیبا و تکاوران و مردانی باتجربه و کاردان که خداوند از این نوع مردان سیصد و سیزده تن به تعداد اهل بدر از اطراف و اکناف جهان به دور او جمع می کند.وجود مقدس رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله در این روایت به برنامه های حضرت عیسی عليه‌السلام در حکومت حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء اشاره فرموده اند:

یکون عیسی بن مریم فی امتی حکما مقسطا یرفع الشحناء و التباعض و یفیض المال حتی لایقبله احد و تنزع حمه کل دابه و تکون الارض کفاتور الفضه. [2].

1 - حکم می کند بین مردم بر اساس عدل و داد.

2 - کینه و عداوت را از میان جامعه برمی دارد.

3 - چندان بذل مال و ثروت می کند که دیگر کسی به سراغ مال نمی آید (همه بی نیاز می شوند).

4 - دشمنی و ستیزه جویی از تمام موجودات گرفته می شود.

5 - امنیت و آسایش بقدری زیاد می شود که صفحه گیتی مانند یک صفحه ساخته شده از نقره نرم می شود.

رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله درباره قیام فرزندش و کیفیت آن چنین می فرمایند:

یخرج المهدی و علی راءسه غمامه فیها مناد ینادی هذا المهدی خلیفه الله فاتبعوه. [3].

مهدی عليه‌السلام ظاهر می شود در حالی که قطعه ابری بر سر آن حضرت قرار گرفته است. در آن حال، منادی فریاد می زند: ای جهانیان! این است مهدی آل محمد و جانشین خداوند در روی زمین. از او متابعت کنید.

جابر بن عبدالله انصاری از حضرت خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله در ارتباط با حوادث و مصائب آخرالزمان و قبل از ظهور چنین بیان می کند: رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

منا مهدی هذه الامه اذا صارت الدنیا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغاز بعضهم علی بعض فلا کبیر یرحم صغیرا ولا صغیر یوقر کبیرا فیبعث الله عند ذلک مهدینا التاسع من صلب الحسین یفتح حصون الضلاله و قلوبا غفلا یقوم فی الدین فی آخر الزمان کما قمت به فی اول الزمان و یملاء الارض عدلا کما ملئت جورا. [4].

مهدی این امت از ما خاندان رسالت است (گویی حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله به وجود مقدس حضرت مهدی ارواحنا له الفداء که از فرزندان آن حضرت است افتخار می کند). وقتی که دنیا پر از هرج و مرج شد و فتنه ها در میان مردم نمایان گشت و امنیت از راهها گرفته شد و بعضی از این مردم به بعضی دیگر هجوم آوردند و بزرگان قوم به زیردستان رحم نکردند و افراد کم سن و سال به بزرگان و کهنسالان احترام نگذاشتند، در چنین ایامی، خداوند مهدی ما را که نهمین فرزند پسر امام حسین عليه‌السلام است مأمور می کند دژهای گمراهی را درهم بکوبد و قلبهای غافل (وامانده از خیر و آکنده از شر) را تسخیر کند و دین مقدس اسلام را در آخرالزمان برپا دارد، چنانکه من در اول زمان آن را برپا داشتم. بعلاوه، فرزندم مهدی جهان را پر از عدل و داد می کند آنگاه که پر از جور شده باشد.

در حدیث لوح حضرت زهرای مرضیه عليها‌السلامپس از بیان ویژگیهای ائمه معصومین عليهم‌السلامنوبت به حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء می رسد. خداوند می فرماید:

ثم اکمل ذلک بالبنه رحمه للعالمین علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب سیذل اولیائی فی زمانه و تتهادی رؤ وسهم کما تتهادی رؤ وس الترک والدیلم فیقتلون و یحرقون و یکونون خائفین مرعو بین و جلین تصبغ الارض بدمائهم و یفشو الویل و الرنه فی نسائهم هؤ لاء اولیائی حقا بهم ادفع کل بلیه و فتنه عمیاء و بهم اکشف الزلازل و ادفع الاصار و الاغلال اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمه و اولئک هم المتهدون. [5].

بعد از امام حسن عسکری عليهم‌السلامدین خود را به وسیله فرزندش که رحمت واسعه برای جهانیان است کامل می گردانم. خصوصیات او به این شرح است:

کمالات حضرت موسی بن عمران در اوست، بهای حضرت عیسی دارد و صبر و بردباری حضرت ایوب در وجود مقدسش جمع شده است. [6] (دیگر از نشانه های غیبت حضرتش این است:) اولیاء و بندگان صالح من به خاطر فشار ستمگران در زمان غیبت او در ذلت بسر می برند و سرهای بریده آنها را به عنوان تحفه برای یکدیگر می فرستند، چناچه سرهای ترک و دیلم را پیشکش یکدیگر می کردند. بندگان و اولیای مرا می کشند و می سوزانند و مرعوب دشمنان باشند و زمین از خون آنها رنگین شود و ناله و شیون زنهای آنها بلند باشد (در مصیبت عزیزانشان). اینها در حقیقت دوستان منند و به وسیله آنها انواع بلاها و فتنه های کور و تاریک را از مردم دفع می کنم و زلزله ها را به برکت وجود آنها بر می دارم. بر اینها باد درودها و رحمت پروردگارشان و آنها هستند هدایت یافتگان.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] روزگار رهایی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 429.

[2] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 554.

[3] الامام المهدی (عج) من المهد الی الظهور،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 365.

[4] بحارالانوار، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 266.

[5] اختصاص مفید،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 207.

[6] با این تفاوت که جناب ایوب تقریبا هفت سال در مصائب و بلاها صبر کرد، اما حضرت مهدی ارواحنا له الفداء بیش از یکهزار و صد و چهل و چند سال در مقابل همه مصائب و سختیها و هجوم دشمنان و تبلیغات مسموم منافقان و معاندان صبر کرده اند تا زمانی که خداوند فرمان ظهورشان را امضاء فرماید.

# در جواب صعصعه بن صوحان

امام امیرالمؤمنین عليه‌السلام در جواب صعصعه بن صوحان که از یاران آن حضرت بود در باب دجال و خروجش، به نشانه هایی از ظهور آقا حضرت بقیه الله فی الارضین ارواحنا له الفداء بیاناتی فرمودند که اجمالا به عرض خوانندگان عزیز می رسد. ابتدا امام عليه‌السلام اشاره فرمودند که همه علوم از آن خداوند بزرگ است (والله ما المسؤل عنه با علم من السائل)، والا یکی از مسلمات مذهب شیعه این است که دانش امام معصوم و برگزیده از طرف خداوند عالم، نامحدود است؛ یعنی از گذشته و آینده و حال اطلاع دارد، آن هم با قرینه «سلونی قبل ان تققدونی» (بپرسید از من پیش از آنکه دیگر مرا نیابید)، والا لازمه اش یا تناقض یا تهافت در کلام امام است. از یک سو می فرماید هرچه می خواهید تا من میان شما هستم از من بپرسید و از سوی دیگر می فرماید در ندانستن، من هم مثل شما هستم. ممکن است نظر آقا امیرالمؤمنین این باشد که مردم در پیشگاه خداوند همه مساوی هستند. بنابراین علم ما هم از جانب خداوند است که اگر نمی داد من هم مثل شما بودم. اجمالا به اصل مطلب توجه فرمایید.

عن النزال بن سبره: قال خطبنا علی بن ابیطالب عليه‌السلام : فحمدالله و اثنی علیه ثم قال سلونی ایها الناس قبل ان تفقدونی - ثلاثا - فقام الیه صعصعه بن صوحان فقال: یا امیرالمؤمنین متی یخرج الدجال؟ فقال له عليه‌السلام : اقعد فقد سمع الله کلامک و علم ما اردت و الله ما المسؤ ل عنه باعلم من السائل ولکن لذلک علامات و هیئات یتبع بعضها بعضا کحذو النعل بالنعل و ان شئت اءنباتک بها قال: نعم یا امیرالمؤمنین فقال عليه‌السلام : احفظ فان علامه ذلک اذا اءمات الناس الصلاه، و اضاعوا الامانه، و استحلوا الکذب، و اکلوا الربا، و اخذوا الرشا، و شیدوا البنیان، و باعوا الدین بالدنیا، و استعملوا السفهاء، و شاوروا النساء، و قطعوا الارحام، و اتبعوا الاهواء و استخفوا بالدماء، و کان الحلم ضعفا و الظلم فخرا، و کانت الامراء فجره، و الوزراء ظلمه، و العرفاء خونه، والقراء فسقه، و ظهرت شهادت الزور، و استعلن الفجور، و قول البهتان، والاثم و الطغیان، و حلیت المصاحف، و زخرفت المساجد، و طولت المنار، و اءکرم الاشرار، و ازدحمت الصفوف، و اختلفت الاهواء، و نقضت العهود و اقترب الموعود، و شارک النساء ازواجهن فی التجاره حرصا علی الدنیا، و علت اصوات الفساق و استمع منهم، و کان زعیم القوم ارذلهم، واتقی الفاجر مخافه شره، و صدق الکاذب، و اوتمن الخائن، و اتخذت القیان و المعارف، ولعن آخر هذه الامه اولها، و رکب ذوات الفروج السروج، و تشبه النساء بالرجال و الرجال بالنساء، و شهد شاهد من غیر ان یستشهد و شهد الاخر، قضاء لذمام بغیر حق عرفه و تفقه لغیر الدین و آثروا عمل الدنیا علی الاخره و لبسوا جلود الضان علی قلوب الذئاب و قلوبهم انتن من الجیف. [1].

نزال بن سبره نقل می کند که (حضرت امیرالمؤمنین) علی بن ابی طالب عليه‌السلام خطبه می خواندند. پس از حمد و ثنای الهی سه بار فرمودند: «سلونی قبل ان تفقدونی». پس، صعصعه بن صوحان برخاست و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! دجال کی خروج می کند؟ فرمودند: خداوند سخنت را شنید و از آنچه اراده کرده ای آگاه است. و قسم به خدا که سؤال شونده داناتر از سؤال کننده نیست (مگر آنچه را که خداوند تفضل فرموده است.) برای خروج دجال علائم و نشانه هایی است که یکی از بعد دیگری واقع می شود، البته پی درپی و طابق النعل بالنعال و اگر بخواهی برای تو بیان می کنم. صعصعه عرض کرد: بفرمایید، یا امیرالمؤمنین!

امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمودند: مطالبی که می گویم به خاطر بسپار و بدان که علائم خروج دجال به شرح زیر است:

1 - مردم نماز را ترک می کنند و در میان مردم می میرد (کنایه از اعراض مردم و بی تفاوت بودن در مقابل این دستور حیاتی است).

2 - امانتها را ضایع می کنند (دیدیم که چطور قرآن و خاندان رسالت را که امانت بزرگ الهی بودند به دست فراموشی سپردند و جامعه اسلامی را به تباهی کشاندند).

3 -0 دروغ گفتن را حلال می شمارند (تحت عنوان سیاست اجتماعی و غیره).

4 - ربا خوردن یکی از کارهای معمولی جامعه می شود.

5 - رشوه خواری در میان مردم رواج پیدا می کند.

6 - ساختمانها را محکم می سازند (از بتون و آهن و سنگ ساخته می شود).

7 - دین را به دنیا می فروشند (یعنی برای دست یافتن به دنیا و نعمتهای زودگذر آن از ارتکاب هیچ گناهی باک ندارند).

8 - نابخردان و مردم کم عقل را بر کارها می گمارند.

9 - زنان را در کارهای اجتماعی و شخصی طرف مشورت قرار می دهند.

10 - قطع صله ارحام می کنند و از خویشاوندان فاصله می گیرند (مخصوصا خانواده های فقیر و بی بضاعت).

11 - در کارهای زندگی از هوی و هوس پیروی می کنند

(با منطق «دلم می خواهد» خود را قانع می کنند).

12 - در کشتار و خونریزی بی باک هستند (که امروزه شاهد آن هستیم).

13 - بردباری و حلم را به حساب ضعف و ناتوانی می گذارند.

14 - ظلم و بیدادگری را مایه مباهات و فخر قرار می دهند.

15 - زمامداران در آن زمان از فاسقان و فاجران (گناهکاران)اند (و مردم با وجود دیدن فسق آنها ساکت هستند بلکه یاریشان می کنند).

16 - وزیران دولتها ستمگران جامعه هستند (که با تکیه به مقام وزارت از هر ظلمی باک نخواهند داشت).

17 - عارفان و مدعیان مقام تهذیب نفس و تقوا خیانت کارانند (به عقاید و افکار مردم خیانت می کنند).

18 - قاریان قرآن از افراد فاسق اند.

19 - شهادت دادن بر اساس زور به وجود می آید (یعنی از قدرتهای فردی و اجتماعی سوء استفاده می شود و مردم را وادار می کنند که به نفع آنها شهادت های دروغین بدهند).

20 - گناهان علنی شده، حیا و شرم از میان برداشته می شود (مانند تشکیل مجالس علنی از زن و مرد و پهن کردن بساط میگساری و اعمال زشت جنسی، رقصهای دسته جمعی از زن و مرد و برپا داشتن مجالس قمار و...).

21 - بهتان و برخلاف واقع گویی نسبت به مردم رایج می شود.

22 - سرکشی و طغیان و بدرفتاری علنی می شود.

23 - قرآنها را با چاپهای زرین و جلدهای زرکوب در اختیار مردم قرار می دهند (در صورتی که از عمل کردن به احکام و قوانین قرآن در میان آن مردم خبری نیست بلکه درست بر خلاف آنچه می فرماید عمل می کنند).

24 - مساجد را از لحاظ ساختمان مزین می سازند (در صورتی که از محتوای آن یعنی تقوا خبری نیست).

25 - مناره های مساجد را بسیار مرتفع می سازند (که از راه دور توجه بینندگان را جلب می کند) اما از دورن یعنی تقوا خالی است.

26 - اشرار و مردم دور از خدا و معنویت در جامعه محترم هستند.

27 - مردم در راه باطل و تقویت و پشتیبانی از اشرار صفوف فشرده خواهند داشت.

28 - در کارهای فردی و اجتماعی هواهای نفسانی مختلف است و هر دسته یک راه برای خودش انتخاب می کند.

29 - پیمان شکنی رایج می شود و وعده الهی نزدیک می گردد.

30 - زنان با مردانشان به جهت حرص به دنیا در کار تجارت شرکت می کنند.

31 - صدای فساق برخیزد و به آنها گوش فرا داده شود (مورد توجه و مقبول دیگران باشند).

32 - زعیم و حاکم بر آن مردم رذل ترین افراد جامعه است (فاقد تمام صفتهای خوب).

33 - مردم از بدکاران و فاسقان می ترسند (از شر آنها در امان نیستند).

34 - دروغگویان از طرف مردم به عنوان راستگو تأیید می شوند (مانند دروغهای سیاستمداران که پیوسته در مجامع مورد تأیید مردم قرار می گیرد).

35 - خیانتکاران به عنوان امین مردم و پرچمدار امانت معرفی می شوند (نظیر انتخاباتی که در سرتاسر جهان صورت می گیرد، مانند انتخاب ریئس جمهورها، نخست وزیرها، یا نمایندگان مجلس که به عنوان امین اجتماع انتخاب می شوند، در صورتی که از اول اکثرا کار این دسته خیانت به امانتهای مردم بوده است).

36 - هنر پیشه های آوازه خوان تربیت می شوند.

37 - مردم گذشتگان را لعنت می کنند.

38 - زنها سوار بر زینها می شوند (اسب سواری، رانندگی و امثال اینها).

39 - مردان از نظر لباس و قیافه شباهت به زنها پیدا می کنند و نیز زنان شبیه به مردها می شوند (بطوریکه انسان گاه دچار تردید می شود که این زن است یا مرد - بکرات اتفاق افتاده است -.)

40 - بی آنکه از افراد شهادت بخواهند برای خوشایند اهل دنیا خود را به عنوان شاهد معرفی می کنند.

41 - احکام و علوم دین را برای دنیا می آموزند و اعمال دنیوی را بر کارهای مربوط به آخرت ترجیح می دهند. بر دلهای گرگ صفتشان جامه میش می پوشند، قلبهای آنها آکنده از کثافت است بطوریکه از هر مرداری گندیده تر است.عمر بن الخطاب از حضرت امیرالمؤمنین سلام اللّه علیه سؤال می کند:

اخبرنی عن المهدی ما اسمه فقال اما اسمه فان حبیبی عهد الی ان لا احدث باسمه حتی یبعثه الله. قال اخبرنی عن صفته فقال هو شاب مربوع حسن الوجه حسن الشعر یسیل شعره علی منکبیه و نور وجهه یعلو سواد لحیته وراءسه، بابی ابن خیره الاماء. [2].

نام حضرت مهدی چیست؟ امام فرمودند: اما اسمش را نمی گویم، زیرا حبیبم رسول خدا از من عهد گرفته است که تا ظهورش نامش را نگویم. عرض کرد: اوصافش را برای من بیان کن. آقا فرمودند: او جوانی است متوسط القامه، خوشرو و خوش موی که موهایش بر شانه اش ریخته است و نور صورتش بر سیاهی محاسن و سر مبارک آن حضرت احاطه نموده است. پدرم به قربان فرزند با شخصیت ترین کنیزان باد. [3].

اصبغ بن نباته می گوید: از حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام شنیدم که می فرمودند: ان بین یدی القائم سنین خداعه یکذب فیها الصادق و یصدق فیها الکاذب و یقرب فیها الماحل و ینطق فیها الرویبضه قلت

و ما الرویبضه و ما الماحل؟ قال: او ما تقرؤ ون القرآن قوله «و هو شدید المحال» قال: یرید المکر فقلت و ما الماحل؟ قال: یرید المکار. [4].

قبل از قیام قائم سالهای پر از خدعه ای است. در این سالها (پیش از قیام) راستگویان به نام دروغگو معرفی می شوند و دروغگویان به عنوان راستگو. در این سالها «ماحل»تقرب پیدا می کند و «رویبضه» سخن می گوید. اصبغ می گوید: عرض کردم «ماحل»و «رویبضه» چیست؟ فرمودند: مگر قرآن را نخوانده ای که می فرماید:«و هو شدید المحال»؟ قال یرید المکر فرمودند: منظور از «ماحل» آدم مکاری است که به وسیله مکر زیاد مردم را به خود متوجه می کند

و اما معنی «رویبضه». اگر چه در این حدیث پاسخ معنای آن افتاده ولی در جای دیگر از رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل شده است که «الرویبضه الرجل التافه ینطق فی امر العامه» یعنی مرد حقیر و بی شخصیتی که در امر عامه مردم دخالت می کند و سخن می گوید.

عبید بن کرب می گوید:

سمعت علیا یقول ان لنا اهل البیت رایه من تقدمها مرق تاءخر عنها محق و من تبعها لحق. [5].

از امام امیرالمؤمنین عليه‌السلام شنیدم که فرمودند: از برای ما اهل بیت پرچمی هست. هر کسی که جلو بیفتد و یا عقب بماند نابود است، اما هر کسی که همراه این پرچم گام بردارد و از آن متابعت کند، نجات می یابد و با ما خواهد بود.

خواننده عزیز!

جلو افتادن یا عقب ماندن از این پرچم معنایش این است که ایمان به ولایت ما نداشته باشد و معنی متابعت این است که دستورها و اوامر ما را اطاعت کند درباره ندای آسمانی در روزهای اول ظهور در این حدیث از حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

اذا نادی مناد من السماء ان الحق فی آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله فعند ذلک یظهر المهدی علی افواه الناس و یسرون فلا یکون لهم ذکر غیره. [6].

هرگاه منادی از آسمان فریاد زند که حق با آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله است در این موقع مهدی ما ظاهر می شود و مردم او را می بینند و می شناسند و خوشحال و مسرورند و دیگر نام غیر از حضرت بقیه الله را نمی برند.

ابی مروان از حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام درباره حوادث پیش از قیام حضرت مهدی روحی له الفداء روایت می کند که فرمودند: اذا راءیتم الریات السود فالزموا الارض و لاتحرکوا ایدیکم و لا ارجلکم ثم یظهر قوم صغار لایوبه لهم قلوبهم کزبر الحدید اصحاب الدوله لایفون بعهد و لا میثاق یدعوا الی الحق ولیسوا من اهله اسمائهم الکنی و نسبهم الغری شعورهم مرقاه کشعور النساء حتی یختلفوا فیما بینهم ثم یؤ تی الله الحق من یشاء. [7].

1 - پرچمهایی پیدا می شوند و رنگ آنها سیاه است. در این موقع در خانه های خود بنشینید و هیچ حرکت نکنید.

2 - سپس مردمی کوچک (یا از نظر سن یعنی جوان یا از لحاظ شخصیت تهیدست) پدید می آیند که به آنها اعتنا نمی شود. آنان دارای قلبهایی همچون پاره های آهن اند. این افراد دولت مردانی هستند با چنین ویژگیهایی:

الف:به عهد و میثاق خود وفا نمی کنند (پای بند وفای به عهد نیستند).

ب:مردم را به سوی حق می خوانند اما خود از حق پیروی نمی کنند و از لحاظ واقع اهل حق نیستند.

آنها به جای اسم از کنیه خود استفاده می کنند و نسبشان پوشیده و نامعلوم و موهای آنها دراز و افتاده مانند موی زنان است. سپس در میانشان ایجاد اختلاف می شود. آنوقت خداوند به هر کسی که بخواهد حق را واگذار می کند.

خواننده عزیز!

در آیات زیادی از قرآن مجید خداوند وعده فرموده است که باید به وسیله قیام حضرت بقیه الله روحی له الفداء حق را به آل محمد برساند و حکومت حقه آنان سراسر جهان را فرا بگیرد.

حضرت علی عليه‌السلام در خطبه ای معروف به «خطبه البیان» آنگاه که خود را معرفی می فرماید، می رسد به این قسمت که «اءنا اءبو الاءئمه اءلاطهار اءنا ابوالمهدی عليه‌السلام القائم فی آخرالزمان» یعنی: منم پدر امامان پاک، منم پدر مهدی عليه‌السلام که در آخرالزمان قیام می کند.

در این حال مالک اشتر که پایین منبر مولا بود به پا خاسته، از حضرت می پرسد که این قیام کننده از فرزندان شما کی قیام می فرماید؟ حضرت چنین فرمود: [8].

اذا زهق الزاهق «1» و خفت الحقایق «2» و لحق اللاحق «3» و ثقلت الظهور «4» و تقاربت الامور «5» و حجب النشور «6» و اءرغم المالک «7» و سلک السالک «8» و دهش العدد «9» و هاجت الوساوس «10» و غیطل العساعس (الفسارس) «11»و ماجت الامواج «12» و ضعف الحاج «13» و اشتد الغرام «14» و ازدلف الحضام «15» و اختلفت العرب «16» و اشتد الطلب «17» و نکص الهرب «18» و طلبت الدیون

«19» و ذرفت العیون «20» و اءغبن المغبون «21» و شاط النشاط«22» و حاط الهباط «23» و عجز المطاع «24» و اءظلم الشعاع «25» و صمت الاسماع «26» و ذهب العفاف «27» و سجسج الانصاف «28» واستحوذ الشیطان «29» و عظم العصیان «30» و حکمت النسوان «31» و فدحت الحوادث «32» و نفثت النوافت «33» و اختلفت الاهواء «34» و عظمت البلوی «35» و اشتدت الشکوی «36» و استمرت الدعوی «37» و قرض القارض «38» و لمض اللامض «39»و تلاحم الشداد «40» و نقل الملحاد «41» و عجت الفلاه «42» و خجعج الولاه «43»و نضل البارخ «44» و عمل الناسخ «45»و زلزلت الارض «46» و عطل الفرض «47» و کبتت الامانه «48» و بدت الخیانه «49» و خشیت الصیانه «50» و اشتد الغیض «51» و اءراع الفیض «52» و قاموا الادعیاء «53» و قعدوا الاولیاء «54» و خبثت الاغنیاء «55» و نالوا الاشقیاء «56» و مالت الجبال «57» و اءشکل الاشکال «58» و شیع الکربال «59» و منع الکمال «60»

... فیکدحون الجرائر - و یملکون الجزائر - و یحدثون کیسان - و یخربون خراسان - و یصرفون الحلسان - و یهدمون الحصون - و یظهرون المصون - و یقتطفون الغصون - و یفتحون العراق - و یحجمون الشقاق بدم یراق - فعند ذلک ترقبوا خروج صاحب الزمان عليه‌السلام . [9].

1 - هنگامی که نابود شونده نابود شود.

2 - و حقایق مخفی شود (حقایقی که سیاستمداران و زمامداران آن را با زبان دیپلماسی و غیره کتمان می کنند)، یا حقایق سبک شمرده شود (در صورتی که جمله مزبور از «خف» باشد نه از «خفی»).

3 - و ملحق شونده ملحق شود (وقتی که حکومت به سمتی رفت مردمان نیز به آن ملحق شوند، چون «الناس علی دین ملوکهم»).

4 - و پشتها سنگین شود (از مشکلات، از گناهان و...)

5 - و کارها و اشیاء نزدیک به هم شوند (مکانها نزدیک به هم شوند و دنیا یک خانواده شود یا اینکه همه جا مثل هم است و نیرنگ و دروغ همگانی است).

6- و از انتشار جلوگیری به عمل آید (از انتشار حق جلوگیری شود، یا از انتشار در زمین منع گردد و محدوده های قانونی و مرزها مطرح شود).

7 - و دماغ مالک به خاک مالیده شود (دنگ و فنگهایی که برای مالک مثل گرفتن زمین و مالیات و... مطرح می شود).

8 - و بپیماید پیماینده.

9 - و به شگفتی وادارد عدد از کثرت و زیادتی (یا مبهوت و شگفت زده شود عدد).

10 - و وسوسه ها به هیجان در آید (مثل شکوک اعتقادی و غیره مثل اینکه این کار چون به مصلحت من است، پس چرا انجام ندهم؟).

11 - و گرگها به صدا (زوزه) در آیند (مراد، مردمان گرگ صفت است).

12 - و امواج به خروش در آیند (شاید اشاره به امواج گناه و مادی گرایی باشد که به خروش آمده و هر گروهی را به سمتی کشانده و افراد زیادی را روانه دیار نیستی و هلاکت می کند. لذا باید در این میان سوار کشتی حق شد که سبب نجات انسان است و در اخبار آمده که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هر کس سوارش شود نجات یافته و هر کس از آن تخلف کند نابود شده است).

13- و حج گزارنده ضعیف شود (رفتن به حج ممنوع شود یا مشکلات زیادی سر راهش قرار گیرد و یا نفقه و مخارج حج بالا رود که حاجی در مقابلش ناتوان گردد).

14 - و مطالبه شدید شود (یا اشاره به مالیات دولتی است که به زور ستانده شود، یا به خاطر ضعف افراد، افراد بدهکار نتوانند بدهی خود را بدهند و در شدت و تنگنا واقع شوند یا به معنای هلاکتها و عذابها است که عذابهای شدید بر سر مردمان بیاید).

15 - و نزاع و خصومت و جدال پیشرفت کند (فراگیر باشد و به هر جایی برسد یا دعواها و درگیریها پشت سرهم واقع شوند).

16 - و عربها با هم اختلاف کنند.

17 - و خواهشها و خواسته ها شدید شود (هر کس پا را فرا گذارد و درخواست بالاتر و سخت تری بکند).

18 - و درخواست فرار شود (هر کس می کوشد به جایی فرار کند و خود را برهاند).

19 - و وامها درخواست شود (اکثر مردم مدیون باشند، لذا مورد مطالبه واقع شوند.)

20 - و اشکها روان شود (گرفتاریها زیاد شود و مادر نمی داند که فرزندش زنده است یا نه و یا فرزندان و خانواده اش را در پیش چشمش می کشند و...).

21 - و فریفته شود فریفته شده (نیرنگها زیاد شود).

22 - تحرکها و فعالیتها زیاد شود (برای به دست آوردن مختصر چیزی بایستی سخت کار کند و به اصطلاح جان بکند).

23 - افراد بر حق محاصره و پایین نگهداشته شوند (خاموششان نگه دارند).

24 - و زمامدار مطاع ناتوان شود (چه رسد به زمامدار غیر مطاع با توجه به شدت مشکلات).

25 - و تاریک شود شعاع (آفتاب) (شعاع حق تاریک شود و کسی به آن توجه نکند).

26 - و گوشها کر شود (صدای حق را نشنوند).

27 - و پاکدامنی رخت بر بندد.

28 - و انصاف از بین برود.

29 - و شیطان چیره گردد.

30 - و نافرمانی بزرگ شود (مردم گناهان بزرگ انجام دهند).

31 - و زنان زمامداری کنند و حکم برانند.

32 - و رویدادها بزرگ به وقوع پیوندد (قحطیها، زلزله ها و نابودی انسانها بر اثر سلاحهای مخرب و نابود کننده مثل سلاحهای اتمی و شیمیایی).

33 - و دمنده ها بدمند (با سمپاشیها افکار را مسموم کنند).

34 - و خواهشها مختلف و گوناگون شود (هر کس سازی می زند و به سازی می رقصد).

35 - و بلاها و سختیها بزرگ شود.

36 - و شکوائیه ها و گلایه ها سخت شود.

37 - و دعوا پیوسته باشد.

38 - و متجاوز تجاوز کند.

39 - و به خشم آینده به خشم آید (در نتیجه، مردم شورش کنند).

40 - و سخت گیرندگان خونریزی و جنگ کنند.

41 - و ملحد و طعنه زنندگان در دین سخن گویند.

42 - و بیابان به زوزه و فریاد در آید (یا بیابانها خشک شوند و طراوت خود را بر اثر جنگ و خونریزی از دست بدهند).

43 - و فریاد برآورند زمامداران.

44 - و به هدف زننده چیره شد.

45 - و عمل کرد زایل کننده.

46 - و زمین لرزید.

47 - و واجب الهی تعطیل شد.

48 - و امانت گرفته شد و پرداخت نشد.

49 - و خیانت آشکار شد.

50 - و از محافظت و مراقبت ترسیده شد (افرادی که خود را از گناه باز می دارند و خود را در برابر گناه و امور مشتبه کنار می کشند کارشان مورد قبول نباشد).

51 - کمبود شدت گیرد (کمبود باران و نعمتها).

52 - و فزونی و بسیاری به هراس اندازد (بسیاری قحطی و گرسنگی).

53 - و حرام زادگان به پا خاستند.

54 - و نیکان و اولیاء نشستند و ایستادند (دست کشیدند یا اینکه نتوانستند کاری انجام دهند).

55 - و ثروتمندان پلید شوند.

56 - و شقاوت مندان به آرزوهای خود دست یافتند.

57 - و کوهها انحراف پیدا کردند (یا اشاره به علما است که همانند کوه اند و دچار انحراف می شوند و یا اینکه عبارت «مالت الاجیال» است و جمع «جیل» یا «یاء» یعنی گروهها و طوایف و دسته ها منحرف شدند).

58 - و امور شبیه به هم، هم شکل شوند (و تشخیصشان مشکل شود).

59 - و سوزانده و نابود شوند غربال (ملاک تشخیص حق از باطل از بین برود).

60 - و از کمال منع شود (کسی که می خواهد به کمال برسد برایش مانع تراشی می شود).

... پس، در زمانی که این علائم واقع شد مردمانی خروج می کنند که گناه و جنایاتی را مرتکب می شوند (و اگر عبارت «الحرائر» با «حاء» مهمله باشد یعنی تجاوز به زنان و دوشیزگان می کنند) و مالک می شوند «جزائر» را (جزیره ها را) و نیرنگها به کار می برند و خراسان را خراب می کنند و دگرگون می سازند حلسان را (یا اسم جایی است یا جمع «حلس» به معنای اینکه باز می گردانند خانه نشینان را از خانه نشینی) و دژها و مواضع دفاعی مستحکم را ویران می کنند و آشکار می سازند آنچه را که مصون و محفوظ مانده بود و می چینند (و قطع می کنند) شاخه ها را و فتح می کنند عراق را و باز می دارند از شکاف و دو دستگی با (ایجاد ترس و) خونریزی (یعنی هر صدای مخالف را به سرعت در نطفه خفه می کنند یا مراد این است که می مکند و سوء استفاده می کنند از شکاف و ایجاد اختلاف بین گروهها با خونی که ریخته می شود). [10] پس، در آن هنگام انتظار بکشید ظاهر شدن صاحب الزمان را؛ یعنی مراقب باشید و چشم و حواستان را متوجه امام زمان کنید که بزودی ظهور خواهد فرمود.

اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه و ارفع موانع الظهور یا من الیه تصیر الامور بحق محمد و آله علیهم السلام.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] بحارالانوار، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 193.

[2] اثباه الهداه، ج 7 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 414.

[3] اشاره به شخصیت مادر مکرمه حضرت بقیه الله، حضرت نرجس خاتون سلام الله علیها، فرموده اند.

[4] غیبت نعمانی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 278.

[5] کمال الدین، ج 2،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 654.

[6] الملاحم و الفتن،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 59.

[7] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 35.

[8] قابل توجه اینکه خطبه مزبور با تفاوتهایی نقل شده است، از جمله در خود الزم الناصب (ج 2 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 213 و سپس درصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 232). ضمنا در مورد ترجمه، آنچه که به ذهن نزدیکتر می آمد ذکر شد و ممکن است معانی دیگری هم از آن بتوان استفاده کرد، که حتما نیز چنین است و ما به خاطر عدم اطاله کلام آنها را ذکر نکرده، این کار را به خود خوانندگان پژوهشگر واگذار نمودیم. همچنین، باید متذکر این نکته شد که خطبه مورد بحث دارای مضامین بسیار عالی است و گویا اصلا طوری القاء شده که احتمالات مختلف در آن مطرح و ملحوظ گردد، و به اصطلاح، استعمال لفظ در اکثر از معنی که نزد محققان صحیح است در اینها انجام شده، یعنی هر فقره چندین معنی دارد.

[9] الزم الناصب، ج 2 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 181.

[10] شاید هم کلمه مزبور «شقاق» به ضم «شین» باشد به معنای مرضی که در پای چارپا پیدا می شود و او را از رفتن و دویدن باز می دارد، که کنایه از این است که اگر در جایی به مانعی برخورد کردند، با خونریزی هم که شده است خود را از آن مانع عبور می دهند و هیچ ابایی از هیچ کاری ندارند.

# امیرمؤمنان عليه‌السلام و خطبه ذی قار و علائم آخرالزمان

فبعث الله عزوجل محمدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بذلک ثم انه سیاءنی علیکم من بعدی زمان لیس فی ذلک الزمان شیی اخفی من الحق و لا اظهر من الباطل و لا اکثر من الکذب علی الله تعالی و رسوله صلى‌الله‌عليه‌وآله و لیس عند اهل ذلک الزمان سلعه ابور من الکتاب اذا تلی حق تلاوته و لا سلعه انفق بیعا و لا اغلی ثمنا من الکتاب اذا حرف عن مواضعه و لیس فی العباد و لا فی البلاد شیی هو انکر من المعروف و لا اعرف من المنکر و لیس فیها فاحشه انکر و لا عقوبه انکی من الهدی عند الضلال فی ذلک الزمان فقد نبذ الکتاب حملته و تناساه حفظته حتی تمالت بهم الاهواء و توارثوا ذلک من الاباء و عملوا بتحریف الکتاب کذبا و تکذیبا فباعوه بالبخس و کانوا فیه من الزاهدین فاالکتاب و اهل الکتاب فی ذلک الزمان طریدان منفیان و صاحبان مصطحبان فی طریق واحد لا یاءویهمامور و فحبذا ذانک الصاحبان واها لهما و لما یعملان له فاالکتاب و اهل الکتاب فی ذلک الزمان فی الناس ولیسوا فیهم و معهم و لیسوا معهم و ذلک لان الضلاله لاتوافق الهدی و ان اجتمعا وقد اجتمع القوم

علی الفرقه و اقترقوا قواعن الجماعه قد ولوا امرهم دینهم من یعمل فیهم بالمکر و المنکر و الرشا و القتل کانهم ائمه الکتاب ولیس الکتاب امامهم لم یبق عندهم من الحق الا اسمه و لم یعرفوا من الکتاب الا خطه وزبره یدخل الداخل لما یسمع من حکم القرآن فلا یطمئن جالسا حتی یخرج من الدین ینتقل من دین ملک الی دین ملک و من ولایه ملک الی ولایه ملک و من طاعه ملک الی طاعه ملک و من عهود ملک الی عهود ملک فاستدرجهم الله تعالی من حیث لایعلمون و ان کیده متین بالامل و الرجاء حتی توالدوا فی المعصیه ودانوا بالجور و الکتاب لم یضرب عن شیی منه صفحا ضلالا تائهین قد دانوا بغیر دین الله عزوجل وادنوا لغیر الله مساجدهم فی ذلک الزمان عامره من الضلاله خربه من الهدی (قد بدل فیها من الهدی) فقراؤ ها و عمارها اخائب خلق الله و خلیقته من عندهم جرت الضلاله و الیهم تعود فحضور مساجدهم و المشی الیها کفر بالله العظیم الا من مشی الیها و هو عارف بضلالهم فصارت مساجدهم من فعالهم علی ذلک النحو خربه من الهدی عامره من الضلاله قد بدلت سنه الله و تعدیت حدوده و لا یدعون الی الهدی و لا یقسون الفی و لا یوفون بذمه یدعون القتیل منهم علی ذلک شهیدا قد اتو الله بالافتراء و الجحود و استغنوا بالجهل عن العلم و من قبل ما مثلوا بالصالحین کل مثله و سموا صدقهم علی الله فریه و جعلوا فی الحسنه العقوبه السیئه و قد بعث الله عزوجل الیکم رسولا من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم صلى‌الله‌عليه‌وآله و انزل علیه کتابا عزیزا لایاءتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید قرآنا عربیا غیر ذی عوج لینذر من کان حیا و یحق القول علی الکافرین فلا یلهینکم الامل و لایطولن علیکم الاجل فانما اهلک من کان قبلکم امد اءملهم و تغطیه الاجال عنهم حتی نزل بهم الموعود. [1].

خداوند برای هدایت و ارشاد شما پیامبرش را مبعوث به رسالت فرمود و بدانید که بعد از من دورانی خواهید داشت که در آن چیزی پنهان تر از حق نیست و نیز در آن زمان روشن تر از باطل چیز دیگری نخواهد بود. در این عصر، دروغ بستن بر خدا و پیامبرش از هر چیزی بیشتر است. در این زمان متاعی کم ارزش تر از قرآن خدا در نزد این مردم نیست، در صورتی که قرآن را بحق بخوانند و به آن عمل کنند، هیچ متاعی از نظر ارزش به پای کتاب خدا نمی رسد، اگر تحریف شود و برخلاف حق تفسیر گردد، به تحقیق، سودجویان از آن استفاده می کنند. در این زمان و در میان مردم شهرها هیچ چیزی از معروف (کارهای خوب و خداپسند) زشت تر و منکرتر، و هیچ کاری و عملی از منکر (گناه) زیباتر نیست. در نظر مردم گمراه این زمان هیچ راهی بدتر از رفتن به راه حق نیست (پیمودن راه بندگی به معنی واقعی). در این عصر است که دانایان به قرآن آن را پس پشت می اندازند و نگهبانان قرآن آن را به دست فراموشی می سپرند (البته در عمل نه به زبان) و هوای نفس آنها را به این سو و آن سو می کشد و این انحرافی است که آن را از پدران خود به ارث برده اند. آنان به دروغ قرآن را تحریف و تفسیر می کنند و حقایق آن را خلاف واقع دانسته، آن را به بهای کمی می فروشند و نسبت به آن بی رغبت اند. پس، قرآن و اهل قرآن در این عصر رانده شده از اجتماع هستند و در عین اینکه (بسیار کم اندو) در میان مردم از لحاظ ظاهری حضور دارند در معنا بیرون و بیگانه از این جامعه اند، و در حقیقت، به تبعید شدگان شباهت دارند و کسی به آنها (قرآن و اهل آن) مکان نمی دهد (آنان را تحویل نمی گیرد). آفرین بر این دو یار موافق (یعنی قرآن و پیروان واقعی آن). در این زمان قرآن و اقلیت عامل به آن ظاهرا در میان جامعه هستند، اما در واقع بیرون از این مردم زندگی می کنند؛ زیرا راه سعادت و راه شقاوت و گمراهی یکسان نیستند اگر چه با هم در یک جا جمع شوند. مردم این زمان گرفتار جدایی و نفاق و از هماهنگی با حق بر حذرند و امور دینی و دنیوی خود را با افرادی برگزار می کنند که کارشان نیرنگ و زشتکاری و رشوه خواری و کشتار انسانهاست گویی خود را پیشوای قرآن می دانند و عملا از رهبری قرآن محروم اند. از حق در میان آنها جز نامی و از قرآن جز جلد و کاغذ و نوشته های آن نمانده است. در این جامعه صدای قرآن و احکام آن بر می خیزد و بعضی به آن علاقه مند می شوند و در مجلس می نشینند، ولی آرام نگرفته از مجلس بیرون می شوند در حالی که از دین اسلام بیرون رفته اند (دیدن خلافها و شنیدن آن) از دین پادشاهی به مذهب حکمران دیگر می روند، همین طور از سوی این حاکم به سوی آن فرمانروا و از سوی آن حکومت به سوی حکومت دیگر و از فرمانبری حکمرانی دیگر در رفت و آمدند (آری، چون پناهگاه اصلی «دین» را از دست داده اند). خداوند آنها را گرفتار استدراج خود می کند، یعنی به بدبختی و عقوبت خود می کشاند، اگر چه به ظاهر سرگرم دنیای خود هستند و به اصطلاح با خوشی زندگی می کنند و به راستی که آرزوها و امیدهای بیجا زندگی آنها را فرا می گیرد تا آنجا که فرزندانی در معصیت به وجود می آورند (نسل آینده را پدید می آورند). در مقابل ناحق سر تسلیم خم می کنند و در عین حال خود را دیندار می دانند (آری، دین دلخواه اهل دنیا، نه آن دینی که خداوند فرستاده است).

مساجد این مردم در این زمان از نظر ساختمان (کاشی کاری، فرشهای قیمتی، بخاری، کولر و امثال اینها) آباد، اما از هدایت مردم به دین واقعی ویران است (تبلیغات درست برخلاف آنچه در واقع هست پیاده می شود). خوانندگان قرآن و آباد کنندگان مساجد زیان کارترین و ناکام ترین خلق خدایند. اینان سرچشمه گمراهی ها هستند و بازگشت ضلالت و گمراهی نیز به سوی خود آنها خواهد بود. شرکت در مساجد اینها کفر به خداوند بزرگ است مگر برای آن افرادی که نسبت به

گمراهی آنها شناخت داشته باشند. بر اساس اعمال نادرست متصدیان امور دینی، مساجد، این پایگاه دینی، از نظر تقوا خراب و انباشته از گمراهی می شود و سنتهای خداوندی را مبدل می سازند و حدود الهی را تغییر می دهند و مردم را به راه راست نمی خوانند و در آمد کشور اسلامی و اموال بیت المال را به صاحبان واقعی اش، یعنی مستحقان نمی دهند بلکه آن را در راه نامشروع و جنگ و خونریزی به مصرف می رسانند و در ارتباط با پناهندگان اسلام پیمان شکنی می کنند و کسانی را که در این مسیر ناحق از آنها کشته می شوند شهید می نامند و به خداوند افترا می بندند و او را انکار می کنند و از دانش به خاطر نادانی خود روی بر می گردانند. در گذشته هم کسانی همچون اینان بودند که بندگان خوب خداوند را شکنجه می دادند و آنها را مثله می کردند (یعنی گوش و بینی آنها را می بریدند) و گفتار آسمانی و بر اساس مصلحت آن افراد را که از طرف خداوند می گفتند دروغ و ناحق می انگاشتند و در برابر کار خوب و شایسته کیفرهای ناصواب مقرر می کردند و حال آنکه خداوند پیامبری را از میان شما مبعوث کرد که نمی تواند رنج شما را ببیند (یعنی خوشی و رفاه شما را طالب است و همه مسلمانان را دوست می دارد) و بر این پیامبر کتابی نازل شده است که نظیر ندارد (چون که جوابگوی تمام خواسته ها و نیازمندیهای علمی، اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، تجاری، دامپروری، نظامی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و سایر نیازهای دیگر شماست). خداوند وعده فرموده است که باطل به هیچ نحو نمی تواند به قرآن حمله ور شود و تحریف در آن راه نمی یابد (از پیش رو و پشت سر، خداوند نگهبان قرآن است) و با اینکه از تمام گذشته ها خبر داده کوچکترین خلافی در آن دیده نشده است و تاریخ دنیا نیز بر آن گواهی می دهد...

از خداوند بزرگ تقاضا دارم که همه مسلمانان جهان به ویژه شیعیان آن حضرت را موفق به انجام و عمل کردن به دستورات دنیا و نیز دوری از کجرویها بفرماید. آمین یا رب العالمین.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] روضه کافی، ج 2 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 359 - 362.

## علی عليه‌السلام و فتنه های پیش از ظهور

یظهر فی شبهه لیستبین فیعلو ذکره و یظهر امره و ینادی باسمه و کنیته و نسبه و یکثر ذلک علی افواه المحقین و المبطلین و الموافقین والمخالفین لتلزمهم الحجه بمعرفتهم به علی انه قد قصصنا و دللنا علیه و نسبناه و سمینا و کنیناه و قلنا سمی جده رسول الله و کنیه لئلا یقول الناس ما عرفنا له اسما و لا کنیه و لا نسبا و الله لیتحقق الایضاح به و باسمه و کنیته علی السنتهم حتی لیسمیه بعضهم لبعض کل ذلک للزوم الحجه علیهم ثم یظهره الله کما وعد به جده صلى‌الله‌عليه‌وآله فی قوله عزوجل «و هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون». [1].

آنگاه که فتنه ها و شبهات جامعه را فراگیرد امام عصر (روحی له الفداء) ظاهر می شود. (همه جا از قیام او سخن گفته می شود و مانند خورشید فروزان می درخشد). در میان آسمان و زمین او را به نام کنیه و نسب یاد می کنند و نام عزیزش در محافل دوست و دشمن و مردم باایمان و بی ایمان نقل می گردد تا حجت بر همگان تمام شود و جامعه او را بشناسد و ما پیوسته نام و نشان او را اعلام کرده ایم (در کتابها و در سخنان) و گفته ایم که او همنام جدش خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله و هم کنیه اوست تا کسی نگوید که من نام و نسب و کنیه او را نمی دانستم. به خدا سوگند آنقدر نام و نسب و کنیه او بر زبان مردم جاری می شود تا دیگر برای کسی ابهامی نماند. اجرای این برنامه ها یکسره برای این است که حجت بر همگان تمام شود. آنگاه خداوند امر به ظهورش می فرماید، چنانکه در آیه شریفه «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون» [2] به جدش خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله وعده فرموده است که باید دین مقدس اسلام بر تمام ادیان غلبه و پیروزی داشته باشد اگر چه دشمنان خداوند نخواهند.

عن امیرالمؤمنین عليه‌السلام : ان لنا اهل البیت رایه من تقدمها سرق و من تاءخر عنها زهق و من تبعها لحق یکون مکتوبا فی راءیته «البیعه لله». [3].

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه‌السلام می فرماید: برای ما اهل بیت پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله پرچمی هست که هر کسی بر آن سبقت بگیرد دزدیده می شود (استعمارگران و استثمارگران او را می برند و عقایدش را می دزدند کما اینکه تمام سرمایه های معنوی دنیای اسلام را دزدیدند) و هر کسی که عقب بماند از این پرچم، نابود و هلاک خواهد شد و هر کسی که متابعت از این پرچم نمود، سعادتمند و موفق خواهد شد. روی آن پرچم نوشته است «بیعت از آن خداوند است».اللهم فاجعل بیته خروجا من الغمه واجمع به شمل الامه. [4].

خداوندا! بیعت با حضرت بقیه الله (عليه‌السلام و عجل الله له الفرج) را برای مردم بیرون رفتن از تمام غم و اندوه ها قرار بده و پراکندگی و سرگردانی امت را به اتحاد و اتفاق مبدل فرما.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] روزگارهایی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 459.

[2] توبه / 33.

[3] روزگارهایی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 461.

[4] همان مأخذ و صفحه.

# امیرالمؤمنین عليه‌السلام و علائم قیام قائم

سلمان فارسی می گوید: آمدم خدمت حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام عرض کردم قائم از فرزندان شما کی قیام می کند؟ آن حضرت آهی کشیده، فرمودند: لایظهر القائم حتی یکون امور الصبیان و یضیع حقوق الرحمن و یتغنی بالقرآن فاذا قتلت ملوک بنی العباس اولی العمی و الالتباس اصحاب الرمی عن الاقواس بوجوه کالتراس و خربت البصره هناک یقوم القائم من ولد الحسین عليه‌السلام . [1].

قائم ظاهر نمی شود تا اینکه چند نشانه به وجود آید:

1 - کارها به دست نوجوانان و افراد ناآگاه قرار گیرد.

2 - حقوق خداوند رحمان (احکام دین خدا) ضایع گردد.

3 - قرآن را با تغنی (به غنا) بخوانند.

4 - پادشاهان بنی عباس که از دیدن حق محروم، و از شناخت آن ناتوانند، به دست تیراندازان و کماندارانی کشته شوند، که صورتهایشان همانند سپر می باشد (منظور مغولها هستند که در نهج البلاغه - خطبه 128 - از آنها «المجان المطرقه» یعنی: سپرهای چکش خورده، تعبیر شده است).

5 - بصره خراب گردد.

در این موقع قائم ما از فرزندان امام حسین عليه‌السلام قیام می کند.

از امام امیرالمؤمنین و نیز از حضرت صادق و حضرت باقر عليهم‌السلامنقل شده است که فرموده اند:

و یحا للطالقان فان لله فیها کنوزا لیست من ذهب ولا فضه ولکن بها رجال عرفواالله حق معرفته و هم انصار المهدی فی آخر الزمان. [2].

خوشا به حال مردم طالقان که در اجتماع و منطقه آنان برای خداوند متعال گنجهایی است که از طلا و نقره نیست، اما مردانی هستند که به درستی خداوند را شناخته اند و اینان از یاوران حضرت مهدی روحی له الفداء در آخر الزمان هستند (به راستی خوشا به حال آنها).

# حضرت امام امیر المومنین و وسایل نقلیه زمان حکومت حضرت مهدی عليهما‌السلام

امام امیر المومنین عليهما‌السلامدرباره وسایل نقلیه دوران جهانگیری حضرت بقیه الله روحی له لفدا چنین می فرماید:

«ثم یامر المهدی بالنشاء مراکب یبنی اربعمائه سفینه فی ساحل عکا و یوافی المهدی طرطوس فیفتحها و یتقدم الی انطاکیه فیفتحها و یهاجم القسطنطنیه فیفتحها و یتوجه الی بلاد الروم فیفتح رومیه مع اصحابه.» [3].

آنگاه حضرت مهدی عليهما‌السلام امر می فرمایند مرکبهای سواری بسازند و در کرانه عکا چهار صد کشتی ساخته می شود و به طرف طرطوس [4] به حرکت در می آیند و آنجا را فتح می کند و از طرطوس به سمت انطاکیه می رود، آنجا را هم فتح می کند و از انطاکیه به طرف قسطنطنیه [5] هجوم می آورد، آن سرزمین را هم فتح می کند و به جانب بلاد روم (کشورهای غربی) حرکت می کند و همه آن کشورها را مسخر می نماید (اللهم عجل فرجه).

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] بحارالانوار، ج 52 /

[2] روزگار رهایی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 429.

[3] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 471.

[4] طرطوس از شهرهای بندری سوریه است.

[5] استانبول فعلی.

# امیرالمؤمنین عليه‌السلام و نزول حضرت عیسی عليهما‌السلام

امام امیرالمؤمنین عليه‌السلام به تشریف فرمایی حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و عليه‌السلام در روزهای اول ظهور اشاره می فرمایند، آن هم در بیت المقدس روز جمعه:

ثم ان المهدی یرجع الی بیت المقدس فیصلی بالناس ایاما فاذا کان یوم الجمعه وقد اقیمت الصلوه ینزل عیسی بن مریم فی تلک الساعه من السماء و علیه ثوابان احمر ان کانما یقطر من راءسه الدهن و هو رجل صبیح المنظر والوجه اشبه الخلق بابراهیم فیاءتی المهدی و یصافحه و یبشره بالنصر فعند ذلک یقول له المهدی تقدم یا روح الله وصل بالناس فیقول عیسی بل الصلوه لک یا ابن رسول الله فعند ذلک یؤ ذن عیسی و یصلی خلف المهدی. [1].

مهدی ما به جانب بیت المقدس برمی گردد و چند روزی در آنجا با مردم نماز می خواند تا روز جمعه می رسد و مردم آماده نماز هستند که ناگهان حضرت عیسی بن مریم در همین ساعت از آسمان به زیر می آید، در حالتی که دو لباس قرمز به تن دارد و قطرات عرق از سر و صورتش مانند قطرات روغن می ریزد. مردی زیبا و خوش اندام است که شبیه ترین مردم به حضرت خلیل الرحمن عليه‌السلام است پیش می آید و با حضرت بقیه الله مصاحفه می کند و بشارت به فتح و پیروزی می دهد. در این موقع حضرت مهدی عليه‌السلام تعارف می فرماید به حضرت عیسی که جلو بایستید و با مردم نماز بخوانید. حضرت عیسی می فرماید: ای فرزند

رسول خدا! «بل الصلوه لک». کنایه از اینکه پیشوایی دیگر مخصوص به شماست. در این موقع حضرت عیسی اذان می گوید و حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء جلو می ایستد و جناب عیسی عليه‌السلام به آن حضرت اقتدا می کند (اللهم عجل فرجه).

# امام امیرالمومنین عليه‌السلام و نشانه های پیش از قیام

امام صادق عليهما‌السلام از وجود مقدس حضرت امیرالمومنین عليه‌السلام روایت می کنند که آن سرور فرمودند:

«قال امیر المؤمنین عليه‌السلام لیاتین علی الناس زمان یظرف فیه الفاجر و یقرب فیه الماجن و یضعف فیه المنصف قال فقیل له متی ذاک یا امیر المؤمنین فقال (اذ اتخذت الامانه مغنما و الزکاه مغرما و العباده استطاله و الصله منا قال فقیل له متی ذلک یا امیر المؤمنین فقال (ع» اذا تسلطن النساء وسلطن الاماء و امر الصبیان. [2].

مسلما زمانی بر مردم خواهد آمد که افراد فاجر و گناهکار را مورد احترام خاص قرار می دهند، سخن چین و بد زبان را مقرب خود می سازند و افراد با انصاف را ضعیف و ناتوان می شمارند. عرض کردند: یا امیر المؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: (هر وقت دیدید امانت را غنیمت می شمارند (خیانت به امانت می کنند)، دادن زکات را برای خود زیان و غرامت می پندارند، عبادت را بار و سنگینی بر دوش خود می دانند و صله کردن را با منت انجام می دهند. عرض کردند: یا امیر المؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند:) هرگاه دیدید زنان تسلط پیدا کردند (بر امور اجتماعی و سیاسی و غیره) و نیز هر وقت دیدید که اماء و کنیزان استیلا یافتند و نوجوانان به زمامداری رسیدند.

خواننده عزیز!

اگر دقت کنید تمام این علامتها در اجتماع ما در ابعاد مختلف دیده می شود.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] روزگارهایی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 554.

[2] بحار الانوار، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 265.

# امام امیرالمؤمنین عليه‌السلام و نشانه های پیش از قیام

امام صادق عليه‌السلام از وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام روایت می کنند که آن سرور فرمودند:

قال امیرالمؤمنین عليه‌السلام لیاءتین علی الناس زمان یظرف فیه الفاجر و یقرب فیه الماجن و یضعف فیه المنصف قال فقیل له متی ذاک یا امیرالمؤمنین فقال (اذ اتخذت الامانه مغنما والزکاه مغرما و العباده استطاله والصله منا قال فقیل له متی ذلک یا امیرالمؤمنین فقال (عليه‌السلام )) اذا تسلطلن النساء و سلطن الاماء و امر الصبیان. [1].

مسلما زمانی بر مردم خواهد آمد که افراد فاجر و گناهکار را مورد احترام خاص قرار می دهند، سخن چین و بد زبان را مقرب خود می سازند و افراد با انصاف را ضعیف و ناتوان می شمارند. عرض کردند: یا امیرالمؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: (هر وقت دیدید امانت را غنیمت می شمارند (خیانت به امانت می کنند)، دادن زکات را برای خود زیان و غرامت می پندارند، عبادت را بار و سنگینی بر دوش خود می دانند و صله کردن را با منت انجام می دهند. عرض کردند: یا امیرالمؤ مین! کی خواهد شد؟ فرمودند:) هرگاه دیدید زنان تسلط پیدا کردند (بر امور اجتماعی و سیاسی و غیره) و نیز هر وقت دیدید که اماء و کنیزان استیلا یافتند و نوجوانان به زمامداری رسیدند.

خواننده عزیز!

اگر دقت کنید تمام این علامتها در اجتماع ما در ابعاد مختلف دیده می شود.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] بحارالانوار، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 265.

# حضرت امام محمد باقر عليه‌السلام و نشانه های ظهور

فضل بن شاذان از ابی حمزه ثمالی چنین نقل می کند:

قلت لابی جعفر عليه‌السلام خروج السفیانی من المحتوم؟ قال نعم و النداء من المحتوم و طلوع الشمس من مغربها من المحتوم و اختلاف بنی العباس فی الدوله من المحتوم و قتل النفس الزکیه محتوم و خروج القائم من آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله محتوم، قلت: و کیف یکون النداء؟ قال ینادی من السماء اول النهار الا ان الحق مع علی وشیعته ثم ینادی ابلیس فی آخر النهار من الارض الا ان الحق مع عثمان وشیعته فعند ذلک یرتاب المبطلون. [1].

به امام باقر عليه‌السلام عرض کردم: خروج سفیانی حتمی است؟ فرمودند: آری، صیحه آسمانی نیز از علائم حتمی است، طلوع خورشید از مغرب حتمی است، اختلاف بین بنی عباس در رابطه با حکومت حتمی است، کشته شدن نفس زکیه حتمی است، قیام قائم آل محمد حتمی است. عرض کردم: ندای آسمانی چگونه است؟ فرمودند: اول صبح منادی از آسمان ندا می کند که حق با علیعليه‌السلام و شیعیان اوست. آخر وقت همان روز منادی فریاد می زند که حق با عثمان و پیروان اوست. از شنیدن صدای دوم اهل باطل در شک می افتد (آری، آزمایش است).

ابوالجارود، یکی از اصحاب حضرت باقر عليه‌السلام ، می گوید آن حضرت با آگاهی کامل از آینده قیام حضرت مهدی عليه‌السلام فرمودند:

اذا قام القائم عليه‌السلام سار الی الکوفه فیخرج منها بضعه عشر الف نفس یدعون البتریه علیهم السلاح فیقولون له ارجع من حیث جئت فلا حاجه لنا فی بنی فاطمه فیضع فیهم السیف حتی یاءتی علی آخرهم ثم یدخل الکوفه فیقتل بها کل منافق مرتاب و یهدم قصورها و یقتل مقاتلیها حتی یرضی الله عزوجل. [2].

زمانی که حضرت قائم عليه‌السلام قیام کند، به کوفه تشریف فرما می شوند و بیش از ده هزار نفر از آنجا بیرون می آیند که آنها را «بتریه» می گویند. پس، به آن حضرت عرض می کنند: برگرد به همان مکانی که بوده ای، ما نیازی به فرزندان فاطمه عليها‌السلامنداریم. پس، شمشیر را می کشد و همه آنها را می کشد. سپس وارد کوفه می شود و تمام افراد منافق و جنگجو را می کشد تا خداوند متعال راضی گردد.

جابر از امام باقر عليه‌السلام در ارتباط با برنامه های دولت کریمه حضرت مهدی عليه‌السلام چنین می فرماید:

اذا قام القائم عليه‌السلام ضرب فساطیط و یعلم الناس القرآن علی ما انزل الله عزوجل فاصعب ما یکون علی من حفظه الیوم لانه یخالف فیه التاءلیف. [3].

هنگامی که قائم آل محمد قیام می کند، خیمه های خودش را برپا می سازد (گویا در کوفه باشد) و قرآن را به مردم یاد می دهد، چنانکه خداوند بر رسول گرامی نازل فرمود (از نظر ترتیب فرود آمدن در روزهای اول) و مردم را با قرآن این طور آشنا می کند. آن روز برای آنهایی که قرآن را قبلا حفظ کرده اند بسیار مشکل است (از نظر ترتیب سوره ها و نازل شدن در گذشته).

به امام باقر عليه‌السلام عرض شد:

ان اصحابنا بالکوفه جماعه کثیره فلو امرتهم لاطاعوک و اتبعوک فقال یجی احدهم الی کیس اخیه فیاخذ منه حاجته؟ فقال لا فقال فهم بدمائهم ابخل... ثم قال ان الناس فی هدنه نناکحهم و نوارثهم و نقیم علیهم الحدود و نؤ دی اماناتهم حتی اذا قام القائم جاءت المزایله و یاءت الرجل الی کیس اخیه فیاءخذ حاجته لایمنعه. [4].

اصحاب و شیعیان ما در کوفه زیاد هستند اگر دستوری صادر بفرمایید از شما اطاعت می کنند. امام در جوابش فرمودند: آیا شیعیان ما دست در جیب یکدیگر می کنند و نیازمندیهای خودشان را برطرف می سازند؟ عرض شد: خیر. فرمودند: کسی که از انفاق مادیات در راه خداوند مضایقه می کند چگونه جانش را به فرمان ما در راه حق بذل می نماید؟ مردم در معرض امتحان هستند. ما با آنها ازدواج می کنیم، از آنها ارث می بریم، حدود الهی را بر آنها اقامه می کنیم و امانات آنها را به ایشان بر می گردانیم تا اینکه حضرت قائم عليه‌السلام قیام کند. برادری آنچنان گسترش می یابد که مردم بدون اجازه دست در جیب یکدیگر می کنند و هرچه لازم داشته باشند برمی دارند (این است برنامه عملی حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء).

محمد بن مسلم ثقفی می گوید از امام باقر عليه‌السلام شنیدم که فرمودند:

القائم منصور بالرعب مؤ ید بالنصر تطوی له الارض و تظهر له الکنوز و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب و یظهر الله تعالی به دینه ولو کره المشرکون فلا یبقی فی الارض خراب الا عمر و ینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه فقلت له یا ابن رسول الله متی یخرج قائمکم قال اذا تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و اکتفی الرجال بالرجال والنساء بالنساء و رکب ذوات الفروج السروج و قبلت شهاده الزور و ردت شهاده العدل واستخف الناس بالدماء و ارتکاب الزنا و الکل الربا و اتقی الاسرار مخافه السنتهم و خرج السفیانی من الشام والیمانی من الیمن و خسف بالبیداء و قتل غلام من آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بین الرکن و المقام اسمه محمد بن الحسن النفس الزکیه و جائت صیحه من السماء بان الحق فیه و فی شیعته فعند ذلک خروج قائمنا فاذا خرج اسند ظهره الی الکعبه و اجتمع الیه ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا و اول ما ینطق به هذه الایه: «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین». [5] ثم یقول انا بقیه الله و حجته و خلیفته علیکم فلا یسلم علیه مسلم الا قال السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه فاذا اجتمع له العقد و هو عشره آلاف رجل خرج فلا یبقی فی الارض معبود دؤ ن الله عزوجل من صنم او غیره الا وقعت فیه نارفا حترق و ذلک بعد غیبه طویله لیعلم الله من یطیعه بالغیب و یؤمن به. [6].

قائم ما به وسیله نیروهای مختلفی یاری می شود:

1 - ترس و رعبی که در دلهای مردم جایگزین می شود.

2 - نصرت و یاری خداوند بزرگ.

3 - زمین در اختیار و زیر پای مبارکش و یاران عزیزش در نوردیده و جمع می شود.

4 - گنجهای زمین خودشان را در اختیار آن حضرت قرار می دهند.

5 - سلطنتش مشرق و مغرب زمین را فرا می گیرد.

6 - دین مقدس اسلام بر تمام ادیان غلبه می یابد ولو اینکه دشمنان خدا راضی نباشند، و در زمین جایی غیر آباد دیده نخواهد شد.

7 - حضرت عیسی بن مریم از آسمان نازل می شود و پشت سر آن حضرت نماز می خواند.

می گوید عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! این قیام کی خواهد بود و چه زمانی قائم شما قیام می کند؟ فرمودند:

1 - هرگاه مردان شبیه به زنان و زنان مانند مردان شوند.

2 - مردها به مردها اکتفا کنند و زنان به زنان (اشاره به لواط و مساحقه).

3 - زنان سوار بر زینها شوند (سوار شدن بر اسب، اتومبیل و وسایط نقلیه دیگر).

4 - شهادت دروغ و برخلاف واقع را بپذیرند.

5 - گواهی مردان عادل و صاحبان تقوا را رد کنند.

6 - قتل و خونریزی در میان مردم کوچک شمرده شود.

7 - مردم مرتکب زنا شوند.

8 - رباخواری در میان مردم رواج یابد.

9 - مردم از زبان اشرار بترسند.

10 - سفیانی از شام بیرون آید.

11 - یمانی از یمن حرکت کند.

12 - خسف و فرورفتگی در بیداء پدید آید.

13 - جوانی از آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله در میان رکن مقام کشته شود که نام عزیزش محمد بن حسن معروف به نفس زکیه است.

14 - صیحه ای از آسمان بلند شود که حق با او و پیروان اوست.

در این هنگام قائم ما قیام می کند. پس، آنگاه که بیرون آمد به کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده تن از یاران مخصوص آن حضرت اطرافش را می گیرند و اول سخنی که می فرمایند این آیه شریفه است: «باقیمانده خدا بهتر است برای شما اگر به خدا ایمان دارید». سپس می فرماید من بقیه الله و حجت و جانشین خداوند در روی زمین هستم. پس، همه مسلمانان آن حضرت را با این عبارت سلام می کنند: «سلام بر تو ای بقیه الله در روی زمین». پس، وقتی که آن عدد معین که ده هزار نفر باشد در خدمت آن حضرت اجتماع کردند از مکه بیرون می آیند و در کره زمین معبودی جز خداوند یکتا عبادت نخواهد شد، اساس بت پرستی و غیره از بین خواهد رفت و همه آنها در آتش غضب آن سرور خواهند سوخت. ای محمد بن مسلم! البته این قیام با این محتوی بعد از غیبت طولانی خواهد بود. برای اینکه خداوند عالم، بندگان مطیع و فرمانبردار خودش را به جهانیان معرفی کند و بشناساند.

علی بن مهزیار از حضرت ابوجعفر عليه‌السلام حدیث می کند که آن جناب فرمودند:

کانی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائما بین الرکن و المقام بین یدیه جبرئیل ینادی البیعه لله فیملاها عدلا کما ملئت ظلما وجورا. [7].

گویا می بینم قائم (آل محمد) را در روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده در حالی که جبرئیل عليهما‌السلام در کنار ایشان است و فریاد می زند بیعت برای خداست (مردم دنیا! بیعت با حضرت مهدی روحی له الفداء، در حقیقت، بیعت با خداوند است). آنگاه دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.

یعقوب سراج از جابر روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

یا جابر لایظهر القائم حتی یشمل (الناس ب)الشام فتنه یطلبون المخرج منها فلا یجدونه و یکون قتل بین الکوفه و الحیره قتلا هم علی سواء و ینادی مناد من السماء. [8].

ای جابر! قائم ظاهر نمی شود مگر اینکه فتنه ای (مردم را) در شام فرا گیرد. مردم راه فرار از این فتنه را پیدا نمی کنند. بین کوفه و حیره کشتاری می شود که هر دو طرف از نظر دادن کشته مساوی هستند (یا از لحاظ کمیت یا کیفیت) و منادی از آسمان ندا می دهد.

محمد بن مسلم از حضرت باقر العلوم عليه‌السلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:

توقعوا الصوت یاءتیکم بغته من قبل دمشق فیه لکم فرج عظیم. [9].

منتظر صدا که ناگهان از ناحیه دمشق می رسد، باشید. البته در این (صوت) برای شما فرجی عظیمی است.

خواننده عزیز!

آیا منظور از کلمه «صوت» صیحه آسمانی است؟ به ظاهر یا همین است یا قیام سفیانی. امید است صدای حیاتبخش جبرئیل عليه‌السلام باشد.

از حضرت باقر عليه‌السلام در باب نشانه های ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء حدیث مفصلی نقل شده است که ما به بیان مختصری از آن بسنده می کنیم.

امام باقر عليه‌السلام می فرمایند:

فینزل امیر جیش السفیانی البیداء فینادی مناد من السماء «یابیداء ابیدی القوم» فیخسف بهم فلا یفلت منهم الا ثلاثه نفر یحول الله وجوههم الی اففیتهم و هم من کلب و فیهم نزلت هذه الایه «یا ایها الذین اوتوا الکتاب آمنوا بما نزلنا مصدقا لما معکم من قبل ان نطمس وجوها فنردها علی ادبارها».قال و القائم یومئذ بمکه قد اسند ظهره الی البیت الحرام مستجیرا به فینادی یا ایها الناس انا نستنصر الله فمن اجابنا من الناس فانا اهل بیت نبیکم محمد و نحن اولی الناس بالله و بمحمد صلى‌الله‌عليه‌وآله فمن حاجنی فی آدم فانا اولی الناس بآدم و من حاجنی فی نوح فانا اولی الناس بنوح و من حاجنی فی ابراهیم فانا اولی الناس بابراهیم و من حاجنی فی محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله فانا اولی الناس بمحمد صلى‌الله‌عليه‌وآله و من حاجنی فی النبیین فانا اولی الناس بالنبیین الیس الله یقول فی محکم کتابه «ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین ذریه بعضها من بعض والله سمیع علیم».

فانا بقیه من آدم و ذخیره من نوح و مصطفی من ابراهیم و صفوه من محمد صلی الله علیهم اءجمعین الا فمن حاجنی فی کتاب الله فانا اولی الناس بکتاب الله الا فمن حاجنی فی سنه رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله فانا اولی بسنه رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله فاءنشد الله من سمع کلامی الیوم لما بلغ الشاهد منکم الغائب و اساءلکم بحق الله و حق رسوله صلى‌الله‌عليه‌وآله و بحقی فان لی علیکم حق القربی من رسول الله الا اعنتمونا و منعتمونا ممن یظلمنا فقد اءخفنا و ظلمنا و طردنا من دیارنا و ابنائنا و بغی علینا و دفعنا عن حقنا و افتری اهل الباطل علینا فا الله الله فینا لاتخذلونا و انصرونا ینصرکم الله تعالی.

قال فیجمع الله علیه اصحابه ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا و یجمعهم الله له علی غیر میعاد قزعا کقزع الخریف و هی یا جابر الایه التی ذکرها الله فی کتابه: «اینما تکونوا یاءت بکم الله جمیعا ان الله علی کل شیی قدیر».

فیبایعونه بین الرکن و المقام ومعه عهد من رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله علیه و آله قد توارثه الابناء عن الاباء. و القائم یا جابر رجل من ولد الحسین یصلح الله له امره فی لیله، فما اشکل علی الناس من ذلک یا جابر فلا یشکلن علیهم ولادته من رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله ووراثته العلماء عالما بعد عالم فان اشکل هذا کله علیهم فان الصوت من السماء لایشکل علیهم اذا نودی باسمه و اسم ابیه و امه. [10].

فرمانده لشکر سفیانی در زمین بیداء فرود می آید. ناگهان منادی از آسمان ندا می دهد: ای زمین بیداء! دشمنان خداوند را نابود کن. پس، زمین شکافته می شود و همه آن جمیعت را فرو می برد مگر سه نفر را که صورتهای آنها به عقب برمی گردد و اینها از طایفه کلب هستند و این آیه درباره آنها نازل شده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید! به قرآنی که فرستادیم ایمان آورید که تصدیق کننده تورات و انجیل شماست پیش از آنکه به رویتان از اثر ضلالت خط بطلان کشیم یا گونه ها را واژگون کنیم.» [11].

امام باقر عليه‌السلام می فرماید: قائم عليه‌السلام آن روز در مکه است و پشت به خانه کعبه داده در حالی که پناه به کعبه برده است. پس ندا می دهد: ای مردم! ما از خداوند طلب یاری می کنیم. پس، هر کسی از مردم که دعوت ما را اجابت کرد باید بداند که ما از اهل بیت پیامبر شماها هستیم و من از همه مردم سزاوارتر هستم نسبت به خداوند بزرگ و پیامبر او. ای مردم! هر کسی که با من محاجه کند در مورد آدم عليه‌السلام ، باید بداند که من نسبت به آدم از همه برترم و هر کسی که در ارتباط با نوح با من محاجه کند، باید بداند که من نسبت به نوح از همه مقدم ترم و هر کسی که با من محاجه کند نسبت به ابراهیم، باید بداند که من اولی از همه هستم و آن کسی که نسبت به حضرت محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله از همه برترم و هر کسی که در ارتباط با انبیاء با من محاجه کند، من اولی هستم از همه نسبت به انبیاء. آیا نمی بینی که خداوند در قرآن محکمش می فرماید: «خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و دودمان عمران را بر عالمیان برگزیده است»؟ [12].

پس، من باقیمانده از آدم و ذخیره از نوح و برگزیده ابراهیم و خلاصه ای هستم از وجود مقدس محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله . آگاه باشید، هر کسی که با کتاب خدا با من به مجادله بپردازد، من اولی از همه هستم نسبت به قرآن خداوند، و هر کسی در ارتباط با سنت رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله با من محاجه نماید، من از همه سزاوارترم نسبت به آن بزرگوار. شما را به خدا سوگند می دهم آن افرادی که امروز سخنان مرا شنیدند آن را به غایبان برسانند. از شما سؤال می کنم به حق خداوند و حق رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ، به حق من بر شما که به جهت نزدیک بودن با رسول خدا بر شما دارم (فرزند او هستم) ما را یاری کنید نسبت به آن افرادی که به ما ظلم کردند. به درستی که ستمگران ما را از وطنمان دور ساختند و حق ما را غصب کردند و ما و فرزندانمان را آواره نمودند و درباره ما ستم روا داشتند و نگذاشتند که ما از حق خودمان استفاده کنیم و اهل باطل بر ما افترا بستند. بترسید از خدا، بترسید از خدا و ما را رها نسازید بلکه یاریمان کنید تا اینکه خداوند شما را یاری فرماید.

امام باقر عليه‌السلام فرمودند: در این موقع خداوند سیصد و سیزده تن اصحاب خاص آن حضرت را مانند ابرهای پراکنده در فصل سوم از فصول چهارگانه که آن را «خریف» (پاییز) می نامند در خدمت آن حضرت حاضر می کند و این جریان (حضور اصحاب) - ای جابر! مصداق این آیه شریفه است: «هر کجا باشید خداوند همه شما را به میعادگاه خواهد آورد، به درستی که خداوند بر هر چیز تواناست». [13] پس آن سیصد و سیزده تن بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند (با مهدی آل محمد عليه‌السلام و با او عهدی است از رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله که توسط پدران بزرگوارش به دست او رسیده است. ای جابر! قائم مردی است از فرزندان امام حسین عليه‌السلام که خداوند امر قیامش را در یک شب اصلاح می کند. ای جابر! چگونه برای این مردم مشکل است باور کنند که او (قائم) فرزند رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهاست و مقام وراثت از آباء و اجدادش به او رسیده و او وراث علم همه آنهاست؟ ای جابر!

اگر پذیرفتن اینها بر مردم مشکل باشد اما صیحه آسمانی را نمی توانند نپذیرند که او (قائم آل محمد روحی له الفداء) را به اسم خودش و نام پدرش و اسم مادرش معرفی می کند (محمد فرزند حسن مادرش نرجس، دیگر نمی توانند او را رد و انکار کنند).

جابر بن یزید از حضرت باقر عليه‌السلام حدیث می کند درباره اصحاب حضرت مهدی عليه‌السلام که امام باقر عليه‌السلام فرمودند:

کانی باصحاب القائم عليه‌السلام و قد احاطوا بما بین الخافقین فلیس من شیء الا

و هو مطیع لهم حتی سباع الارض و سباع الطیر یطلب رضاهم فی کل شیء حتی تفجر الارض علی الارض و تقول مربی الیوم رجل من اصحاب القائم عليه‌السلام . [14].

گویی می بینم که یاران امام عصر عليه‌السلام جهان را محاصره کرده اند و همه موجودات مطیع و فرمانبردار آنها هستند حتی درندگان صحرا و درندگان پرنده. موجودات مختلف عالم فقط خشنودی آنها را می خواهند. حتی بعضی از نقاط زمین مباهات می کند بر بعضی دیگر و می گوید امروز یکی از یاران قائم عليه‌السلام بر روی من عبور کرد. درباره قیام جناب سید حسنی از خراسان و تشرف ایشان به خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء، امام باقر عليه‌السلام چنین فرموده است:

تنزل الرایات السود التی تخرج من خراسان الی الکوفه فاذا ظهر المهدی بمکه بعثت الیه بالبیعه. [15].

پرچمهایی که از خراسان حرکت کرده اند در سرزمین کوفه به اهتزاز در می آیند (پرچمدار و رهبر این قیام جناب سید حسنی است). وقتی حضرت مهدی عليه‌السلام در مکه ظاهر شدند افرادی را خدمت آن حضرت می فرستد و آمادگی خودش را برای بیعت با آن حضرت اعلام می دارد.

راوی می گوید از حضرت ابوجعفر عليه‌السلام در مورد حضرت قائم عليه‌السلام پرسیدم فرمودند:

انه لایکون حتی ینادی مناد من السماء یسمع اهل المشرق و المغرب حتی تسمع الفتاه فی خذرها. [16].

امر قیام آن حضرت محقق نخواهد شد مگر اینکه منادی از آسمان صدا بلند کند که تمام مردم مشرق و مغرب حتی دختران پرده نشین نیز بشنوند. ناجیه قطان از حضرت باقر عليه‌السلام نقل می کند که شنیدم که آن حضرت می فرمودند:

ان المنادی ینادی ان المهدی من آل محمد فلان ابن فلان باسمه و اسم ابیه (یعنی محمد بن الحسن العسکری عليهما‌السلام ) فینادی الشیطان ان فلانا و شیعته علی الحق یعنی رجلا من بنی امیه. [17].

منادی از آسمان ندا سر می دهد که مهدی آل محمد (فلان پسر فلان است) که نام مبارک اصلی حضرت باشد و نیز شیطان فریاد می زند و نام یکی از بنی امیه را می برد که فلانی و پیروان او بر حق هستند.

خواننده عزیز!

امتحانی است برای مردم. خوشا به حال آن کسانی که صدای اول را می شنوند و متابعت می کنند و صدای دوم را رد می کنند. امام باقر عليه‌السلام در رابطه با فتنه ها (پیش از قیام حضرت بقیه الله روحی له الفداء) چنین می فرمایند:

تکون قبل المهدی فتنه تحصر الناس حصرا فلا تسبوا اهل الشام بل ظلمتهم فان الابدال منهم و سیر سل الله سببا من السماء فیفرقهم حتی لوقاتلهم الثعالب غلبتهم ثم یبعث الله المهدی فی اثنی عشر الفا ان قلوا و خمسه عشر الفا ان کثروا و علامتهم انهم اذا هجموا صرخوا امت امت ثم یظهر فیرد الی المسلمین اءلفتهم و نعمتهم. [18].

مردم پیش از قیام مهدی ما به فتنه ای بسیار مهم و کوبنده مبتلا می شوند. به همه مردم شام ناسزا نگویید بلکه ستمگران آنها را نفرین کنید؛ زیرا از میان آنها ابدال و صلحائی بر می خیزند. خداوند از آسمان چیزی بر آنها فرو می فرستد که آنچنان وحدت آنها را درهم می کوبد که اگر با ضعیف ترین حیوانات مانند روباه جنگ کنند شکست می خورند. آنگاه خداوند مهدی ما را با لشکری بین دوازده تا پانزده هزار نفر می فرستد که در وقت حمله رمزشان «امت، امت» (بمیران، بمیران) است. سپس پیروز می شوند و الفت و یگانگی و نعمتهای مسلمین را به آنها برمی گردانند (چه فتنه ای بالاتر از هجوم اسرائیل به سرزمینهای اسلام و کشتار بیرحمانه مردم؟).

امام باقر عليه‌السلام درباره عصای حضرت موسی عليه‌السلام که سرانجام فرعون و لشکریانش را در رود نیل غرق کرد و از بین برد چنین می فرمایند:

کانت عصاء موسی لادم فصارت الی شعیب ثم صارت الی موسی بن عمران عليه‌السلام و انها لعندنا و ان عهدی بها انفا و هی خضراء کهیئتها حین انتزعت من شجرتها و انها لتنطق اذا استنطقت اعدت لقائمنا یصنع بهاما کان یصنع موسی و انها لتروع و تلقف ما یافکون و تصنع ما تؤ مربه، انها حیث اقبلت تلقف ما یافکون، یفتح لها شعبتان احداهما فی الارض و الاخری فی السقف و بینهما اربعون ذراعا، تلقف ما یافکون بلسانها. [19].

این عصا (عصای موسی) روز اول به دست حضرت آدم بود، سپس به شعیب داده شد، بعد از شعیب به حضرت موسی بن عمران عليه‌السلام اعطا شد و اکنون نزد ماست و اخیرا که آن را دیدم، درست مانند روزی که از درخت جدا شده باشد رنگش سبز و خرم بود. اگر فرمان سخن گفتن به او بدهیم حرف می زند. و این عصا برای قائم ما ذخیره شده است تا مثل موسی بن عمران در راه نشان دادن عظمت حق و نابودی دشمنان خدا از آن استفاده کند. از خصوصیات این عصا این است که دشمنان را می لرزاند و هرچه را جلوی آن بیندازند یا ببیند می بلعد و آنچه فرمانروای عالم هستی (به اذن خدا) بگوید اطاعت می کند و چون لب بگشاید فاصله بین آن از زمین تا سقف را که چهل ذراع است، می بلعد (هرچه بیندازند همه را می بلعد).

امام باقر عليه‌السلام درباره تجهیزات لشکریان امام عصر روحی له الفداء و ساعت حرکت از مکه معظمه به طرف کوفه چنین فرموده اند:

اذا خرج القائم عليه‌السلام من مکه ینادی منادیه الا لایحملن احد طعاما ولا شرابا و یحمل مه حجر موسی بن عمران عليه‌السلام و هو وقر بعیر فلا ینزل منزلا الا انفجرت منه عیون فمن کان جائعا شبع و من کان ظامئا روی و رویت دوابهم فهو زادهم حتی ینزلوا النجف من ظهر الکوفه. [20].

ساعت اول حرکت، منادی از طرف آن سرور فریاد می زند که هیچ کس حق بار کردن مواد غذایی و آب آشامیدنی را ندارد و سنگ معروفی که حضرت موسی بن عمران عليه‌السلام داشتند آن حضرت همراه خویش بر می دارند که حجم و قطر آن سنگ به اندازه بار یک شتر است. به هر منزلی که می رسند و سربازان و مرکبهای سواری آنها تشنه یا گرسنه می شوند چشمه هایی از آن سنگ خارج می شود. آنهایی که گرسنه اند از آن چشمه ها می خورند و سیر می شوند و افرادی که تشنه اند از آنها سیراب می شوند تا اینکه وارد نجف اشرف که در پشت کوفه واقع است، می شوند.

این است معنای ولایت تکوینی و تشریعی و این است آن حکومتی که تمام رژیمها را در هم می کوبد.

حضرت باقر عليه‌السلام در ارتباط با نشانه های قیام حضرت بقیه الله روحی له الفداء می فرمایند:

آیتان بین یدی هذا الامر خسوف القمر لخمس و کسوف الشمس لخمس عشره ولم یکن ذلک منذ هبط آدم عليه‌السلام الی الارض و عند ذلک یسقط حساب المنجمین. [21].

در پیشاپیش ظهور مهدی ما دو نشانه بزرگ دیده می شود:

1 - خسوف ماه در پنجم آن.

2 - کسوف خورشید در پانزدهم ماه.

از وقتی که خداوند حضرت آدم را به این دنیا فرستاده چنین واقعه ای رخ نداده است. بنابراین، دیگر اعتباری برای منجمان باقی نخواهد ماند.

محمد بن مسلم از حضرت باقر عليه‌السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

السفیانی و القائم فی سنه واحده. [22].

سفیانی و قائم ما عليه‌السلام در یک سال قیام می کنند.

مسلما سفیانی در همان سال پیش از حضرت ولی عصر عليه‌السلام خروج می کند. امام پنجم عليه‌السلام بعد از اشاره به ندای آسمانی و فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء (نزدیک مکه معظمه) چنین امر می فرمایند:

فاسعوا الیه ولو حبوا والله کانی انظر الیه بین الرکن و المقام یبایع الناس. [23].

به سوی حضرت بقیه الله بشتابید ولو از طریق خزیدن بر روی سینه باشد. به خدا سوگند، گویی می بینم بین رکن و مقام ایستاده و با مردم بیعت می کنند.

از حضرت ابی جعفر عليه‌السلام نقل می کنند که فرمودند:

اذا راءیتم نارا من المشرق شبه الهردی العظیم تطلع ثلاثه ایام او سبعه فتوقعوا فرج آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله ان شاء الله عزوجل ان الله عزیز حکیم. ثم قال عليه‌السلام الصیحه لایکون الا فی شهر رمضان لان شهر رمضان شهر الله و هی صیحه جبرئیل الی هذا الخلق. ثم قال ینادی مناد من السماء باسم القائم عليه‌السلام فیسمع من بالمشرق و من بالمغرب لایبقی راقد الا استیقظ ولا قائم الا قعد و لا قاعد الا قام علی رجلیه فزعا من ذلک الصوت فرحم الله من اعتبر بذلک الصوت فاجاب فان الصوت صوت جبرئیل الروح الامین.

و قال عليه‌السلام الصوت فی شهر رمضان فی لیله جمعه لیله ثلاث و عشرین فلا تشکوا فی ذلک و اسمعوا و اطیعوا و فی آخر النهار صوت ابلیس اللعین ینادی الا ان فلانا قتل مظلوما لیشکک الناس و یفتنهم فکم ذلک الیوم من شاک متحیر قد هوی فی النار فاذا سمعتم الصوت فی شهر رمضان فلا تشکوا فیه انه صوت جبرئیل عليه‌السلام و علامه ذلک انه ینادی باسم القائم و اسم ابیه عليهما‌السلام حتی تسمعه العذراء فی خدرها فتحرض اباها و اخاها علی الخروج.

قال عليه‌السلام لابد من هذین الصوتین قبل خروج القائم صوت من السماء و هو صوت جبرئیل باسم صاحب هذا الامر و اسم ابیه و الصوت الثانی الذی من الارض و هو صوت ابلیس اللعین ینادی باسم فلان انه قتل مظلوما یرید بذلک الفتنه فاتبعوا الصوت الاول و ایاکم والاخیر ان تفتنوا به. [24].

هرگاه دیدید که آتشی عظیم از جانب مشرق روشن شد و عمر آن سه روز یا هفت روز ادامه پیدا کرد، منتظر فرج آل محمد باشید (ظهور امام عصر روحی له الفداء)، البته اگر خداوند حکیم و مقتدر بخواهد. صیحه آسمانی حتما در ماه رمضان است، زیرا ماه رمضان ماه خداوند است

و این صیحه هم صدای جبرئیل عليه‌السلام است که از طرف خداوند برای این مردم فرستاده می شود. منادی از آسمان حضرت قائم عليه‌السلام را به اسم صدا می کند (محمد بن الحسن العسکری). پس هر کسی که در مشرق و مغرب زمین است این صدا را می شنود و به جهت ترسناک بودن این صدا، آن که در خواب است بیدار می شود و هر که ایستاده است می نشیند و آن کسی که نشسته است برمی خیزد و سرپا می ایستد. خداوند رحمت کند کسی که آن صدا را بشنود و عبرت بگیرد و عملا این صدا را جواب بگوید (اطاعت کند از حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء). برای اینکه این صدا، صدای جبرئیل روح الامین است (پیام او از سوی خداوند برای جهانیان است).

امام عليه‌السلام می فرماید: صدای آسمانی در شب بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود. برای شما تردیدی پیدا نشود، بشنوید و اطاعت کنید و در آخر روز ابلیس ملعون فریاد می زند: ای مردم! آگاه باشید که فلانی مظلوم کشته شده است. برای اینکه مردم در شک بیفتند و گرفتار امتحان بشوند. چه بسا اشخاصی که در آن روز به خاطر شنیدن این صدا سرگردان و در آتش غضب خداوند سرنگون خواهند شد. پس، وقتی که در ماه رمضان صدا را شنیدید (اینکه قائم آل محمد آمد) در آن شک نکنید و بدانید آن، صدای جبرئیل عليه‌السلام است و علامت حقانیت آن صدا این است که حضرت قائم عليه‌السلام را به نام پدرش ذکر می کند (یعنی ان شاءالله می گوید محمد بن الحسن العسکری عليهما‌السلام آمد). این صدا چنان فراگیر است که حتی دختران پرده نشین نیز آن را می شنوند و پدر و برادر خود را ترغیب می کنند که از منزل بیرون بروید (و امام عصر را یاری کنید).

امام پنجم عليه‌السلام می فرماید: دو صدا باید قبل از ظهور شنیده شود: یک صدا از آسمان که صدای جبرئیل است و صاحب این امر را به نام او و نام پدرش معرفی می کند (محمد بن الحسن العسکری عليهما‌السلام)؛ صدای دوم صدای شیطان است که به نام فلانی است و می گوید او را مظلوم کشتند و می خواهد مردم را گمراه کند. پس، از صدای اول متابعت کنید؛ اما بترسید از اینکه صدای دوم (صدای شیطان) شما را به گمراهی کشاند.

زراره می گوید از حضرت باقر عليه‌السلام پرسیدم: آیا ندای آسمانی حق است؟ فرمودند:

ای والله حتی یسمعه کل قوم بلسانهم. [25].

آری، به خدا قسم، حق است و به صورتی است که تمام مردم به زبان خودشان این ندا را می شنوند.

از امام باقر عليه‌السلام روایت شده است که فرمودند:

فذکر آیتین قبل القائم لم یکونا منذ هبط آدم عليه‌السلام ابدا و ذلک ان الشمس تنکسف فی النصف من شهر رمضان و القمر فی آخره فقال رجل یا ابن رسول الله لابل الشمس فی آخر الشهر و القمر فی النصف فقال له ابوجعفر عليه‌السلام انی لاعلم بما تقول ولکنهما آیتان لم تکونا منذ هبط آدم. [26].

در محضر امام باقر عليه‌السلام بودیم. آن سرور دو علامت پیش از قیام حضرت قائم را ذکر کرده، فرمودند: از وقتی که حضرت آدم عليهما‌السلام به این دنیا آمد این دو آیت بزرگ هرگز دیده نشده است: اول کسوف خورشید است در نیمه ماه رمضان؛ دوم خسوف ماه است در آخر همان ماه رمضان. مردی در مجلس نشسته بود، عرض کرد: ای پسر پیامبر! اینطور نیست بلکه درست برعکس است؛ یعنی کسوف در آخر ماه و خسوف در وسط ماه پدید می آید. امام باقر عليه‌السلام فرمودند: می دانم شما چه می گویید (از لحاظ برنامه های جاری همین است)، اما من می خواهم بگویم از اول تا قبل از قیام مهدی ما این کار نشده است و اختصاص به پیش از ظهور دارد.

ابی الجارود از حضرت باقر عليه‌السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

لاترون الذی تنتظرون حتی تکونوا کالمعزی المواه التی لایبالی الخابس این یضع یده منها لیس لکم شرف ترقونه ولاسناد تسندون الیه امرکم. [27].

آن چیزی را که منتظرش هستید (ظهور حضرت مهدی روحی له الفداء) نمی بینید مگر وضع شما به جایی برسد که مانند گوسفندانی شوید که گرفتار گرگهای درنده شده باشند، در حالی که چوپانی هم نداشته باشید و گرگها از هر جای بدن شما که بخواهند شروع به خوردن می کنند. از سوی دیگر، شرف و موقیعتی هم نداشته باشید که به آن تکیه کنید و نیز اسناد و مدارکی هم در اختیار شما نباشد که استناد به آنها کنید و سرانجام از خودتان دفاع نمایید. جابر از حضرت باقر عليه‌السلام روایت نموده است که آن حضرت فرمودند:

تنزل الرایات السود التی تخرج من خراسان الی الکوفه فاذا ظهر المهدی بعث الیه بالبیعه. [28].

پرچمهای سیاه از خراسان به جانب کوفه می آید (کنایه است از قیام جناب حسنی). پس، وقتی که مهدی ما عليه‌السلام ظهور کرد امر به بیعت می کند.

بعضی از علائم مانند سفیانی و خروج او از حتمیات است؛ یعنی حتما باید پیش از ظهور تحقق پیدا کند. لذا در روایت زیر از زراه بن اعین آمده است:

کنت عند ابی جعفر عليه‌السلام فجری ذکر القائم عليه‌السلام فقلت ارجوا ان یکون عاجلا و لایکون سفیانی فقا لا والله انه لمن لمحتوم الذی لابدمنه. [29].

در خدمت حضرت باقر عليه‌السلام بودیم، سخن از حضرت قائم عليه‌السلام به میان آمد. عرض کردم: امیدوارم ظهور قائم بسیار نزدیک باشد بدون اینکه نیازی به سفیانی داشته باشد. فرمودند: به خدا نه اینچنین است؛ خروج سفیانی حتما باید پیش از ظهور باشد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] ارشاد مفید، ج 3،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 347.

[2] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 358.

[3] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 360.

[4] تاریخ ما بعد الظهور،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 762.

[5] هود / 86.

[6] اثباه الهداه، ج 7 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 392.

[7] غیبت طوسی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 274.

[8] غیبت نعمانی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 279.

[9] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 279.

[10] غیبت نعمانی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 280.

[11] نساء / 47.

[12] آل عمران / 34.

[13] بقره / 148.

[14] الامامه و التبصره،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 131.

[15] الملاحم و الفتن،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 56.

[16] غیبت نعمانی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 257.

[17] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 264.

[18] روزگارهایی، ج 1 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 453.

[19] اصول کافی، ج 1،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 231.

[20] روزگارهایی، ج 1 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 458.

[21] الامام المهدی عليه‌السلام من المهد الی الظهور،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 390.

[22] اثباه الهداه، ج 7 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 426.

[23] مکیال المکارم، ج 2 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 184.

[24] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 186.

[25] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 187.

[26] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 189.

[27] مکیال المکارم، ج 2 / ص

189.

[28] بحارالانوار، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 217.

[29] بحارالانوار، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 249.

# حضرت امام صادق عليه‌السلام و نشانه های ظهور

ابی بصیر از حضرت صادق عليه‌السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

لا یخرج القائم عليه‌السلام الا فی وتر من السنین سنه احدی او ثلاث او خمس او سبع او تسع. [1].

قائم ما قیام نمی کند مگر در سالهای طاق: یک یا سه یا هفت یا نه.

محمد بن مسلم می گوید:

سمعت ابا عبد الله عليه‌السلام یقول ان قدام القائم عليه‌السلام بلوی من الله قلت و ما هو جعلت فداک فقراء «ولنبلونکم بشیی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرین». [2].

شنیدم از امام صادق عليه‌السلام که فرمودند: پیش از قیام قائم مردم دست به گریبان یک امتحان بزرگ خواهند بود. عرض کردم آن امتحان چیست؟ حضرت آیه بالا را تلاوت فرمودند: «هر آئینه امتحان می کنیم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کم شدن مال و ثروت و از بین رفتن جانها و میوه ها، و مژده بده به صبر کنندگان (به اینکه مهدی ما قیام می کند)». [3].

ابی بصیر نقل می کند که امام صادق عليه‌السلام فرمودند:

ینادی باسم القائم عليه‌السلام فی لیله ثلاث و عشرین و یقوم فی یوم عاشوراء و هو الیوم الذی قتل فیه الحسین بن علی عليهما‌السلام لکانی فی یوم السبت العاشر من المحرم قائما بین الرکن و المقام جبرئیل عليه‌السلام عن یمینه ینادی «البیعه لله» فتصیر الیه شیعته من اطراف الارض تطوی لهم طیا حتی یبایعوه فیملا الله به الارض عدلا کما ملئت جورا و ظلما. [4].

در شب بیست و سوم منادی به اسم قائم عليه‌السلام ندا می کند. و قیام آن حضرت در روز عاشورا است که حضرت امام حسین عليه‌السلام و یارانش را کشتند. گویا می بینم (قائم را) که در روز شنبه دهم محرم (عاشورا) بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل عليه‌السلام در طرف راست اوست و ندا می کند که «بیعت برای خدا». شیعیان امام عصر روح له الفداء (شیعیان خاص) از اطراف و اکناف عالم می آیند و زمین زیر پای آنها به سرعت در نوردیده می شود. آنگاه امام زمان دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.

در ارتباط با نشانه های ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء ابی بصیر از امام صادق عليه‌السلام به چند علامت اشاره می فرماید:

1 - ندای آسمانی در شب بیست و سوم است (ظاهرا بیست و سوم ماه مبارک رمضان).

2 - قیام در روز عاشورا است.

3 - جبرئیل در طرف راست آن حضرت می ایستد و فریاد می زند: «بیعت برای خدا»؛ یعنی بیعت با امام عصر بیعت کردن با خداست.

4 - شیعیان (افراد خاص) با طی الارض خدمتشان می رسند.

5 - زمین پر از عدل و داد می شود.

ابی بصیر، یکی از یاران برجسته امام صادق عليه‌السلام از آن حضرت نقل می کند که فرمودند:

اذا قام القائم عليه‌السلام هدم المسجد الحرام حتی یرده الی اساسه و حول المقام الی الموضع الذی کان فیه و قطع ایدی بنی شیبه و علفها علی باب الکعبه و کتب علیها «هؤ لاء سراق الکعبه.» [5].

# یکی از برنامه های روزهای اول امام عصر

عليه‌السلام عبارت است از:

1 - مسجدالحرام را ویران می کنند و آن را به صورت اولیه بر می گردانند.

2 - مقام حضرت ابراهیم عليه‌السلام را نیز به جای اولش برمی گردانند (جنب خانه کعبه).

3 - دست طایفه بنی شیبه را قطع می کنند و آن را بر درب کعبه می آویزند و این عبارت بر دیوار کعبه نوشته می شود: «صاحبان این دستها که از بنی شیبه هستند به کعبه معظمه خیانت نمودند» (دزدهای کعبه هستند).

ارشاد مفید می گوید:

اذا قام القائم عليه‌السلام حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور و امنت به السبل و اخرجت الارض برکاتها ورد کل حق الی اهله ولم یبق اهل دین حتی یظهروا الاسلام و یعترفوا بالایمان اما سمعت الله سبحانه یقول: «وله اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون».

وقتی قائم آل محمد عليه‌السلام قیام می کند برنامه هایش در چند اصل خلاصه می شود:

1 - حکومت آن حضرت بر اساس عدل واقعی و همه جانبه است.

2 - ظلم و ستم از سرتاسر گیتی برداشته می شود.

3 - امنیت سرتاسر راهها و جاده ها را فرا می گیرد.

4 - زمین برکات خودش را در اختیار مردم می گذارد.

5 - حقوق همه مردم به آنها پس داده می شود (از غاصبان گرفته می شود).

6 - اسلام دین همه جهانیان می شود و همه مردم به ایمان اعتراف می کنند.

آیا شنیده ای که خداوند می فرماید: «آنچه در آسمانها و کرات بی شمار و در زمین است (از وجود مقدس امام عصر عليه‌السلام ) چه بخواهند و چه نخواهند باید اطاعت کنند»؟ [6].

ابوخدیجه از امام صادق عليه‌السلام روایت می کند که فرمودند:

اذا قام عليه‌السلام جاء بامر جدید کما دعی رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله فی بدوا الاسلام الی امر جدید. [7].

هر زمان که قائم ما عليه‌السلام قیام کند امر تازه ای (قانون جدیدی) می آورند، چنانکه رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله در ابتدای اسلام چنین بودند (قرآن را آوردند).

خواننده عزیز!

معلوم می شود پیش از ظهور، احکام خداوند تغییر می کند؛ یعنی حلال، حرام و حرام، حلال می شود کما اینکه الان در دنیای اسلام شده است.

مفضل بن عمر از امام صادق عليه‌السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

یخرج مع القائم عليه‌السلام من ظهر الکوفه سبعه و عشرون رجلا خمسه عشر من قوم موسی عليه‌السلام الذین کانوا یهدون بالحق و به یعدلون و سبعه من اهل الکهف و یوشع بن نون، و سلمان، و ابودجانه الانصاری، والمقداد و مالک الاشتر فیکونون بین یدیه انصارا و حکاما. [8]

در پشت کوفه (سهله) قائم ما بیرون می آید در حالی که بیست و هفت نفر مرد در خدمت او هستند: پانزده نفر از اقوام موسی که به حق گرویدند و بحق عدالت ورزیدند و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر. پس این بیست و هفت تن در خدمت امام زمان عليه‌السلام هستند و از یاران و فرمانروایان دولت آن بزرگوارند.

عبدالله بن عجلان از امام صادق عليه‌السلام روایت می کند که فرمودند:

اذا قام قائم آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله وسلم حکم بین الناس بحکم داود عليه‌السلام لایحتاج الی بینه یلهمه الله تعالی فیحکم

بعلمه و یخبر کل قوم بما استبطنوه و یعرف ولیه من عدوه بالتوسم. قال الله سبحانه و تعالی: «ان فی ذلک لایات للمتوسمین و انها لبسبیل مقیم». [9].

قائم ما وقتی قیام می کند، بین مردم همانند حضرت داوود عليه‌السلام حکم کند. احتیاج به شاهد و دلیل ندارد، خداوند احکام واقعی را به او الهام می کند. پس، به علم واقعی حکم می کند و از هرچه که مردم در دلهای خود پنهان کرده اند، آن حضرت خبر می دهد، دوستانش را از دشمنانش جدا می کند و می شناسد با فراست و هوشمندی که خداوند در دیدگان مقدسش قرار داده است. خداوند می فرماید: «به راستی در این، نشانه هایی است برای هوشمندان، آنان که در راه راست پایدارند.» [10].

از امام صادق عليه‌السلام ده صفت و نشانه برای امام بیان شده است:

العصمه و النصوص و ان یکون اعلم الناس و اتقاهم لله و اعلمهم بکتاب الله و ان یکون صاحب الوصیه الظاهره و یکون له المعجزه و الدلیل و تنام عینه و لاینام قلبه و لایکون له فی ء ویری من خلفه کما یری من بین یدیه. [11].

1 - عصمت از گناه و خلاف اخلاق و دور از حق.

2 - نص بر امامت او از طرف خداوند و پیامبر و امام قبل از او.

3 - باید از همه مردم داناتر باشد.

4 - از نظر تقوا و پرهیزکاری باید بر همه برتری داشته باشد.

5 - به قرآن خداوند و احکام او از همه اعلم باشد (علوم و معارف بیکران قرآن در نزد او باشد).

6 - از طرف امام قبل از او به عنوان وصی از لحاظ ظاهر هم معرفی شده باشد.

7 - دارای معجزه باشد (کارهای خارج از عادت انجام دهد و در مقابل دشمن متکی به دلیل باشد).

8 - چشمش به خواب برود اما قلبش بیدار باشد.

9 - بدن مقدسش هیچگاه سایه ندارد.

10 - همان گونه که از پیش رو همه چیز را می بیند از پشت سر نیز ببیند (هیچ عاملی نمی تواند بین او و عالم هستی و موجوداتش مانع گردد).

زراره از امام صادق عليه‌السلام روایت می کند که:

ینادی مناد باسم القائم عليه‌السلام قلت خاص او عالم قال عام یسمع کل قوم بلسانهم قلت فمن یخالف القائم عليه‌السلام و قد نودی باسمه قال لایدعهم ابلیس حتی ینادی فی آخر اللیل فیشکک الناس. [12].

منادی آن حضرت را به نام اصلی از آسمان صدا می کند. زراره می گوید عرض کردم: آیا همه مردم این صدا را می شنوند یا یک دسته خاص؟ فرمودند: همه مردم به زبان خودشان می شنوند. عرض کردم: پس چه کسی با توجه به اینکه به اسم حضرتش ندا داده شده است با ایشان مخالفت می کند؟ فرمود: شیطان هم ندایی سر می دهد که مردم پس از شنیدن آن تردید و تزلزل پیدا می کنند و از شر شیطان در امان نیستند و این موجب شک و تردید مردم می شود. (آری، مکتب آزمایش است. خداوند همه ما را در این آزمایش پیروز فرماید، آمین.)

ابن مغیره از امام صادق عليه‌السلام روایت می کند که فرمودند:

الصیحه التی فی شهر رمضان تکون لیله الجمعه لثلاث و عشرین مضین من شهر رمضان. [13].

صیحه آسمانی که در ماه رمضان واقع می شود حتما در شب جمعه، بیست و سوم آن ماه خواهد بود.

از میمون بان نقل شده است که در خیمه اختصاصی حضرت صادق عليه‌السلام در خدمت آن سرور بودیم. دامن خیمه را بالا زد و فرمود:

ان امرنا لو قد کان لکان ابین من هذه الشمس ثم قال ینادی مناد من السماء ان فلان بن فلان هو الامام باسمه و ینادی ابلیس من الارض کما نادی برسول الله لیله العقبه. [14] ع

امر ما (ولایت و امامت) از این آفتاب روشن تر است و منادی از آسمان قائم ما را به نام خودش و پدرش معرفی می کند و شیطان در همان روز فریاد خود را بلند می کند، مانند شب عقبه که صدا بلند کرد (در آن شبی که رسول الله از جنگ تبوک مراجعت می فرمودند و از گردنه گذشتند، شیطان فریادش بلند شد). در روز قیام جهانی حضرت صاحب الامر عليه‌السلام شیطان برای گمراه کردن مردم فریادش بلند می شود.

خواننده عزیز!

از خداوند بخواهیم که همه ما را در آن روز پرخطر از پیروان صدای اول قرار بدهد (پیروان حضرت مهدی نه ارتباع شیطان).

از امام صادق روایت شده است که فرمود:

لیس بین قیام القائم عليه‌السلام و بین قتل النفس الزکیه الا خمس عشره لیله. [15].

بین قیام حضرت قائم عليه‌السلام و شهادت نفس زکیه [16] بیش از پانزده شب نخواهد بود.

امام صادق عليه‌السلام می فرماید:

لاتمضی الایام و اللیالی حتی ینادی من السماء یا اهل الحق اعتزلوا یا اهل الباطل اعتزلوا فیعزل هؤ لاء من هؤلاء قال قلت اصلحک الله یخالط هؤ لاء و هؤ لاء بعد ذلک النداء قال کلا انه یقول فی الکتاب «ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب». [17].

روزها و شبها تمام نمی شود تا اینکه ندا کننده ای از آسمان فریاد بزند: ای اهل حق! (صاحبان تقوا) کنار بروید، ای پیروان باطل! شما نیز از اهل حق جدا شوید. پس، این دو دسته از یکدیگر جدا می شوند. راوی می گوید عرض کردم: خداوند امر شما را اصلاح فرماید، بعد از این ندا آیا این دو دسته (حق و باطل) با یکدیگر مخلوط خواهند شد؟ فرمودند: هرگز مخلوط نشوند. مگر نه اینکه خداوند در قرآنش می فرماید: «خداوند اهل ایمان را با مشرکان و بندگان دنیا مخلوط نخواهد گذاشت. آری، پاکان حتما باید از ناپاک ها جدا بشوند» [18].؟

حمران که یکی از اصحاب امام صادق عليه‌السلام است از آن حضرت نقل می کند که فرمودند: و ذکر هؤ لاء عنده و سوء حال الشیعه عندهم فقال انی سرت مع ابی جعفر (المنصور) و هو فی موکبه و هو علی فرس و بین یدیه خیل و من خلفه خیل و انا علی حمار الی جانبه فقال لی یا با عبدالله قد کان ینبغی لک ان تفرح بما اعطانا الله من القوه و فتح لنا من العزه و لاتخبر الناس انک احق بهذا الامر منا و اهل بیتک فتغرینا بک و بهم قال فقلت و من رفع هذا الیک عنی فقد کذب فقال اتحلف علی ما تقول قال فقلت ان الناس سحره یعنی یجبون ان یفسدوا قلبک علی فلا تمکنهم من سمعک فانا الیک احوج منک الینا فقال لی تذکر یوم ساءلتک «هل لنا ملک» فقلت «نعم طویل عریض شدید فلا تزالون فی مهله من امرکم و فسحه من دنیاکم حتی تصیبوا منا دما حراما فی شهر حرام فی بلد حرام؟» فعرفت انه حفظ الحدیث فقلت لعل الله عزوجل ان یکفیک فانی لم اخصک بهذا انما هو حدیث رویته ثم لعل غیرک من اهل بیتک ان یتولی ذلک فسکت عنی فلما رجعت الی منزلی اتانی بعض موالینا فقال جعلت فداک و الله لقد راءیتک فی موکب ابی جعفر و انت علی حمار و هو علی فرس و قد اشرف علیک یکلمک کانک تحته فقلت بینی و بین نفسی هذا حجه الله علی الخلق و صاحب هذا الامر الذی یقتدی به و هذا الاخر یعمل بالجور و یقتل اولاد الانبیاء و یسفک الدماء فی الارض بما لایحب الله و هو فی موکبه و انت علی حمار فدخلنی من ذلک شک حتی خفت علی دینی و نفسی قال فقلت لوراءیت من کان حولی و بین یدی و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی من الملائکه لاحتقرته و احتقرت ما هو فیه فقال الان سکن قلبی ثم قال الی متی هؤ لاء یملکون؟ اومتی الراحه منهم؟ فقلت الیس تعلم ان لکل شیء مده قال بلی فقلت هل ینفعک علمک ان هذا الامر اذا جاء کان اسرع من طرفه العین انک لو تعلم ما لهم عندالله عزوجل و کیف هی کنت لهم اشد بعضا ولو جهدت وجهد اهل الارض ان یدخلهم فی اشد ما هم فیه من الاثم لم یقدروا فلا یستفزنک الشیطان فان العزه لله و لرسوله و للمؤ منین ولکن المنافقین لا یعلمون الا تعلم ان من انتظر اءمرنا و صبر علی ما یری من الاذی و الخوف هو غدا فی زمرتنا فاذا راءیت الحق قد مات و ذهب اهله و راءیت الجور قد شمل البلاد و راءیت القرآن قد خلق و احدث فیه ما لیس فیه و وجه علی الاهواء و راءیت الدین قد انکفاء کما ینکفی الاناء و راءیت اهل الباطل قد استعلوا علی اهل الحق و راءیت الشر ظاهرا لاینهی عنه و یعذر اصحابه و راءیت الفسق قد ظهر و اکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و راءیت المؤ من صامتا لایقبل قوله و راءیت الفاسق یکذب و لا یرد علیه کذبه و فریته و راءیت الصغیر یستحقر بالکبیر و راءیت الارحام قد و راءیت من یمتدح بالفسق یضحک منه و لا یرد علیه قوله و راءیت الغلام یعطی ما تعطی المرئه و راءیت النساء یتزوجن النساء و راءیت الثناء قد کثر و راءیت الرجل ینفق المال فی غیر طاعه الله فلا ینهی و لا یؤ خذ علی یدیه و راءیت الناظر یتعوذ بالله مما یری المؤ من فیه من الاجتهاد و راءیت الجار یؤ ذی جاره و لیس له مانع و راءیت الکافر فرحا لما یری فی المؤ من مرحا لما یری فی الارض من الفساد و راءیت الخمور تشرب علانیه و یجتمع علیها من لایخاف الله عزوجل و راءیت الامر با المعروف ذلیلا و راءیت الفاسق فیما لا یحب الله قویا محمودا و راءیت اصحاب الایات یحقرون و یحتقر من یحبهم و راءیت سبیل الخیر منقطعا و سبیل الشر مسلوکا و راءیت بیت الله قد عطل و یؤ مر بترکه و راءیت الرجل یقول ما لایفعله و راءیت الرجال یتسمنون للرجال و النساء للنساء و راءیت الرجل معیشته من دبره و معیشه المراءه من فرجها و راءیت النساء یتخذون المجالس کما یتخذها الرجال و راءیت التاءنیث فی ولد العباس قد ظهر و اظهروا الخضاب و امتشطوا کما تمتشط المراه لزوجها و اعطوا الرجال الاموال علی فروجهم و تنوفس فی الرجل و تغایر علیه الرجال و کان صاحب المال اعز من المؤ من و کان الربا ظاهرا لایعیر و کان الزنا تمتدح به النساء و راءیت المراه تصانع زوجها علی نکاح الرجال و راءیت اکثر الناس و خیر بیت من یساعد النساء علی فسقهن و راءیت المؤ من محزونا ذلیلا محتقرا و راءیت البدع و الزنا قد ظهر و راءیت الناس یعتدون بشاهد الزور و راءیت الحرام یحلل و راءیت الحلال یحرم و راءیت الدین بالراءی و عطل الکتاب و احکامه و راءیت اللیل لایستخفی به من الجراءه علی الله و راءیت المؤ من لایتطیع ان ینکر الا بقلبه و راءیت العظیم من المال ینفق فی سخط الله عزوجل و راءیت الولاه یقربون اهل الکفر و یباعدون اهل الخیر و راءیت الولاه یرتشون فی الحکم و راءیت الولایه قباله لمن زاد و راءیت ذوات الارحام ینکحن و یکتفی بهن و راءیت الرجل یقتل علی (التهمه و علی) الظنه و یتغایر علی الرجل الذکر فیبذل له نفسه و ماله و راءیت الرجل یعیر علی اتیان النساء و راءیت المراءه تقهر زوجها و تعمل ما لا یشتهی و تنفق علی زوجها و راءیت الرجل یکری امراته و جاریته و یرضی بالذنی من الطعام و الشرب و راءیت الایمان بالله عزوجل کثیره علی الزور و راءیت القمار قد ظهر و راءیت الشرب تباع ظاهرا لیس علیه مانع و راءیت النساء یبذلن انفسهن لاهل الکفر و راءیت الملاهی قد ظهرت یمربها لایمنعها احد و لایجتری احد علی منعها و راءیت الشریف یستذله الذی یخاف سلطانه و راءیت اقرب الناس من الولاه من یمتدح بشتمنا اهل البیت و راءیت من یحبنا یزور و لایقبل شهادته و راءیت الزور من القول ینافس فیه راءیت القرآن قد ثقل علی الناس استماعه و خف علی الناس استماع الباطل و راءیت الجار یکرم الجار خوفا من لسانه و راءیت الحدود قد عطلت و عمل فیها بالاهواء و راءیت المساجد قد زخرفت و راءیت اصدق الناس عند الناس المفتری الکذب و راءیت الشر قد ظهر والسی بالنمیمه و راءیت البغی قد فشا و راءیت الغیبه تستملح و یبشربها الناس بعضهم بعضا و راءیت طلب الحج و الجهاد لغیر الله و راءیت السلطان یذل للکافر المؤ من و راءیت الخراب قد ادیل من العمران و راءیت الرجل معیشته من بخس المکیال و المیزان و راءیت سفک الدماء یستخف بها و راءیت الرجل یطلب الرئاسه لعرض الدنیا و یشهر نفسه بخبث اللسان لیتقی و تسند الیه الامور و راءیت الصلوه قد استخف بها و راءیت الرجل عنده المال الکثیر لم یزکه منذ ملکه و راءیت المیت ینشر من قبره و یؤ ذی و تباع اکفانه و راءیت الهرج قد کثر و راءیت الرجل یمسی نشوان و یصبح سکران لایهتم بما یقول الناس فیه و راءیت البهائم تنکح و راءیت البهائم تفرس بعضها بعضا و راءیت الرجل یخرج الی مصلاه و یرجع و لیس علیه شیء من ثیابه و راءیت قلوب الناس قد قست و جمدت اعینهم و ثقل الذکر علیهم و راءیت السحت قد ظهر ینافس فیه و راءیت المصلی انما یصلی لیراه الناس و راءیت الفقیه یتفقه لغیر الدین یطلب الدنیا و الرئاسه و راءیت الناس مع من غلب و راءیت طالب الحلال یذم و یعیر و طالب الحرام یمدح و یعظم و راءیت الحرمین من یعمل فیهما بما لا یحب الله لا یمنعهم مانع و لا یحول بینهم و بین العمل القبیح احد و راءیت المعازف ظاهره فی الحرمین و راءیت الرجل یتکلم بشیء من الحق و یاءمر بالمعروف و ینهی عن المنکر فیقوم الیه من ینصحه فی نفسه فیقول هذا عنک موضوع و راءیت الناس ینظر بعضهم الی بعض و یقتدون باهل الشرور و راءیت مسلک الخیر و طریقه خالیا لایسلکه احد و راءیت المیت یهزبه فلا یقزع له احد و راءیت کل عام یحدث فیه من البدعه و الشر اکثر مما کان و راءیت الخلق و المجالس لایتابعون الا الاغنیاء و راءیت المحتاج یعطی علی الضحک به ویرحم لغیر وجه الله و راءیت الایات فی السماء لایفزع لها احد و راءیت الناس یتسافدون کم تسافد البهائم لاینکر احد منکرا تخوفا من الناس راءیت الرجل ینفق الکثیر فی غیر طاعه الله و یمنع الیسیر فی طاعه الله و راءیت العقوق قد ظهر و استخف بالوالدین و کانا من اسوء الناس حالا عند الولد و یفرح بان یفتری علیهما و راءیت النساء قد غلبن علی الملک و غلبن کل امر لایؤ تی الا ما لهن فیه هوی و راءیت ابن الرجل یفتری علی ابیه و یدعو علی والدیه و یفرح بموتهما و راءیت الرجل اذا مربه یوم ولم یکسب فیه الذنب العظیم من فجور او بخس مکیال او میزان او غشیان حرام او شرب مسکر کئیبا حزینا یحسب ان ذلک الیوم علیه وضیعه من عمره و راءیت السلطان یحتکر الطعام و راءیت اموال ذوی القربی تقسم فی الزور و یتقامربها و یشرب بها الخمور و راءیت الخمر یتدوای بها و توصف للمریض و یستشفی بها و راءیت الناس قد استووا فی ترک الامر با المعروف و النهی عن المنکر و ترک التدین به وراءیت ریاح المنافقین و اهل النفاق دائمه و ریاح اهل الحق لاتحرک و راءیت الاذان بالاجر و الصلاه بالاجر و راءیت المساجد محتشیه ممن لایخاف الله مجتمعون فیها للغربیه و اکل لحوم اهل الحق و یتواصفون فیها شراب المسکر و راءیت السکران یصلی بالناس فهو لایعقل و لایشان بالسکر و اذا سکر اکرم واتقی و خیف و ترک لایعاقب و یعذر بسکره و راءیت من اکل اموال الیتامی یحدث بصلاحه و راءیت القضاه یقضون بخلاف ما امر الله و راءیت الولاه یاءتمنون الخونه للطمع و راءیت المیراث قد وضعته الولاه لاهل الفسوق و الجراءه علی الله یاءخذون منهم و یخلونهم و ما یشتهون و راءیت المنابر یؤ مر علیها بالتقوی و لایعمل القائل بما یاءمر و راءیت الصلاه قد استخف باوقاتها و راءیت الصدقه بالشفاعه لایردابها وجه الله و تعطی لطلب الناس و راءیت الناس همهم بطونهم و فروجهم لایبالون بما اکلوا و بما نکحوا و راءیت الدنیا مقبله علیهم و راءیت اعلام الحق قد درست فکن علی حذر و اطلبت من الله عزوجل النجاه و اعلم الناس فی سخط الله عزوجل (و انما یمهلهم لامر یردابهم فکن مترقبا و اجتهد لیراک الله عزوجل) فی خلاف ما هم علیه فان نزل بهم العذاب و کنت فیهم عجلت الی رحمه الله و ان اخرت ابتلوا و کنت قد خرجت مما هم فیه عجلت الی رحمه الله و ان اخرت ابتلوا و کنت قد خرجت مما هم فیه من الجراءه علی الله عزوجل و اعلم ان الله لا یضیع اجر المحسنین و ان رحمه الله قریب ما المحسنین. [19].

در خدمت آن بزرگوار سخن از موفقیت بنی عباس (در امر دنیا) و گرفتاری شیعیان به میان آمد، آن حضرت فرمودند: روزی همراه منصور (خلیفه عباسی) بودم در حالی که او سوار بر اسب بود و از طرفین راست و چپ او لشکریان فراوانی در حرکت بودند و من کنار وی سوار بر الاغی حرکت می کردم. منصور در عین حالی که به شوکت خود مغرور بود به من گفت: یا ابا عبدالله! سزاوار است که شما از قدرت و عزتی که خداوند به ما داده است خوشحال باشید و به مردم نگویید که شما اهل بیت احق و اولی هستید از ما در مورد خلافت، تا ما نسبت به شما و دوستانتان بدبین بشویم. من به منصور گفتم: آن کسی که این سخن از زبان من به شما گفته است دروغ می گوید. منصور به من گفت: آیا سوگند می خوری که این حرف را نزده ای؟ به او گفتم: مردم دوست می دارند که فساد کنند و قلب شما را از ما پر از کینه سازند؛ به آنها گوش مسپارید. نیاز ما به شما بیش از احتیاج شما به ما است. [20] پس منصور به من گفت: به خاطر دارید یک روز از شما سؤال کردم که آیا ما (بنی عباس) به حکومت می رسیم؟ شما گفتید آری، حکومتی بس طولانی و پیوسته؛ شما همواره در وسعت از نظر دنیا و حکومت بر آن هستید تا اینکه دست شما به ریختن خون ما آن هم در ماه حرام آلوده بشود؛ در آن هنگام خداوند خشم می گیرد و سلطنت شما را نابود می کند. متوجه شدم حدیثی را که قبلا به او گفته بودم حفظ کرده است؛ لذا به او گفتم: شاید خداوند تو را از این بلا حفظ کند و من نگفتم که تو خون ما را می ریزی؛ شاید کسی از خویشانت این کار را بکند. پس ساکت شد. وقتی به منزلم برگشتم یکی از دوستان ما به دیدن من آمد و گفت: قربانت گردم، دیدم همراه منصور سوار بر الاغی هستید و او سوار بر اسب است و طوری با شما صحبت می کرد که گویی برتر از شماست. پیش خودم گفتم این آقا حجت خداوند است و صاحب این امر و این دستگاه و حال آنکه منصور دشمن خداوند است و فرزندان انبیاء را می کشد و خون آنها را می ریزد و برخلاف رضای خداوند عمل می کند و سوار بر مرکب قدرت است و حال آنکه شما سوار بر الاغی هستید. شکی در دلم پیدا شد که چرا باید این طور باشد و ترسیدم که دینم از دستم برود. به آن دوست گفتم: اگر تو می دیدی که در طرف راست و چپ و جلوی رو و پشت سر من افواجی از ملائکه در حرکت هستند هر آینه سطوت و شوکت منصور در نظرت ناچیز می آمد.

آن مردی شیعی به من امام صادق عليه‌السلام گفت: اکنون دلم آرام گرفت. آنگاه گفت: یا ابن رسول الله! این حکومت باطل تا کی در دنیا خواهد بود و کی ما از دست این جباران راحت می شویم؟ به او گفتم: آیا نمی دانی که برای هر دولتی مدتی خواهد بود؟ گفت: چرا، می دانم. گفتم: آیا می دانی که این امر (حکومت ما) وقتی بخواهد بیاید زودتر از یک چشم به هم زدن خواهد آمد؟ به آن دوست گفتم: تو اگر آنچه را که خداوند بزرگ برای آنان مهیا کرده است می دانستی (کنایه از عذاب هایی که خداوند برای آنها مقرر فرموده است) تعجب نمی کردی. تو و همه مردم اگر بکوشید و تمام قدرتها را روی هم انباشته کنید نمی توانید مانند آن عذابی که خداوند برای آنها خلق فرموده است آماده کنید. مراقب باش شیطان تو را فریب ندهد، زیرا عزت مخصوص خداوند و پیامبران و ایمان آورندگان است (مقصود از مؤمنان در این عبارت، ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین هستند) که البته منافقان این حقیقت را درک نمی کنند. آیا نمی دانی کسی که منتظر امر ما باشد (حکومت ما) و در مقابل اذیتها و ترسها صبر کند، فردا در عالم آخرت با ما نخواهد بود؟

(در اینجا امام عليه‌السلام نشانه های ظهور را بیان می فرماید:)

هرگاه دیدی که حق و طرفداران آن از بین رفتند و دیدی که جهان پر از جور و ستم شد و دیدی که چیزهایی که در قرآن نیست به آن نسبت می دهند و چیزهایی به نام قرآن بیان می کنند که در آن نیست و بر طبق هوی و هوس خود توجیه می کنند و دیدی که دین موقعیت خود را از دست داده و دچار انقلاب شده است و دیدی که طرفداران باطل بر پیروان حق برتری یافته اند و دیدی که شر ظاهر شده است و کسی را از آن نهی نمی کنند و مجریان شر را معذور می دارند و دیدی که فسق (فساد اخلاقی) در اجتماعات رواج یافته است و دیدی که مردها به مردها اکتفا می کنند (اشاره به عمل شنیع لواط) و زنها به زنها (اشاره به مساحقه) و دیدی که افراد با ایمان خاموش نشسته اند و اگر حرف بزنند سخن آنها را رد می کنند و دیدی که دروغگو با شناختی که از او دارند در عین حال دروغش را رد نمی کنند و دیدی که افراد کوچک به بزرگترها احترام نمی گذارند و دیدی که مردم قطع رحم می کنند و با افرادی که به گناهان مباهات می ورزند با خنده برخورد می شود و حرف بد آنان را به ایشان برنمی گردانند و دیدی که پسر بچه ها مانند زنان خود فروشی می کنند و دیدی که عده ای از زنها با زنان ازدواج می کنند و دیدی که تعریف بیجا زیاد می شود و دیدی که مرد اموال خودش را در راه غیر مشروع به مصرف می رساند (قمار، شراب، ربا و...) و کسی او را نهی نمی کند و دیدی که مردم از مشاهده کارهای اهل ایمان به خدا پناه می برند و دیدی همسایه، همسایه خود را اذیت می کند و احدی او را باز نمی دارد (نگارنده سالهای این ابتلاء را داشتم) و دیدی که کفار از رنجی که اهل ایمان به خاطر شیوع فساد در زمین می برند خوشحال هستند و دیدی که علنا شرب خمر می شود و افرادی که از خداوند نمی ترسند مجلس شراب را گرم می کنند و دیدی کسی که امر به معروف می کند (امر به کارهای خوب و مفید) در بین مردم ذلیل و طرفداران فساد اخلاق در جامعه برومند و محترم هستند و دیدی که صاحب آیات (یعنی طرفداران و خوانندگان آیات قرآن و هر کسی که آنها را دوست بدارد) کوچک شمرده می شوند و دیدی که راه خیر منقطع و مسدود و راه بدیها و شرها باز و محل رفت و آمد مردم است و دیدی که زیارت خانه کعبه معطل و متروک مانده است (به خاطر مشکلاتی که در این راه به وجود آمده است) و دیدی که افراد به آنچه می گویند عمل نمی کنند و دیدی که مردها و زنها و دواها و اغذیه ای استعمال می کنند تا برای اعمال قبیحه فربه شوند و دیدی که مردها از راه خود فروشی (لواط) و زنها از راه زنا زندگی خود را تأمین می کنند [21] و دیدی که زنان برای خود مجلس و کنفراس تشکیل می دهند چنانکه مردها دارای مجالس و محافل سیاسی هستند و در سیاست اجتماعی دخالت می کنند و دیدی که از فرزندان عباس افرادی خود را مانند زنان می آرایند و اموال خود را در این راه صرف می کنند برای پیاده کردن برنامه های جنسی اعم از مرد یا زن، در این دوره از زمان صاحب مال در میان مردم از صاحب ایمان عزیزتر است و آشکارا رباخواری می شود و کسی سرزنش نمی کند و دیدی که زنان به عمل بد زنا ستوده می شوند و دیدی که زنان به شوهران خود رشوه می دهند تا بتوانند با مردان دیگر رابطه داشته باشند و دیدی که اکثر مردم و بهترین خانه ها آن خانه ای است که زنان را در فسق و گناهانشان کمک کنند و دیدی که مؤمن در اجتماع خوار و ذلیل زندگی می کند و دیدی که بدعت و زنا شیوع یافته است و دیدی که مردم به وسیله شهادت ناحق به یکدیگر تعدی می کنند و دیدی که مردم فعل حرام را حلال و حلال را حرام می شمارند (تغییر احکام) و دیدی که مردم دین را با رأی خودشان تطبیق می دهند و قرآن و احکام آن معطل مانده است و دیدی که برای انجام کارهای بد مردم انتظار شب را نمی کشند بلکه در روز انجام می دهند و دیدی که اهل ایمان در مقابل منکرات جز با قلبشان، توان انکار ندارند و دیدی که بخش عظیمی از مال صرف در غضب خدا می شود (مانند پولهای کلانی که خرج خرید اسلحه می شود و افراد مسلمان و غیر مسلمان را آتش می زنند و نابود می کنند) و دیدی که فرمانروایان به دشمنان خدا و کفار تقرب می یابند (مانند فرستادن هیأتهای به اصطلاح حسن نیت، بستن قراردادهای مختلف، دیدارهای سیاسی از کشورهای غیر مسلمان) و دیدی که زمامداران از اهل خیر دوری می جویند و دیدی که فرمانروایان در حکم دادن رشوه می گیرند و دیدی که به دست آوردن حکومت با پول انجام می شود و دیدی که با محارم خود ازدواج می کنند و به آنها اکتفا می کنند و دیدی که به مجرد تهمت و سوءظن افراد را می کشند (بدون تحقیق و بررسی) و ناگهان هجوم می آورند و مال و جان او را تصاحب می کنند (ممکن است در راه طغیان شهوت باشد که زنان هر جایی همه چیز مردها را می برند یا به وسیله حکام جور اموال مردم مصادره می شود و جانشان هم به مخاطره می افتد) یا اینکه در راه رسیدن به پسر بچه ها برای کار زشت از مال و جان می گذرند و دیدی که مردها را به خاطر تماس و آمیزش با زنان سرزنش می کنند و دیدی که بعضی از مردها از درآمد زنان خود در ارتباط با بی بند و باری و فجور امرار معاش می کنند در حالی که می دانند زن آنها فاسد است و به این وضع تن می دهند.

و دیدی که زنان بر مردان غالب می شوند و برخلاف رضای شوهر عمل می کنند و مردشان را از نظر زندگی اداره می کنند و دیدی که بعضی از مردها زنان و کنیزان خود را در اختیار اشخاص قرار می دهند و در مقابل به مختصری از خوراکیها و آشامیدنیها قناعت می ورزند و دیدی که ایمان به خداوند بزرگ (اظهار ایمان) با زور و جبر انجام می شود (یا از طرف اولیاء یا زمامداران) و دیدی که مردم علنا قمار می کنند و دیدی که علنا شراب خرید و فروش می شود و هیچ مانعی هم بر سر راه آن نیست و دیدی که زنان مسلمان خودشان را در اختیار کفار قرار می دهند و دیدی که گناهان در اجتماع آشکار می شود و مردم آنها را می بینند و کسی هم منع نمی کند و جراءت بر منع آنها در مردم نیست و دیدی که افراد با شخصیت ذلیل صاحبان قدرت می شوند و دیدی که نزدیکترین افراد به زمامداران آنهایی هستند که نسبت به ما اهل بیت بدگویی می کنند (یا به زبان و یا در عمل) و دیدی افرادی که نسبت به ما اظهار محبت می کنند مورد احترام نیستند و حرف آنها را نمی پذیرند و دیدی که مردم در گفتار خلاف حق با هم رقابت می کنند و دیدی که شنیدن آیات کریمه قرآن برای مردم سنگین اما شنیدن ساز و آواز آسان و شیرین است و دیدی که به خاطر زبان بد همسایه، همسایه دیگر او را اکرام می کند و دیدی که حدود الهی معطل مانده است و مردم آنها را طبق هوای نفسشان پیاده می کنند و دیدی که مساجد زینت داده می شود (از نظر ساختمان و رنگ آمیزی) و دیدی که راستگوترین مردم دروغگوترین افراد است (از نظر واقع) و دیدی که شر و سخن چینی در میان مردم ظاهر گشته است و دیدی که ستمگری در میان مردم شیوع یافته است و دیدی که غیبت کردن را سخنی خوشمزه و دلچسب می دانند و یکدیگر را به غیبت کردن بشارت می دهند و دیدی حج خانه خدا و جهاد را برای غیر رضای خدا انجام می دهند و دیدی که پادشاهان به خاطر دلجویی از کفار اهل ایمان را ذلیل می کنند و دیدی که خرابی بر عمران و آبادانی فزونی یافته است (اثر شوم جنگها) و دیدی که مردم روزی خود را با کم فروشی به دست می آورند و دیدی که خونریزی در جامعه سبک شمرده می شود و دیدی که مرد به خاطر رسیدن به ریاست دنیا بدزبانی می کند و خود را به بد زبانی مشهور می سازد تا مردم از او بترسند و دیدی که مردم نماز را سبک می شمارند (هر وقت که شد یا آخر وقت می خوانند) و دیدی کسی که دارای اموال فراوان است از اول زکات آن را نداده است و دیدی که نبش قبر می کنند و کفن مردگان را می فروشند و دیدی که هرج و مرج زیاد می شود (امنیت از مردم گرفته می شود) و دیدی که مردم شبانه سر سفره شراب می نشینند و صبح مست بر می خیزند و به فکر مردم نیستند و دیدی که با حیوانات معامله جنسی انجام می دهند (با آنها آمیزش می کنند) و دیدی که حیوانات بعضی، بعضی دیگر را می درند و دیدی که مردی برای نماز می رود و در برگشتن لباس ندارد (لباس او را می برند) و دیدی که قلبهای مردم سخت شده است و اشکشان جاری نمی شود (و یاد خدا بر آنها گران می آید) و دیدی که مردم در خوردن مال حرام با یکدیگر رقابت می کنند و دیدی که نمازگزار برای خوش آیند و خودنمایی به مردم نماز می خواند و دیدی که فقیه احکام دین را برای رسیدن به دنیا می آموزد (نه خدا) و دیدی که مردم طرفدار آن کسی هستند که قدرت در دست اوست و دیدی که طالب مال حلال را سرزنش و دوستدار حرام را تمجید و تکریم می کنند و دیدی در حرمین (مکه و مدینه) کارهای خلاف انجام می دهند و کسی جلوی آنها را نمی گیرد و دیدن آلات لهو و لعب را در حرمین به طور آشکار (مانند ساز و آواز، قمار و انواع گناهان دیگر) و دیدی به کسانی که حق را می گویند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، به عنوان نصیحت گفته می شود این موضوع به شما مربوط نیست و بهتر است دست بردارید و دیدی که مردم با هماهنگی یکدیگر به مردم بد اقتدا می کنند (یا پیروی) و دیدی که راه خیر و سعادت خالی مانده است و کسی بدان راه نمی رود و دیدی که مردگان را به مسخره می گیرند و زندگی ابدی ندارند (از خدا) و دیدی که هر سال بدعتها و فتنه های تازه به وجود می آید که بدتر از سال قبل است و دیدی که در میان مردم و در محافل عمومی تنها نسبت به اغنیا احترام می شود و دیدی که در مقابل فقیر و کمک به او مردم می خندند و برای غیر خدا به او رحم می کنند و دیدی که مردم از آیات و نشانه های آسمانی وحشت و ترسی ندارند (مانند سرخی در آسمان و ستاره دنباله دار در همین سال اخیر) و دیدی که مردم مانند بهائم سوار یکدیگر می شوند و کسی آنها را سرزنش نمی کند و دیدی که مردم در راه غیر رضای خداوند انفاق زیاد و در راه خدا انفاق کم می کنند و دیدی که فرزندان احترام پدر و مادر به جای نمی آورند و آنها را حقیر می شمارند و بدترین حالات را پدر و مادر دارند (نزد فرزندانشان) و از افترا زدن به پدر و مادر خوشحال می شوند (پسران و دختران) و دیدی که زنها بر کشورها و بر تمام امور غلبه می یابند (نخست وزیر می شوند، پادشاه می شوند، وکیل مجلس می شوند) و کارها بدون رضا و هوس زنان انجام نمی گیرد و دیدی که پسر به پدرش افترا می زند و به پدر و مادر نفرین می کند و انتظار مرگ آنها را می کشد و از این بابت خوشحال است (برای تقسیم ارث و غیره) و دیدی در هر روزی که بر مرد بگذرد و در آن روز مرتکب معصیتی مانند خوردن حرام و شرب مسکرات یا کم فروشی یا غش در معامله نشود، آن روز برای او روز سختی خواهد بود و دیدی که پادشاهان مواد غذایی را در اختیار خود قرار می دهند و دیدی که خمس آل محمد (سهم امام و سهم سادات) در راه باطل تقسیم می شود و با آن میخوارگی می کنند و دیدی که شراب را وسیله درمان امراض قرار می دهند (بعضی از پزشکان گاه به بیماران خود توصیه می کنند که برای شفای پاره ای امراض از شراب استفاده کنند) و دیدی که همه مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر هماهنگی پیدا کرده اند و دیدی که پرچم نفاق و منافقان به اهتزاز در آمده است اما از حق خبری نیست و دیدی که مؤذن برای اذان و نمازگزار (نماز استیجاری) برای نماز خواندن مطالبه پول می کنند (یا نماز میت و امثال آن) و دیدی که مساجد محل اجتماع، اما بیشتر برنامه های غیبت و خوردن گوشت مردم است و در مساجد وصف شراب و شرابخوار را می کنند و دیدی که آدم مست برای مردم نماز می خواند (پیشنماز می شود) و هرگاه مشروب خورد مردم او را احترام می کنند و دیدی که اموال یتیم را می خورند ولی به صلاح و نیکی هم معروف هستند و دیدی که قضات بر خلاف آنچه خداوند فرموده است قضاوت می کنند و دیدی که زمامداران به جهت طمع، خیانتکاران را امین خویش قرار می دهند و دیدی که حکام اجتماع، میراث را به دست اهل فسق و فجور می دهند و آنها بر خدا جرأت پیدا می کنند و از این اموال می خورند و به هر نحو که بخواهند با آن عمل می کنند و دیدی که بر سر منبرها امر به تقوا می کنند اما گوینده خود به آن عمل نمی کند و دیدی که مردم نماز را در وقت خودش نمی خوانند و آن را سبک می شمارند و دیدی که زکات و صدقات دیگر را به وساطت افراد می دهند اما برای خدا نیست و قصد تقرب به خداوند را ندارند و دیدی که هّم و هدف مردم پر کردن شکم و ارضای غرایز جنسی است و از هر راهی باشد مانعی ندارد و دیدی که دنیا رو به آنها آورده و دیدی که نشانه های حق و درستی کهنه شده است، ای حمران! پس بر حذر باش و از پیشگاه خداوند بزرگ تقاضای رهایی کن و بدان که مردم گرفتار خشم خداوند هستند و به آنها مهلت داده شده در مقابل اوامری که به آنها شده است. پس، مواظب خویشتن باش و کوشش کن تا خداوند تو را برخلاف آنها ببیند و اگر در میان آنها باشی و عذاب خداوند نازل شود همانا به سوی رحمت واسعه الهی شتافته ای و اگر از آنها جدا شدی آنها گرفتار هستند و تو از جرأت بر خداوند در امان مانده ای. و بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را می دهد و همانا رحمت خداوند نزدیک به نیکوکاران است.مفضل بن عمر از اصحاب حضرت صادق عليه‌السلام ، از محل و کیفیت ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء و نشانه های آن سؤال کرد، می گوید:یا سیدی فمن این یظهر و کیف یظهر قال یا مفضل یظهر وحده و یاءتی البیت وحده و یلج الکعبه وحده و یجن علیه اللیل وحده فاذا نامت العیون و غسق اللیل نزل الیه جبرئیل و میکائیل علیهماالسلام و الملئکه صفوفا فیقول له جبرئیل یا سیدی قولک مقبول و امرک جائز فیمسح عليه‌السلام یده علی وجهه و یقول «الحمدلله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوا من الجنه حیث نشاء فنعم اجر العاملین».

و یقف بین الرکن و المقام فیصرخ صرخه فیقول یا معشر نقبائی و اهل خاصتی و من ذخرهم الله لنصرتی قبل ظهوری علی وجه الارض ائتونی طائعین فترد صیحته عليه‌السلام علیهم و هم علی محاریبهم و علی فرشهم فی شرق الارض و غربها فیسمعونه فی صیحه واحده فی اذن کل رجل فیجیئون نحوها و لایمضی لهم الا کلمحه بصر حتی یکون کلهم بین یدیه عليه‌السلام بین الرکن و المقام فیاءمر الله عزوجل النور فیصیر عمودا من الارض الی السماء فیستضیی به کل مؤ من علی وجه الارض و یدخل علیه نور من جوف بیته فتفرح نفوس المؤمنین بذالک النور و هم لایعلمون بظهور قائمنا اهل البیت علیه و علیهم السلام ثم یصبحون وقوفا بین یدیه و هم ثلثمائه و ثلاثه عشر رجلا بعده اصحاب رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله یوم بدر. [22].

ای مولای عزیزم! محل ظهور مهدی شما کجاست و چگونه ظاهر می شود؟ فرمودند: به تنهایی ظاهر می شود، به تنهایی وارد مسجد الحرام می شود، به تنهایی دست به دامن کعبه می زند، شب را به تنهایی در کنار بیت بسر می برد. چون مردم به خواب روند و شب فرا رسد جبرئیل و میکائیل و صفوف فرشتگان بر او وارد شوند. جبرئیل به آن حضرت عرض می کند که ای آقای من! گفتارت مقبول و فرمانت مطاع است. پس، آن حضرت دست بر چهره اش کشیده، می فرماید: «ستایش خداوندی را که وعده لطف و رحمتش را بر ما محقق فرمود و ما را وارث همه سرزمین بهشت گردانید تا هر جای آن که بخواهیم، منزل کنیم، زیرا آن روز پاداش نیکوکاران بسیار نیکو خواهد بود». [23]

آنگاه امام بین رکن و مقام می ایستد و فریاد می زند: ای یاران مخصوص من و ای کسانی که خداوند شما را برای نصرت و یاری من بر روی زمین ذخیره کرده است! با حالت اطاعت نزد من حاضر شوید. صیحه و فریاد امام در شرق و غرب به گوش آنها می رسد و آن صدای ملکوتی را می شنوند و به طرف امام حرکت می کنند و در چشم به هم زدنی بین رکن و مقام نزد امام حاضر می گردند. در این حال، خداوند متعال به نور امر می کند که به صورت عمودی از زمین تا آسمان بر آید و تمام ساکنان روی زمین را از پرتو خود روشن سازد. مؤمنان را این نور به شادی و سرور وا می دارد، زیرا از قیام قائم ما اهل بیت خبر ندارند، اما چون صبح شود آنها در محضر مقدس و در فرمان امام عليه‌السلام قرار می گیرند و تعداد آنها سیصد و سیزده نفر به عدد اصحاب پیامبر گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله در روز جنگ بدر است.

عمر بن حنظله از امام ششم عليه‌السلام روایت می کند که فرمودند:

خمس قبل قیام القائم من العلامات الصیحه و السفیانی و الخسف بالبیداء و خروج الیمانی و قتل النفس الزکیه. [24].

پیش از ظهور حضرت مهدیعليه‌السلام پنج نشانه تحقق پیدا می کند:

1 - صیحه آسمانی

2 - خروج سفیانی

3 - فرورفتگی در بیداء (زمینی است نزدیک مکه منوره)

4 - خروج یمانی

5 - کشته شدن نفس زکیه

فضل بن شاذان از ابی بصیر نموده است که او گفت:

قال ابو عبدالله عليه‌السلام ان القائم صلوات الله

علیه ینادی اسمه لیله ثلاث و عشرین و یقوم یوم عاشورا یوم قتل فیه الحسین بن علی عليه‌السلام . [25].

حضرت صادق عليه‌السلام فرمودند که قائم آل محمد صلوات الله علیه در شب بیست و سوم ماه رمضان با ندای آسمانی معرفی می شود و روز عاشورا قیام می کند و آن روزی است که امام حسین عليه‌السلام را شهید کردند.

یعقوب سراج به امام صادق عليه‌السلام عرض می کند:

متی فرج شیعتکم؟ فقال: اذا اختلف ولد العباس و وهی سلطانهم و طمع فیهم من لم یکن یطمع و خلعت العرب اعنتها و رفع کل ذی صیصیه صیصیته و ظهر السفیانی و اقبل الیمانی و تحرک الحسنی خرج صاحب هذا الامر من المدینه الی مکه بتراث رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله قلت و ما تراث رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله ؟ فقال سیفه و درعه و عمامته و برده و رایته و قضیبه و فرسه ولامته و سرجه. [26].

عرض کردم: یا ابن رسول الله! فرج شیعیان شما کی خواهد بود؟ فرمودند: وقتی که اولاد عباس در حکومت با هم اختلاف پیدا نمایند و افرادی طمع ریاست را پیدا کنند که نباید بکنند (شایستگی اجتماعی نداشتن) و عرب کیان خود را از دست بدهد، سفیانی خروج می کند و یمانی قیام می نماید و حسنی (منظور جناب سید حسنی است از خراسان) حرکت می کند. در این هنگام، صاحب این امر (امر ولایت) از مدینه به سمت مکه معظمه حرکت می کند در حالی که «تراث» رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهرا همراه دارد. می گوید عرض کردم: «تراث» چیست؟ فرمودند:

شمشیر، زره و عمامه رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهو برد آن حضرت و پرچم او و عصای آن سرور و اسب سواری با آلات جنگی و همه وسایل نبرد که جدش خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآلهداشتند، امام عصر ارواحنا له الفداء همه این مواریث را همراه دارد.

ابی بصیر از حضرت صادق عليه‌السلام خبر می دهد که آن حضرت فرمودند:

علامه خروج المهدی کسوف الشمس فی شهر رمضان فی ثلاث عشره و اربع عشره منه. [27].

نشانه ظهور مهدی عليه‌السلام کسوف خورشید در ماه مبارک رمضان است و وقت کسوف سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان خواهد بود.

زراره از امام صادق عليه‌السلام درباره حق بودن صیحه آسمانی می پرسد، آن حضرت می فرمایند:

ای والله حتی یسمعه کل قوم بلسانهم. [28].

آری، به خدا سوگند حق است و تمام مردم به زبان مخصوص خودشان این صدا را می شنوند.

هشام بن سالم از امام صادق عليه‌السلام حدیث می کند که فرمودند:

ما یکون هذا الامر حتی لایبقی صنف من الناس الا وقد ولوا علی الناس حتی لایقول قائل «انا لو ولینا لعدلنا» ثم یقوم القائم با لحق و العدل. [29].

امر قیام مهدی ما محقق نخواهد شد مگر اینکه تمام اصناف مردم به حکومت برسند تا نتوانند بگویند اگر حکومت به دست ما داده می شد عدالت و حق را اجرا می کردیم. بعد از رسیدن همه طبقات به حکومت آنگاه مهدی ما ظاهر می شود و حق و عدالت را اجرا می کند.

موضوع امتحان و آزمایش شدن همه طبقات یکی از مقدمات و نشانه های قیام جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء است. لذا امام صادق عليه‌السلام در این روایت به منصور می فرماید:

قال ابوعبدالله عليه‌السلام یا منصور ان هذا الامر لایاءتیکم الا بعد (ا) یاءس لا و الله لا یاءتیکم حتی تمیزوا لا والله لایاءتیکم حتی تمحصوا ولا والله لایاءتیکم حتی یشقی من شقی و یسعد من سعد. [30].

امر ولایت و حکومت ما آل محمد محقق نخواهد شد مگر بعد از اینکه آزمایشهایی به عمل آید:

1 - به خدا سوگند، مهدی ما قیام نمی کند مگر بعد از ماءیوس شدن همه از وجود مقدسش (آری، می گویند اگر بود، می آمد؛ پس چرا اینقدر طول کشیده است؟).

2 - 0 نه به خدا سوگند نمی آید مگر اینکه افراد از یکدیگر امتیاز پیدا کنند (خوبان از بدان مشخص شوند).

3 - نه به خدا سوگند، قائم ما ظاهر نمی شود تا اینکه همه شناخته بشوند (از نظر دینی و ولایت).

4 - نه به خدا سوگند، آنگاه موعود اسلام ظهور می کند که افرادی که باید سعادتمند بشوند، به اختیار خودشان راه سعادت را برگزینند و آنهایی که دارای خبث باطن و سوء سریره هستند به اختیار خودشان راه شقاوت را در پیش گیرند.آری، همه مردم باید قبل از حکومت جهانی سرور عالم حضرت مهدی ارواحنا له الفداء امتحان بشوند. سعادتمند آن افرادی هستند که در این آزمایش با معدلی خوب قبول می شوند.

از حضرت صادق عليه‌السلام حدیث کرده اند که آن امام عزیز فرمودند:

ان لله مائده بقرقیسا یطلع مطلع من السماء فینادی یا طیر السماء و یا سباع الارض هلموا الی الشبع من لحوم الجباین. [31].

از سوی خداوند متعال سفره ای گسترده می شود، گوینده ای از آسمان فریاد میزند: ای پرندگان آسمان و ای درندگان روی زمین! بیایید و شکم را از گوشت ستمگران و جباران عالم سیر کنید.

خواننده عزیز!

این بیان کنایه است از اینکه دیگر عمر ستمگران خاتمه یافته و امنیت و رفاه در زندگی برای همه موجودات آماده است.

امام صادق عليه‌السلام درباره آینده عرب چنین اعلام خطر فرموده اند:

ویل لطغاه العرب من شر قد اقترب قلت کم مع القائم من العرب قال شیء یسیر و عن غیبه النعمانی انه لایخرج مع القائم من العرب احد. [32].

وای بر سرکشان عرب از شری که نزدیک شده است. راوی می گوید عرض کردم: از اصحاب حضرت قائم چند نفر عرب هستند؟ فرمودند: ناچیز (بسیار کم). اما «غیبت نعمانی» می گوید از عرب در خدمت حضرت قائم کسی نیست.

(منظور اصحاب خاص هستند).

بنابر نقل «الزام الناصب»، امام صادق عليه‌السلام در باب علائم قبل از ظهور امام عصر روحی له الفداء چنین فرمودند:

لایخرج القائم عجل الله تعالی فرجه من مکه حتی یکون مثل الحلقه قلت و کم الحلقه قال عشره آلاف جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن یساره ثم یهز الرایه المغلبه و یسیربها فلا یبقی احد فی المشرق و لا فی المغرب الا بلغها و هی رایه رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله نزل بها جبرئیل یوم بدر ثم لفها و دفعها الی علی عليه‌السلام حتی اذا کان یوم البصره فنشرها امیرالمؤمنین عليه‌السلام ففتح الله علیه ثم لفها فهی عندنا لاینشرها احد حتی یقوم القائم فاذا هو قام فنشرها لم یبق بین المشرق و المغرب الا بلغها و یسیر الرعب قدامها شهرا و عن یمینها شهرا و عن یسارها شهرا ثم قال یا محمد (صلى‌الله‌عليه‌وآله ) انه یخرج موتورا غضبان اسفا لغضب الله علی هذا الخلق علیه قمیص رسول الله الذی کان علیه یوم احد و عمامه السحاب و درع رسول الله السابغه و سیف رسول الله ذوالفقار یجرد السیف علی عاتقه ثمانیه اشهر هرجا فیبدا ببنی شیبه فیقطع ایدیهم و یعلقها فی الکعبه و ینادی منادیه هؤ لاء سراق الله ثم یتناول المفقودین عن فرشهم و هو قول الله عزوجل «اینما تکونوا یاءت بکم الله جمیعا». [33].

مهدی ما عجل الله تعالی فرجه از مکه خارج نمی شود تا اینکه دارای حلقه باشد. راوی می گوید عرض کردم: میزان حلقه چیست؟ فرمودند: یک سپاه ده هزار نفری در حالی که جبرئیل عليه‌السلام در طرف راست و میکائیل در طرف چپ آن حضرت در حرکت اند و پرچم رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله را به اهتزاز در می آورند و تمام مردم مشرق و مغرب از خبر قیام و به اهتزاز در آمدن آن آگاه می شوند و این پرچم مخصوص رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله است که در روز بدر جبرئیل آن را از آسمان آورد. آنگاه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آن پرچم را پیچید و به علی عليه‌السلام داد تا اینکه جنگ بصره پیش آمد و حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام پرچم را به اهتزاز درآورد و خداوند آن پیروزی درخشان را نصیبش فرمود و بعد از فتح بصره حضرت امام امیرالمؤمنین عليه‌السلام آن پرچم را پیچیدند و الان در نزد ماست. و هیچ کس آن پرچم را نمی گشاید و به دست نمی گیرد مگر اینکه قائم ما قیام کند و آن را به اهتزاز درآورد و این پرچم و خبر برافراشته شدنش به شرق و غرب عالم می رسد و جهان را در سیطره خود قرار می دهد و از آن طرف در پیشاپیش آن به اندازه یک ماه مسافت و نیز از طرف راست و چپ آن موجی از خوف و ترس راه می افتد (البته دلهای مردم را پر می کند) و قلبها را مسخر می نماید. او ناراحت و غضبناک ظاهر می شود و برای این مردم که گرفتار غضب خداوند شده اند متأسف است، در حالی که پیراهن رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله در جنگ احد و نیز عمامه مخصوص و زره آن حضرت را پوشیده و شمشیر جدش (ذوالفقار) را به دست گرفته است و این شمشیر را از غلاف بیرون می کشد و هشت ماه آن را به زمین نمی گذارد.ابتدا بنی شیبه را از بین می برد و دستهای آنها را قطع می کند و به دیوار کعبه می آویزد و از طرف حضرت بقیه الله روحی له الفداء منادی ندا می کند که اینها دزدان دین خدا و حرم خدا هستند. سپس سیصد و سیزده تن یاران مخصوص شرفیاب می شوند که خداوند درباره شان فرموده است: «همه شما را خداوند خواهد آورد». [34].

امام صادق عليه‌السلام درباره جهانگیری حضرت ولی عصر و یاران عزیزش برنامه جالبی در این حدیث فرموده اند که شرح آن را به نظر خوانندگان عزیز می رسانیم تا مشکل بی اساس به نظر بعضی ها در ارتباط با اینکه چگونه حکومت واحد جهانی به وجود می آید، حل بشود. امام صادق عليه‌السلام در این حدیث می فرماید:

اذا قام القائم عجل الله تعالی فرجه بعث فی اقالیم الارض فی کل اقلیم رجلا یقول عهدک فی کفک فاذا ورد علیک ما لاتفهمه و لاتعرف القضاء فیه فانظر الی کفک و اعمل بما فیها قال و یبعث جندا الی القسطنطنیه فاذا بلغوا الی الخلیج کتبوا علی اقدامهم شیئا و مشوا علی الماء فاذا نظر الیهم الروم یمشون علی الماء قالوا هؤ لاء اصحابه یمشون علی الماء فکیف هو فعند ذلک یفتحون لهم ابواب المدینه فید خلونها فیحکمون فیها ما یریدون. [35].

وقتی قائم ما عجل الله تعالی فرجه قیام کند و جهان را مسخر اراده و حکومت خود قرار دهد، در هر قسمتی و قاره ای از دنیا کسی را به عنوان نمایندگی از طرف خودش معین می فرماید و فرمان کارش را به این مضمون صادر می کند: برنامه قضایی تو در کف دست تو است. پس، هرگاه مشکلی پیش آید که حکم خداوند را در آن امر نمی دانی به کف دستت نظر کن و آنچه را در کف دستت دیدی همان تکلیف تو است و به آن عمل کن. امام صادق عليه‌السلام می فرماید: آنگاه حضرت قائم لشکری به قسطنطنیه می فرستد و وقتی که به دریا رسیدند عبارتی به کف پاهای خود می نویسند و روی آب راه می روند. مردم می گویند: اینها که اصحاب حضرت قائم هستند و روی آب راه می روند پس خود آن حضرت چه خواهد کرد. در این موقع چون شکست خود را قطعی می بینند دروازه های شهر را به روی آنها می گشایند. پس، آنها فرمانروایی را به دست می گیرند و هر فرمانی بخواهند صادر می کنند (این است معنی ولایت تکوینی و تشریعی).

از امام صادق عليه‌السلام در رابطه به صیحه آسمانی حدیث می کنند که فرمودند:

انه قال العام الذی فیه الصیحه قبله الایه فی رجب قلت و ما هی قال وجه یطلع فی القمر و ید بارزه. [36].

پیش از آن سالی که ندای آسمانی بلند می شود در ماه مبارک رجب نشانه دیگری باید دیده شود. عرض کردم: آن چیست؟ فرمودند: صورتی در ماه پیدا می شود و دستی ظاهر می گردد که همه آن را می بینند.

امام صادق عليه‌السلام در مقام بیان مواریث انبیاء این طور فرموده اند:

الواح موسی عندنا و عصا موسی عندنا و نحن ورثه النبیین. [37].

الواحی که خداوند به حضرت موسی عليه‌السلام نازل فرموده نزد ماست (وظایف و تکالیف آسمانی از طرف خداوند) و نیز عصای حضرت موسی عليه‌السلام که به وسیله دشمنان خداوند را به خاک مذلت می انداخت در نزد ما آل محمد است. بنابراین، ما خاندان رسالت وارث همه پیامبران هستیم.

خواننده عزیز!

اکنون آن الواح و عصای حضرت موسی عليه‌السلام به دست وجود مقدسش حضرت بقیه الله روحی له الفداء است اللهم عجل فرجه

امام صادق عليه‌السلام درباره ساعت اول تشرف حضرت بقیه الله روحی له الفداء به مسجد الحرام می فرماید:

و الله لکاءنی انظر الیه دخل مکه و علیه برده رسول الله و علی راءسه عمامه صفراء و فی رجلیه نعل رسول الله المخصوفه و فی یده هراوته یسوق بین یدیه اعنزا عجافا حتی یصل بها نحو البیت لیس ثم احد یعرفه. و یصبح الناس فی مکه فیقولون من هذا الرجل الذی بجانب الکعبه و ما هذا الخلق الذی معه هذه الایه التی راءیناها الیله ولم نر مثلها؟ فیقول بعضهم لبعض هذا صاحب العنیزات. [38].

به خدا سوگند، گویی با این چشم او را می بینم که داخل مکه شده است، در حالی که برد رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله را به تن کرده و عمامه زرد بر سر دارد و نعلین مخصوص رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله را به پا کرده و نیزه آن حضرت را در دست دارد. در جلوی او تعدادی بزهای لاغر در حرکت اند و آنها را به سوی کعبه سوق می دهد در حالی که کسی آن حضرت را نمی شناسد.مردم مکه صبحگاهان که برمی خیزند به یکدیگر می گویند: این مردی که در اطراف کعبه است، کیست؟ این افرادی که اطراف او را گرفته اند چه کسانی هستند؟ نشانه هایی ملاحظه کردیم که نظیرش را ندیده بودیم. اینها چیست و از کجاست؟ بعضی مردم به بعضی دیگر می گویند: این آقا صاحب بزهاست که دیروز وارد مکه معظمه شد.

امام صادق عليه‌السلام می فرماید:

بخ بخ للطالقان. [39].

آفرین بر طالقان.

امام صادق عليه‌السلام می فرماید:

اذا قام القائم عجل الله تعالی فرجه نزلت سیوف القتال علی کل سیف اسم الرجل و اسم ابیه. [40].

زمانی که قائم ما عجل الله تعالی فرجه قیام می کند شمشیرهایی از آسمان فرود می آیند که خصوصیاتشان این است که نام جنگجو و نام پدرش با قلم قدرت روی لبه آنها نوشته شده است.

امام صادق عليه‌السلام

در کیفیت آمدن سیصد و سیزده تن یاران مخصوص حضرت مهدی روحی لتراب مقدمه الفداء چنین می فرمایند:

سیاءنی الله بثلاثماءه و ثلاثه عشر رجلا فی مسجدکم هذا یعلم اهل مکه انهم لم یولدوا من آبائهم ولا اجدادهم علیهم سیوف مکتوب علی کل سیف اسم الرجل و اسم ابیه و نسبه. [41].

خداوند سیصد و سیزده تن یاران مخصوص حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه را در همین مسجد شما (مسجدالحرام) جمع می کند و مردم مکه با دیدنشان می دانند که ایشان از اهل مکه و از آباء و اجداد آنها نیستند. شمشیرهایی به دست دارند که روی لبه آنها اسامی صاحبانشان و نام پدرشان و نسب آنها نوشته شده است.

در این فرمان کوتاه امام صادق عليه‌السلام شیعیان را برای شرکت در قیام جهانی حضرت ولی عصر عليه‌السلام مکلف فرموده اند که در خود آمادگی رزمی ایجاد کنند اگر چه تهیه یک تیر باشد و می فرمایند: وقتی که خداوند این آمادگی را در شما ببیند امیدوارم به شما مهلتی مرحمت کند و ظهور آن سرور را درک نمایید:

لیعد احدکم لخروج القائم عليه‌السلام ولو سهما فان علم الله ذلک من نیته رجوت لان ینساء فی عمره حتی یدرکه و یکون من اعوانه و انصاره. [42].

درباره قدرت سپاهیان حضرت بقیه الله روحی له الفداء امام ششم عليه‌السلام می فرماید:

یخرج بجیش لو استقبل به الجبال لهدمها و اتخذ فیها طریقا. [43].

لشکریان آن حضرت اگر با کوه روبرو شوند کوهها را درهم می کوبند و دل آنها را شکافته، مسیر خود قرار می دهند.

آری، با نیروی مادی و معنوی، ایجاد تونلها می کنند و بدون گذشت زمان و صرف وقت زیاد به هدفهای خود می رسند.

امام صادق عليه‌السلام درباره آثار شکوهمند قیام حضرت بقیه الله روحی له الفداء چنین می فرمایند:

یعز الله به الاسلام بعد ذله و یحییه بعد موته و یضع الجزیه و یدعو الی الله بالسیف فمن ابی قتل و من نازعه خذل یظهر من الدین ما هو علیه الدین فی نفسه ما لو کان رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله یحکم به یرفع المذاهب من الارض فلا یبقی الا الدین الخالص. [44].

1 - عزت واقعی اسلام را بعد از ذلتش به آن برمی گرداند.

2 - احکام و قوانین مرده اسلام را (از نظر ظاهر) حیات می بخشد.

3 - جزیه از کفار برداشته می شود.

4 - با شمشیر قیام می کند و مردم را به سوی خداوند می خواند و هرکس اجابت نکرد کشته می شود و هرکس با آن حضرت نبرد کند منکوب می شود.

5 - در قیام جهانی حضرت صاحب الامر عليه‌السلام قیافه واقعی اسلام که بعد از رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله در زیر پرده ها پنهان مانده است، بطوریکه در زمان حیات آن حضرت بود، آشکار می گردد.

6 - تمام مذاهب از سرتاسر جهان برچیده می شود.

7 - تنها دین جهانی همه مردم دین مقدس اسلام، آن هم بر اساس رهبری اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین، خواهد بود.

امام صادق عليه‌السلام در مورد چگونگی برخورد امام عصر روحی له الفداء با مردم اعم از عرب و عجم و... چنین می فرماید:

اذا خرج القائم لم یکن بینه و بین العرب و الفرس الا السیف لا یاءخذها الا بالسیف و لا یعطیها الا السیف. [45].

قیام قائم ما بر اساس قدرت است و چون بنابر اصلاح جهان است دیگر مدارا کردن در این دولت وجود ندارد: با عرب و فارس و غیره با شمشیر برخورد می کند، با شمشیر می گیرد و آنچه بخواهد عطا کند نیز با شمشیر است (کنایه از اینکه تمام برنامه و برخوردها بر پایه قدرت است).حضرت امام ششم عليه‌السلام در این روایت تفاوت میان برخورد مردم زمان جاهلیت با رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله و برخورد مردم زمان ظهور را با حضرت بقیه الله روحی له الفداء بیان فرموده اند و شایسته است خوانندگان عزیز خوب دقت کنند تا ویژگیهای حکومت حضرت مهدی عليه‌السلام را بیشتر درک کنند. امام صادق عليه‌السلام فرمودند:

ان قائمنا اذا قام استقبل من جهله الناس اشد مما استقبله رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله من الجاهلیه فقیل له کیف ذلک فقال ان رسول الله اتی الناس و هم یعبدون الحجاره والصخور والعیدان و الخشب المنحوته و ان قائمنا اذا قام اتی الناس و کلهم یتاءولون علیه کتاب الله و یحتج علیه به ویقاتله علیه اما و الله لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر و القر. [46].

هنگامی که قائم ما قیام کند آنچه از مردم نادان می بیند به مراتب بیش از آن چیزی است که پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله از مردم دوران جاهلیت دیدند. گفته شد: چگونه است آن؟ پس فرمودند: وقتی که جدم خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله به رسالت مبعوث شد مردم انواع بتهای سنگی و چوبی را پرستش می کردند (اینها کمتر نیاز به دلیل بر اثبات بطلان بت پرستی داشتند)؛ اما حضرت صاحب الامر آنگاه که قیام می کند همه مردم با تمسک به قرآن و تأویل کتاب خداوند (به نفع خودشان) با آن حضرت به مقابله می پردازند. قسم به خداوند که عدالت مهدی ما در تمام خانه های آنها وارد می شود چنانچه سرما و گرما داخل می شود (قدرت نفوذ معنوی ولایت را بیان می کند).

امام صادق عليه‌السلام درباره آزمایشی که روزهای اول ظهور برای یاران مخصوص امام عصر عليه‌السلام (سیصد و سیزده تن) پیش می آید چنین فرموده اند: کانی انظر الی القائم عليه‌السلام علی منبر الکوفه و حوله اصحابه ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا عده اهل بدر و هم اصحاب الالویه و هم حکام الله فی ارضه علی خلقه حتی یستخرج من قبائه کتابا مختوما بخاتم من ذهب عهد معهود من رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله فیجفلون عنه اجفال الغنم البکم فلا یبقی منهم الا الوزیر و احد عشر نقیبا کما بقوامع موسی بن عمران فیجولون فی الارض و لایجدون عنه مذهبا فیرجعون الیه و الله انی لاعرف الکلام الذی یقوله لهم فیکفرون به. [47].

گویی می بینم قائم ما عليه‌السلام در کوفه بالای منبر نشسته و اصحاب مخصوص که سیصد و سیزده تن هستند، به عدد اصحاب بدر، در خدمت حضور دارند. ناگهان امام زمان عليه‌السلام نامه ای با مهر طلایی از جیب قبای خود بیرون می آورد که البته عهدنامه ای است از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله برای آن حضرت. چون مفاد عهدنامه را برای آنها می خوانند مانند گله گوسفند گرگ زده همه، بجز وزیر و یازده تن از نقبا به عدد نقبای بنی اسرائیل، بقیه همه آن سرور را رها کرده، در سرتاسر کره زمین سیر می کنند و چون مرجع و پناهی غیر از او نمی بینند دوباره برمی گردند. امام صادق عليه‌السلام می فرماید: ای مفضل! به خدا سوگند، من می دانم که حضرت قائم عليه‌السلام چه می فرماید که سبب فرار کردن آنها می شود.

مفضل بن عمر از حضرت صادق عليه‌السلام درباره پیراهن یوسف عليه‌السلام اینچنین می فرماید:

سمعته یقول اءتدری ما کان قمیص یوسف عليه‌السلام ؟ قلت: لا. قال ان ابراهیم عليه‌السلام لما اوقدت له النار اتاه جبرئیل بثوب من ثیاب الجنه فالبسه ایاه فلم یضره معها حر و لابرد فلما حضر ابراهیم الموت جعله فی تمیمه و علقه علی اسحق و علقه اسحق علی یعقوب فلما ولد یوسف عليه‌السلام علقه علیه و کان فی عضده حتی کان من امره ما کان فلما اخرجه یوسف عليه‌السلام بمصر من التمیمه وجد یعقوب عليه‌السلام ریحه و هو قوله تعالی حکایه عنه «انی لاجد ریح یوسف لولا ان تفندون» فهو ذلک القمیص الذی انزل من الجنه قلت جعلت فداک فالی من صار هذا القمیص؟ قال الی اهله و هو مع قائمنا اذا خرج ثم قال کل نبی ورث علما او غیره فقد انتهی الی محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله . [48].

از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می فرماید: می دانی پیراهن یوسف عليه‌السلام چه بود؟ عرض کردم: نه. فرمودند: چون برای سوزاندن ابراهیم عليه‌السلام آتش افروختند و خواستند آن حضرت را در

آتش بیندازند، جبرئیل عليه‌السلام برای او پیراهنی آورد و به تن او کرد که جلوی حرارت آتش و همچنین سردی هوا را می گرفت؛ لذا آتش حضرت ابراهیم عليه‌السلام را نسوزانید. چون زمان وفاتش رسید آن را در یک جلد قرار داد و به بازو (یا گردن) اسحاق آویزان کرد و جناب اسحاق آن را به یعقوب داد و یعقوب این بازوبند را یا در هنگام ولادت یوسف عليه‌السلام و یا وقت رفتن همراه برادرانش به صحرا به بازوی او بست. یوسف عليه‌السلام بعد از آن سرگذشت بزرگ آن را از جلدش در مصر بیرون آورد. آنوقت یعقوب پیامبر در کنعان به فرزندانش گفت بوی یوسف را می شنوم اگر مرا متهم قرار ندهید (خرافات پیری یا غیر آن). و این است معنی آیه «اگر مرا تخطئه نکنید من بوی یوسف را می شنوم» [49] و این همان پیراهن است که جبرئیل از بهشت آورد. مفضل می گوید عرض کردم: آن پیراهن کجاست؟ فرمودند: در نزد اهلش و آن با مهدی ما است، وقتی که قیام کند. و بدان هر پیامبری که علم یا چیز دیگری داشته است همه آنها به جدم حضرت محمد صلى‌الله‌عليه‌وآلهداده شده است.

امام صادق عليه‌السلام درباره چگونگی قدرت حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء توضیح می فرمایند که باید کور دلان توجه کنند تا بدانند چگونه حکومت واحد جهانی را بر اساس عدل و داد اجتماعی تشکیل می دهد و همه حکومتها و رژیمهای خون آشام را از بین می برد و پرچم مقدس قرآن و مکتب اهل بیت را در سرتاسر جهان به اهتزاز در می آورد. و اینک روایت و ترجمه اش:

انه اذا تناهت الامور الی صاحب هذا الامر رفع الله تبارک و تعالی کل منخفض من الارض و خفض له کل مرتفع منها حتی یکون الدنیا عنده بمنزله راحته فایکم لو کانت فی راحته شعره لم یبصرها. [50].

هرگاه قائم ما قیام کند خداوند بزرگ تمام پستیها و بلندیهای زمین را برای او یکسان می کند تا همه چیز را ببیند و دنیا برای او درست مانند کف دستی می شود. آیا اگر یکی از شما مویی در کف دستش باشد می شود که آن را نبیند؟

این است معنای قدرت بی نهایت و این است جلوه گاه حکومت واحد جهانی آن سرور بر اساس عدالت.

امام صادق عليه‌السلام درباره برخورد بعضی از علما و پیروان آنها با امام عصر روحی له الفداء چنین می فرماید:

اعدؤ اه مقلده الفقهاء اهل الاجتهاد لما یرونه یحکم بخلاف ما ذهب الیه ائمتهم ولولا ان السیف بیده لافتی الفقهاء بقلته ولکن الله یظهره بالسیف والکرم فیطیعونه و یخافون فیتقبلون حکمه من غیر ایمان بل یضمرون خلافه اذا خرج فلیس له عدومبین الا الفقهاء خاصه هو والسیف اخوان. [51].

دشمنان روزهای اول قیام حضرت مهدی عليه‌السلام مقلدان و پیروان فقها هستند؛ چون می بینند احکامی که از طرف آن حضرت صادر می شود برخلاف فتوای پیشوایان آنهاست. نه تنها مقلدان فقها دشمن امام عصر هستند بلکه خود فقها هم اگر آن حضرت قیام به شمشیر نکرده بودند و قدرت در دستشان نبود هر آینه فتوای کشتن آن سرور را صادر می کردند، اما چون آن حضرت با شمشیر برنده و دست بخشنده ظهور می کند، از روی ترس و به طمع مقام اظهار ایمان و پیروی از او می کنند و خلاف آن را در دل پنهان می دارند. هنگامی که خروج کند دشمن آشکاری بجز فقها ندارد. امام و شمشیر برادر هستند (کنایه از اینکه در همه جا و با همه کس از موضع قدرت سخن می گوید).

امام ششم عليه‌السلامدر هنگام ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفداء به مردم هشدار می دهند:

یخرج علی فتره من الدین و من ابی قتل و من نازعه خذل یظهر من الدین ما هو الدین علیه فی نفسه ما لو کان رسول الله یحکم به. اعداؤ ه الفقهاء المقلدون یدخلون تحت حکمه خوفا من سیفه و سطوته و رغبه فیما لدیه یبایعه العارفون بالله تعالی من اهل الحقائق عن شهود و کشف بتعریف الهی. [52].

مهدی ما در زمان فترت دین قیام می کند (زمان فترت دین به از اول غیبت صغری تا ساعت آخر غیبت کبرای آن حضرت گفته می شود؛ یعنی در این مدت دست مردم به رهبر واقعی آسمانی نمی رسیده است). هر کس دعوت و امر آن حضرت را نپذیرد حتما کشته می شود و کسی که سر ستیز و مبارزه داشته باشد مخذول و منکوب خواهد شد. او چهره واقعی دین را ظاهر می کند که اگر رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله بود همان سیما را به عنوان دین به مردم نشان می داد. دشمنان او در آن زمان فقهایی هستند که مقلدانی دارند که از ترس شمشیر و برای رسیدن به مقام و جاه به آن حضرت اظهار ایمان می کنند. مردان حق و تربیت شدگان آغوش مقدس توحید که تا اندازه ای پرده از جلوی چشمشان بالا رفته است با حضرت بقیه الله روحی له الفداء بیعت می کنند.

خواننده عزیز!

ممکن است این تظاهر به ایمان به حضرت مهدی روحی له الفداء مربوط به روزهای اول باشد، چون امام دوازدهم باطن افراد را می بیند و بر حسب واقع با مردم برخورد می کند.

امام صادق عليه‌السلام درباره برنامه های ابتدایی قیام حضرت قائم روحی له الفداء می فرماید:

انه اول قائم منا اهل البیت یحدثکم بحدیث لا تحتملونه فتخرجون علیه برمیله الدسکر فتقاتلونه فیقتلکم و هی آخر خارجه تکون. [53].

امام مهدی عليه‌السلام اولین قائم ما خاندان رسالت است که قیام می کند و به شما سخنی می گوید که تاب تحمل شنیدن آن را ندارید. از این جهت، در مقابل او در تپه های دسکره خروج می کنید و با او می جنگید و او شما را طعمه شمشیر خود می سازد. و این آخرین جمعیتی است که در مقابل حضرت می جنگد.دسکره در لغت به معنای قریه بزرگ و دهکده آمده، شاید این حدیث اسم مکانی در عراق باشد).

امام ششم عليه‌السلام در تأویل آیه ( هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)[54] (خدا آن کسی است که پیامبرش را با دین حق فرستاد تا اینکه بر همه ادیان و مذاهب غلبه پیدا می کند ولو اینکه مشرکان و کافران ناراحت باشند) می فرماید:

والله ما نزل تأویلها بعد ولا ینزل تأویلها حتی یخرج القائم عليه‌السلام فاذا خرج القائم عليه‌السلام لم یبق کافر بالله العظیم و لا مشرک بالامام الا کره خروجه حتی ان لو کان کافرا و مشرکا فی بطن صخره لقالت یا مؤمن فی بطنی کافر فاکسرنی واقتله. [55].

به خدا سوگند هنوز تأویل این آیه نیامده است تا اینکه قائم ما ظهور کند. وقتی که قائم عليه‌السلام ظهور کرد هیچ کافری به خداوند بزرگ و هیچ مشرکی نسب به امام نمی ماند مگر اینکه خروج حضرت مهدی عليه‌السلامرا دوست ندارند؛ اما آنچنان عرصه بر دشمنان خداوند تنگ می شود که اگر کافری یا مشرکی در شکاف کوهی پنهان شده باشد آن کوه فریاد می زند: ای سپاهیان حضرت مهدی! بیایید یک دشمن اینجاست؛ او را بیرون کنید و بکشید.

آری حکومت امام عصر روحی له الفداء حکومت خداوند است و درباره این حکومت فرموده اند:«ولا یمکن الفرار من حکومتک» (هیچ کس نمی تواند از حکومت خداوند بگریزد).

ابان بن تغلب از امام صادق عليه‌السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

اول من یبایع القائم عليه‌السلام جبرائیل عليه‌السلام فینزل فی صوره طیر ابیض فیبایعه ثم یضع رجلا علی البیت الحرام و رجلا علی المسجد الاقصی و ینادی بصوت طلق ذلق تسمعه الخلائق اتی امرالله فلا تستعجلوه. [56].

اول کسی که با قائم ما بیعت می کند جبرئیل عليه‌السلام است که به صورت پرنده سفیدی از آسمان به زیر می آید و با حضرت بقیه الله روحی له الفداء بیعت می کند. سپس یک پای خود را بر روی بام کعبه می گذارد و پای دیگر را بر روی بام بیت المقدس. آنگاه فریاد می زند که همه مردم صدایش را می شنوند و می گوید: «امر خدا آمد، در آن شتاب نکنید».

امام ششم عليه‌السلام در ارتباط با روزهای اول ظهور، از امام عصر عليه‌السلام بیانی نقل فرمودند که خلاصه و جان این خطبه به فرمایش علامه مجلسی چنین است: «من مجموعه ای از کمالات انبیاء و ائمه معصومین هستم و آنچه سبب شد که مردم از آنها متابعت کنند همه در وجود من جمع شده است». به گفته شاعر آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری. اکنون به متن و ترجمه فرمایش امام صادق عليه‌السلام توجه فرمایید:

و سیدنا القائم مسندا ظهره الی الکعبه و یقول یا معشر الخلائق الا و من اراد ان ینظر الی آدم و شیث فها اناذا آدم و شیث الا و من اراد ینظر الی نوح و ولده سام فها اناذا نوح و سام الا و من اراد ان ینظر الی ابراهیم و اسمعیل فها اناذا ابراهیم و اسمعیل الا و من اراد ان ینظر الی عیسی و شمعون فها اناذا عیسی و شمعون الا و من اراد ان ینظر الی محمد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما فها اناذا محمد و امیرالمؤمنین الا و من اراد ان ینظر الی الحسن و الحسین فها اناذا الحسن و الحسین الا و من اراد ان ینظر الی الائمه من ولد الحسین فها اناذا الائمه. [57].

آقای ما قائم پشت به خانه کعبه می زند و مردم را مخاطب قرار داده، چنین می فرماید: هر کسی بخواهد آدم و شیث را ببیند بیاید مرا ببیند. ای مردم! هر کس بخواهد نوح و پسر او سام را ببیند من نوح و سام هستم. آگاه باشید

هر کس بخواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند بیاید مرا ببیند. ای جهانیان! آن کسی که مایل باشد عیسی و شمعون را زیارت کند بداند که من عیسی و شمعون هستم. ای مردم دنیا! اگر کسی بخواهد محمد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما را زیارت کند من محمد و امیرالمؤمنین هستم. ای مردم عالم! هر کسی بخواهد حسن و حسین را زیارت کند بیاید مرا ببیند، من حسن و حسینم. ای مردم! هر کسی که بخواهد ائمه معصومین از فرزندان امام حسین عليه‌السلام را ببیند من همان ائمه از فرزندان حسین هستم.

خواننده عزیز!

تمام صفات و کمالات که در پیامبران و اوصیای آنها جمع شده و همه اوامری که خداوند بزرگ درباره آنها صادر فرموده که وجوب اطاعت از آنها و ترک نافرمانی این ذوات مقدسه زیربنای آن را تشکیل می دهد، همه اینها در وجود مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء جمع است و می توان گفت به عنوان مثال وجود عزیزش آیینه ای است که تمام فرستادگان خداوند در آن نمایان اند اللهم عجل فرجه

عیسی بن اعین از حضرت صادق عليه‌السلام نقل می کند که آن سرور فرمودند:

السفیانی من المحتوم و خروجه فی رجب و من اول خروجه الی آخره خمسه عشر شهرا، سته اشهر یقاتل فیها فاذا ملک الکور الخمس ملک تسعه اشهر لایرید علیها یوما. [58].

خروج سفیانی از حتمیات است (باید واقع شود) و تمام مدت خروجش بیش از پانزده ماه نخواهد بود که شش ماه آن را می جنگد و چون بر پنج ایالت فرمانروایی پیدا کرد نه ماه بدون یک روز زیادتر حکومت می کند.

گفته شده است که پنج ایالت عبارتند از: دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب.

عبدالله سنان از حضرت صادق عليه‌السلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:

النداء من المحتوم و السفیانی من المحتوم و قتل النفس الزکیه من المحتوم و کف تطلع من السماء من المحتوم و قال فزعه فی شهر رمضان توقظ النائم و تفزع الیقظان و تخرج الفتاه من خذرها. [59].

ندای آسمانی حتمی است، خروج سفیانی حتمی است، کشته شدن نفس زکیه حتمی است، پیدا شدن دستی در آسمان حتمی است و ترس و فزعی در ماه مبارک رمضان پیش می آید که افراد خوابیده را بیدار کند، آنهایی که بیدارند به فزع درآیند و دختران از پس پرده بیرون بیایند (البته از ترس).

امام صادق عليه‌السلام به معلی بن خنیس که از اصحاب آن حضرت است فرمودند:

ان امر السفیانی من الامر المحتوم و خروجه فی رجب. [60].

خروج سفیانی از اموری است که حتما باید قبل از ظهور واقع گردد و خروج او در ماه رجب است.

امام ششم عليه‌السلام می فرمایند:

للقائم عليه‌السلام خمس علامات السفیانی و الیمانی و الصیحه من السماء و قتل النفس الزکیه و الخسف بالبیداء. [61].

برای قائم ما پنج نشانه است:

1 - خروج سفیانی

2 - خروج یمانی

3 - صیحه آسمانی

4 - کشته شدن نفس زکیه

5 - فرورفتن لشکر سفیانی در زمین بیداء

حمران بن اعین از امام ششم عليه‌السلام والصلوه حدیث کرده است که آن بزرگوار فرمودند:

من المحتوم الذی لابد ان یکون من قبل قیام القائم عليه‌السلام خروج السفیانی و خسف بالبیداء و قتل النفس الزکیه و المنادی من السماء. [62].

از علائمی که حتما باید پیش از ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء در خارج محقق شود خروج سفیانی و فرورفتن در زمین بیداء و کشته شدن نفس زکیه و ندای آسمانی است.

زراره بن اعین می گوید: از حضرت صادق عليه‌السلام شنیدم که می فرمایند:

ینادی مناد من السماء ان فلانا هو الامیر و ینادی مناد «ان علیا و شیعته هم الفائزون» قلت فمن یقاتل المهدی عليه‌السلام بعد هذا فقال عليه‌السلام ان الشیطان ینادی «ان فلانا و شیعته هم الفائزون» یعنی رجلا من بنی امیه قلت فمن یعرف الصادق من الکاذب قال عليه‌السلام یعرفه الذین کانوا یروون حدیثنا و یقولون انه یکون قبل ان یکون و یعلمون انهم هم المحقون الصادقون. [63].

منادی از آسمان فریاد می زد به اینکه فلان (حضرت مهدی روحی له الفداء) امیر بر مردم است و نیز منادی از آسمان می گوید که علیعليه‌السلام و شیعیانش رستگارند. گفتم: پس از این دو ندای آسمانی دیگر چه کسی با حضرت مهدی عليه‌السلام جنگ می کند؟ امام صادق عليه‌السلام فرمودند: بعد از این دو ندا شیطان فریاد می زند که فلانی و پیروانش رستگارانند. منظور از فلانی یعنی مردی از بنی امیه. عرض کردم: چگونه راستگو از دروغگو تمیز داده می شود؟ (بین این دو برنامه چگونه می توان حق را شناخت؟). فرمودند: آنهایی که احادیث ما خاندان رسالت را خوانده اند، می دانند و می گویند از پیش به ما گفته شده که حق با صیحه اول و برنامه اول است و صدای دیگر صدای شیطان است و نباید از آن پیروی کرد.

مرحوم شیخ صدوق رضي‌الله‌عنهاز عبدالله بن عجلان نقل می کند که ایشان فرمودند:

ذکرنا خروج القائم عليه‌السلام عند ابی عبدالله فقلت له کیف لنا ان نعلم ذلک فقال یصبح احدکم و تحت راءسه صحیفه علیها مکتوب طاعه معروفه. [64].

در خدمت امام صادق عليه‌السلام شرفیاب بودیم، سخن از خروج حضرت قائم عليه‌السلام به میان آمد. عرض شد: ما چگونه از روز قیام آگاهی پیدا کنیم؟ فرمودند: سر از خواب بر می دارد کسی از شما در حالی که می بیند ورقه ای زیر سر او گذاشته اند و روی آن نوشته شده «طاعه معروفه».

عبدالله بن سنان می گوید:

کنت عند ابی عبدالله عليه‌السلام فسمعت رجلا من همدان یقول له ان هولاء العامه یعیرونا و یقولون لنا انکم تزعمون ان منادیا ینادی من السماء باسم صاحب هذا الامر و کان عليه‌السلام متکاءفغضب و جلس. ثم قال لاترووه عنی و ارووه عن اءبی و لا حرج علیکم فی ذلک اشهد انی قد سمعت ابی عليه‌السلام یقول و الله ان ذلک فی کتاب الله عزوجل لبین حیث یقول «ان نشاء ننزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین» فلا یبقی فی الارض یومئذ احد الا خضع و ذلت رقبته لها فیومن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء الا ان الحق فی علی بن ابی طالب عليه‌السلام و شیعته قال فاذا کان من لغد صعد ابلیس فی الهواء حتی یتواری عن الارض ثم ینادی الا ان الحق فی عثمان بن عفان و شیعته فانه قتل مظلوما فاطلبوا بدمه قال عليه‌السلام فیثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت علی الحق و هو النداء الاول و یرتاب یومئذ الذین فی قلوبهم مرض، و المرض و الله

عداوتنا فعند ذلک یتبرؤ ون منا و یتناولونا فیقولون ان المنادی الاول سحر من سحر اهل (هذا) البیت. [65].

در خدمت حضرت صادق عليه‌السلام بودم، شنیدم مردی از اهل همدان به آن حضرت عرض کرد: دشمنان شما ما را سرزنش می کنند و می گویند شما گمان می کنید که منادی از آسمان به نام صاحب این امر (ولایت) صدا می زند؟ امام عليه‌السلام همان گونه که تکیه داده بودند نشستند در حالی که آثار غضب از چهره مبارکشان نمایان بود. فرمودند: این مطلب را از من روایت نکنید بلکه از پدرم روایت کنید. به خدا قسم، شنیدم پدرم می فرمود این مطلب (صیحه آسمانی) در قرآن خداوند است آنجایی که می فرماید «اگر ما بخواهیم، از آسمان آیت قهر نازل گردانیم که همه به جبر گردن زیر بار ایمان فرود آورند». [66] در آن روز در سرتاسر کره زمین نمی ماند کسی مگر اینکه در مقابل این صیحه به زانو در می آید و گردنها کج می شوند. پس، وقتی که صیحه آسمانی بلند شد و حجت خداوند (حضرت مهدی روحی له الفداء) را معرفی کردند تمام ساکنان کره زمین ایمان می آورند. مضمون صدا این است که ای مردم دنیا! آگاه باشید که حق با علی بن ابی طالب عليه‌السلام و پیروان اوست. فردای آن روز شیطان در میان زمین و آسمان فریاد می زند که حق با عثمان بن عفان و پیروان اوست؛ او مظلوم کشته شده است؛ پس انتقام خون او را بگیرید. آنگاه خداوند دوستان ما را بر ندای اول ثابت قدم می دارد (به دوستی امیرالمؤمنین عليه‌السلامو فرزندانش)، اما آنهایی که دارای قلبهای بیمار هستند در وادی هلاکت سقوط خواهند کرد. و به پروردگار سوگند که امراض قلبی آنها غیر از دشمنی ما اهل بیت چیز دیگری نخواهد بود و می گویند صدای اول از سحر و جادوهای این خانواده بود (اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله اجمعین).

سدیر از امام صادق عليه‌السلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:

یا سدیر الزم بیتک و کن حلسا من احلاسه واسکن ماسکن اللیل و النهار فاذا بلغ ان السفیانی قد خرج فارحل الینا ولو علی رجلک قلت جعلت فداک هل قبل ذلک شیء قال نعم و اشاربیده بثلاث اصابعه الی الشام و قال ثلاث رایات رایه حسنیه و رایه امویه و رایه قیسیه فبیناهم (علی ذلک) اذ قد خرج السفیانی فیحصدهم حصد الزرع ما راءیت مثله قط. [67].

ای سدیر! در خانه خودت قرار بگیر و مانند فرش منزل باش و ساکت بمان تا وقتی که سفیانی خروج می کند. به مجرد رسیدن خبر خروج سفیانی فورا به سوی ما (مهدی ما) حرکت کن اگر چه با پای پیاده باشد. عرض کردم: آیا پیش از این جریان نشانه ای هست که دلیل بر تحقق خروج سفیانی باشد؟ فرمودند: آری. و با سه انگشت اشاره به شام فرمودند و توضیح دادند که سه پرچم در اهتزاز می آید:

1 - پرچم حسنیه

2 - پرچم امویه

3 - پرچم قیسیه

در همین اثنا سفیانی خروج می کند و پیروان هر سه پرچم را مانند محصولات زراعی درو می کند و به کشتاری دست می زند که مانند آن را هیچگاه ندیده ای.

امام صادق عليه‌السلام فرمودند:

خروج الثلاثه الخراسانی والسفیانی والیمانی

فی سنه واحده فی شهر واحد فی یوم واحد و لیس فیها رایه باهدی من رایه الیمانی یهدی الی الحق. [68].

خروج خراسانی و سفیانی و یمانی هر سه در یک سال و در یک ماه و در یک روز است؛ اما هیچ پرچمی هدایتگر تر از پرچم یمانی نیست. آری، مردم را دعوت به حق می کند.

ابان بن تغلب از حضرت صادق عليه‌السلام روایت می کند که فرمودند:

سیئاتی فی مسجدکم ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا یعنی مسجد مکه یعلم اهل مکه انه لم یلد (هم) آباؤهم ولا اجدادهم علیهم السیوف مکتوب علی کل سیف. کلمه تفتح الف کلمه فیبعث الله تبارک و تعالی ریحا فتنادی بکل واد هذا المهدی یقضی بقضاء داود و سلیمان عليهما‌السلام لایرید علیه البینه. [69].

زود باشد که در مسجد شما (مکه معظمه) سیصد و سیزده نفر اجتماع می کنند. مردم مکه می دانند که اینها در مکه متولد نشده اند. شمشیرهایی به دست دارند و روی لبه هر شمشیر جمله ای نوشته شده است که هزار کلمه از آن گرفته می شود (در این جمله از روایت سری از اسرار بزرگ ولایت نهفته است که در ظهور معلوم می شود). خداوند تبارک و تعالی بادی را مأمور می کند که در تمام دنیا فریاد بزند: ای مردم جهان! این است مهدی آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله که داوری می کند مانند سلیمان و داود عليهما‌السلامو احتیاج به دلیل و برهان ندارد (قضاوت آن حضرت بر اساس واقع است).

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] ارشاد مفید،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 353.

[2] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 352.

[3] بقره / 155.

[4] ارشاد مفید،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 353.

[5] روزگارهایی، ج 1 / ص

[6] آل عمران / 83.

[7] ارشاد مفید،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 359.

[8] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 361.

[9] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 361.

[10] حجر / 75 و 76.

[11] اثباه الهداه، ج 7 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 403.

[12] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 397.

[13] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 396.

[14] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 396.

[15] غیبت طوسی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 271.

[16] نفس زکیه طبق روایات معتبر جوانی است از آل محمد که پیش از ظهور در بین رکن و مقام در کنار خانه کعبه شهید می شود.

[17] آل عمران / 179.

[18] نوائب الدهور، ج 1، 78.

[19] بحار الانوار، ج 52،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 254 - 260.

[20] این عبارت یا از باب تقیه است یا جهت امتحان و آزمایش منصور؛ والا حجت خداوند که تمام عالم هستی به امر خداوند متعال در دست اوست چگونه نیاز به دشمن خدا دارد؟.

[21] در انگلستان عمل شنیع لواط قانونی اعلام شده و مساءله همجنس بازی فوق العاده شایع است و نیز در بعضی از کشورهای اروپایی دیگر - مانند فرانسه - عمل لواط شایع است و خود فروشان خودشان را عرضه می دارند.

[22] بحارالانوار، ج 53 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 7.

[23] زمر/ 74.

[24] غیبت طوسی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 267.

[25] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 274.

[26] غیبت نعمانی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 270.

[27] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 272.

[28] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 274.

[29] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 274.

[30] الامامه و التبصره،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 130.

[31] الزام الناصب، ج 2 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 163.

[32] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 159.

[33] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 164.

[34] بقره / 148.

[35] الزام الناصب، ج 2 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 287.

[36] غیبت نعمانی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 252.

[37] روزگارهایی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 458.

[38] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 458.

[39] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 429.

[40] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 430.

[41] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 430.

[42] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 431.

[43] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 513.

[44] همان

مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 514.

[45] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 515.

[46] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 515.

[47] کمال الدین صدوق، ج 2 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 390 (چاپ جدید،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 672، ح 25).

[48] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 391 (چاپ جدید،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 674، ح 28).

[49] یوسف / 94.

[50] کمال الدین صدوق، ج 2 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 392 (چاپ جدید،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 674، ح 29).

[51] روزگارهایی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 515.

[52] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 516.

[53] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 516.

[54] توبه / 33.

[55] کمال الدین صدوق، ج 2 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 387 (چاپ جدید،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 670، ح 16).

[56] روزگارهایی، ج 1 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 506.

[57] الامام المهدی عليه‌السلام من المهد الی الظهور،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 516.

[58] اثبات الهداه، ج 7 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 430.

[59] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 423.

[60] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 396.

[61] مکیال المکارم، ج 2 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 185.

[62] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 188.

[63] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 188.

[64] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 189.

[65] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 187.

[66] شعرا / 4.

[67] بحارالانوار، ج 52 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 270 و 271.

[68] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 210.

[69] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 286.

# حضرت امام رضا عليه‌السلام و نشانه های ظهور

حسن بن محبوب از وجود مقدس حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا عليه‌السلام حدیثی بیان کرده که ذیلا به نظر خوانندگان عزیز می رسد:

انه قال لابد من فتنه صماء صیلم یسقط فیها کل بطانه و ولیجه و ذلک عند فقدان الشیعه الثالث من ولدی یبکی علیه اهل السماء و اهل الارض و کم من مؤ من متاءسف حران حزین عند فقد الماء المعین کانی بهم اسرما یکونون وقد نودوا نداء یسمعه من بعد کما یسمعه من قرب یکون رحمه للمؤ منین و عذابا للکافرین فقلت و ای نداء هو (قال عليه‌السلام ) ینادون فی رجب ثلاثه اصوات من السماء صوتا منها الا لعنه الله علی الظالمین و الصوت الثانی ازفت الازفه یا معشر المؤمنین والصوت الثالث یرون بدنا بارزا نحو عین الشمس هذا امیرالمؤمنین قد کر فی هلاک الظالمین (و فی روایه الحمیری) و الصوت بدن یری فی قرن الشمس یقول ان الله بعث فلانا فاسمعوا له و اطیعوا و قالا جمیعا فعند ذلک یاءتی الناس الفرج و تود الناس لو کانوا احیاء و یشفی الله صدور قوم مؤمنین. [1].

امام عليه‌السلام فرمودند: ناچار باید فتنه ای سخت و بزرگ و بلایی و بنیان کن دامن مردم را بگیرد که تمام سدهای دوستی و رابطه های خویشاوندی و اعتمادهای قومی و دوستی درهم کوبیده شود (پناهگاهی نباشد) و این سختیها و بلاها در وقتی است که شیعه سومین فرزندم را از دست بدهند (یعنی امام حسن عسکری وفات کند و حضرت مهدی عليه‌السلام غایب باشد). پنهان بودن او چندان سنگین است که ساکنان آسمانها و نیز اهل زمین بر او و از فراق او گریه می کنند و چه بسیار افراد با ایمان که در این زمان در آتش هجران می سوزند و به آب گوارا (ماء معین) دست نمی یابند. گویی می بینم سرور و خوشحالی آنان را که در نتیجه شنیدن یک صدا به آنها دست می دهد. شنیدن این صدا برای آنهایی که نزدیک یا دورند یکسان است (همه می شنوند) و آن ندا رحمت است برای اهل ایمان و عذاب است برای کافران. عرض کردم: آن ندا چیست؟ فرمودند: سه صدا در ماه مبارک رجب شنیده می شود البته از آسمان:

اول. آگاه باشید که ستمگران از رحمت خداوند دور و ملعون اند.

دوم.«ازفت الازفه یا معشر المؤمنین»(نزدیک شد نزدیک شونده ای گروه مؤمنان!).

سوم. بدنی را در خورشید می بینند. گوینده آسمانی فریاد می زند: این است امیرالمؤمنین که به دنیا برگشته است برای هلاک کردن ستمگران (این بدن، وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام است).

روایت حمیری می گوید: صوت سوم از آسمان گوینده ای می گوید: ای مردم! خداوند فلان بن فلان (یعنی حجه بن الحسن العسکری) را مأمور فرموده است بر شما، واجب است او را اطاعت کنید. در این موقع برای همه مردم فرج می شود و آنهایی که از این دنیا رفته اند آرزو می کنند ای کاش زنده بودند. و خداوند دلهای مؤمنان را شفا می دهد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] غیبت طوسی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 268.

# امام رضا عليه‌السلام و اجتماع شیعه در ظهور

والله لو ان قائمنا قام یجمع الله الیه شیعته من جمیع البلدان.

به خدا سوگند اگر مهدی ما قیام کند خداوند تمام شیعیانش را از سرتاسر جهان در اطراف او جمع می کند.

اباصلت می گوید: به حضرت علی بن موسی الرضا عليه‌السلامعرض کردم نشانه قائم چیست؟ فرمودند:

ما علامه قائمکم قال علامته ان یکون شیخ السن شاب المنظر حتی ان الناظر لیحسبه ابن اربعین سنه او مادونها و ان علاماته ان لایهرم بمرور اللیالی و الایام حتی یاءتیه اجله. [1] ع

یکی از علائم قائم ما این است که بزرگ سن و جوان منظر است بطوریکه بیننده خیال می کند او چهل سال یا کمتر دارد و تا فرا رسیدن مرگ اثر پیری در او ظاهر نخواهد شد. این است معنی خلیفه الله و فرمانروای عالم هستی که تمام قوانین و سنن طبیعی این جهان محکوم اراده او هستند.

بزنطی از حضرت علی بن موسی الرضا عليه‌السلام در باب نشانه های ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفداء نقل می کند که آن حضرت می فرمایند:

قبل هذا الامر السفیانی و الیمانی و المروانی و شعیب بن صالح و کف یقول هذا و هذا. [2].

در مقدمه قیام فرزندم حضرت مهدی عليه‌السلام پنج علامت دیده می شود:

1 - خروج سفیانی

2 - قیام یمانی

3 - خروج مروانی

4 - شعیب بن صالح

5. - بیرون آمدن دستی از آسمان بطوریکه افراد آن را به یکدیگر نشان بدهند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] اثباه الهداه، ج 7 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 398.

[2] مکیال المکارم، ج 2 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 186.

# حضرت امام حسن و امام حسین و اصحاب ائمه عليهما‌السلام و نشانه های ظهور

عمیره بنت نفیل از حضرت امام حسن یا از حضرت امام حسین علیهماالسلام نقل کرده است که فرمودند:

قالت سمعت الحسن (الحسین) بن علی سلام الله علیهما یقول لا یکون الامر الذی تنظرون (امر ظهور) حتی یبراء بعضکم من بعض و یتفل بعضکم فی وجوه بعض و یشهد بعضکم علی بعض بالکفر و یلعن بعضکم بعضا فقلت له ما فی ذلک الزمان من خیر فقال الحسین عليه‌السلام الخیر کله فی ذلک الزمان یقوم قائمنا و یدفع ذلک کله. [1].

امری که (به آن) چشم دوختید (ظهور مهدی ما) محقق نخواهد شد مگر بعد از به وجود آمدن نشانه های زیر:

1 - بیزاری جستن مؤ من و مسلمان از برادر خویش.

2 - آب دهان به صورت یکدیگر می اندازند.

3 - بعضی شهادت بر کفر بعضی دیگر می دهند.

4 - بعضی از مسلمانان دیگری را لعن می کنند.

می گوید عرض کردم: پس خیری در این زمان نخواهد بود؟ فرمودند: این طور نیست، تمام خیرات و خوبیها در این زمان است؛ چون قائم ما قیام می کند و تمام صفات مذمومه ذکر شده را از بین می برد اللهم عجل فرجه

فضل بن شاذان از عمار یاسر نقل می کند که فرمودند:

دعوه اهل بیت نبیکم فی آخر الزمان فالزموا الارض و کفوا حتی تروا قادتها فاذا خالف الترک الروم و کثرت الحروب فی الارض ینادی مناد علی سور دمشق ویل لازم من شر قد اقترب و یخرب حائط مسجدها. [2].

دعوت اهل بیت پیامبر شما در آخرالزمان است. ملازم خانه های خود باشید و از جای خود حرکت نکنید و صبر پیشه سازید تا اینکه رهبر قیام را ببیند. پس، هرگاه ترکها با رومیها درگیر شوند و جنگ و خونریزی در زمین بالا گیرد منادی بر دروازه دمشق فریاد خواهد زد که وای از شری که نزدیک شده است، و نیز دیوار مسجد دمشق فرو ریزد.

شیخ الطائفه (طوسی) در کتاب غیبتش از سعید بن جبیر نقل فرموده است:

السنه التی یقوم فیها المهدی تمطر اربعا و عشرین مطره یری آثرها و برکتها. [3].

در آن سالی که حضرت مهدی ارواحنا له الفداء قیام می کنند بیست و چهار ساعت باران می بارد و آثار و برکات آن بارانها دیده می شود.

محمد بن بشر از جناب محمد حنیفه نقل می کند که فرمودند:

قلت له قد طال هذا الامر حتی متی؟ (قال) فحرک راءسه ثم قال انی یکون ذلک ولم یعض الزمان یکون ذلک ولم یجفوا الاخوان انی یکون ذلک ولم یظلم السلطان انی یکون ذلک ولم یقم الزندیق من قزوین فیهتک ستورها و یکفر صدورها و یغیر سورها و یذهب بهجتها من فرمنه ادرکه و من حاربه قتله و من اعتزله افتقر و من تابعه کفر حتی یقوم باکیان باک یبکی علی دینه و باک یبکی علی دنیاه. [4].

به آن حضرت عرض کردم که قیام و دولت شما طول کشیده است. این امر کسی خواهد شد؟ پس، سر مبارک را تکان داده، فرمودند: هنوز اوضاع جهان دگرگون نشده و برادر درباره برادر جفا نکرده است. کجاست آن قیام و حال آنکه سلطان درباره رعیت ظلم نکرده است. کجاست آن حکومت و حال آنکه زندیقی از قزوین حرکت نکرده است که پرده های عصمت را بدرد و قلبها را انباشته از کفر کند، دیوارهای آن را تغییر دهد و طراوت و بهجت آن را از بین ببرد؟ کسی که از او فرار کند او را می گیرد و هر کسی با او بجنگد او را می کشد و کسی که خانه نشینی اختیار کند فقر او را فرا می گیرد و آن کسی که از او متابعت نماید کافر می شود. سرانجام کار به جایی می رسد که با یک چشم بر دنیای خود گریه کند و با چشم دیگر بر آخرت (کنایه است از کسی که بر دین و دیگری که بر دنیای خود خواهد گریست و ممکن است اشاره به قیام رضاخان و جنایات او باشد).

محمد بن مسلم خبر می دهد که:

ینادی مناد من السماء باسم القائم فیسمع ما بین المشرق الی المغرب فلایبقی راقد الا قام و لا قائم الا قعد و لا قاعد الا قام علی رجلیه من ذلک الصوت و هو صوت جبرئیل عليه‌السلام الروح الامین. [5].

منادی، حضرت قائم آل محمد (ارواحنا له الفداء) را به اسم صدا می زند و معرفی می کند و همه مردم روی زمین از مشرق تا مغرب و آنچه بین این دوست این صدا را می شنوند. آنهایی که خواب هستند بیدار می شوند و می ایستند و آن دسته ای که ایستاده اند می نشینند؛ افرادی که نشسته اند از هیبت این صدا بر می خیزند و می ایستند و این صدای جبرئیل روح الامین عليه‌السلام است.

سید بن طاوس اعلی الله مقامه در کتاب خود به یکی از نشانه های ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفداء تحت عنوان ستاره دنباله دار اما پرفروغ چنین اشاره فرموده اند:

یطلع نجم من المشرق قبل خروج المهدی له ذنب یضی ء لاهل الارض کاءضاءه القمر لیله البدر. [6].

قبل از خروج حضرت مهدی عليه‌السلام ستاره دنباله دار طالع می شود که تمام ساکنان کره زمین از نور استفاده می کنند، مانند ماه شب چهارده که جهان را غرق در نور می سازد. این ستاره قبل از ظهور چنین است. [7].

سید بن طاوس اعلی الله مقامه از ابن شهر آشوب در ارتباط با ایوان کسری روایتی نقل می کند که مشروح آن به خاطر اهمیت فوق العاده اش در اختیار خوانندگان عزیز قرار می گیرد. امید است برای همه ما در تحکیم عقائدمان مؤثر باشد. البته به گفته سید بن طاوس ابن شهر آشوب این مطلب را در باب امامت حضرت قائم روحی له الفداء نقل فرموده است (در جلد هشتم از «مناقب»). محمد بن علی نوشجانی خبر داده است که:

اخبر یزجرد بیوم القادسیه و انجلائها عن خمسین الف قتیل من الفرس فخرج یزدجرها ربا فی اهل بیته فوقف بباب الایوان فقال السلام علیک ایها الایوان ها انا ذا منصرف عنک و راجع الیک انا او رجل من ولدی لم یدن زمانه ولا آن اوانه قال سلیمان الدیلمی فساءلت الصادق عليه‌السلام عن معنی قوله او رجل من ولدی قال ذلک قائمکم السادس من ولدی وقد ولده یزجرد ابن شهریار من قبل ام علی بن الحسین عليه‌السلام شهر بانو بنت یزجرد فهو ولده من الحسین عليه‌السلام و فی هذا الحدیث آیات منها ان الصادق عليه‌السلام اخبر ان القائم هو السادس من ولده کما جرت الحال علیه فلا بد ان یکون علم ذلک من جانب الله و عن آبائه الطاهرین والا کیف کان یعلم انه یکون له عقب متصل الی السادس من ولده و منها تصدق النقل لما تجدد للسادس من ولده عليه‌السلام من اعتقاد انه القائم ولم یعتقد ذلک فی احد من آبائه قبله و منها بقاء الایوان الی الان وقد هدم جمیع دور کسری و آثارها و منها معرفه کسری بطریق النجوم او غیرها تحدید ذلک و تصدیق اهل بیت النبوه فی اعتقادهم ولله الحجه البالغه. [8].

یزدجرد پادشاه ایران در شکست با مسلمانان و کشته شدن پنجاه هزار سرباز ایرانی که منجر به گریختن یزدجرد و خانواده اش شد، می گوید: پس یزدجرد در حالی که خودش و اهل بیتش فرار می کردند آمد در ایوان پادشاهی مدائن ایستاد و گفت: سلام بر تو ای ایوان پادشاهی من! اکنون من ناگزیرم که از تو جدا بشوم و بروم، اما طولی نمی کشد که به سوی تو باز می گردم: یا خود من یا یکی از فرزندان من. سلیمان دیلمی می گوید از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: معنی کلام یزدجرد (یا خود من یا یکی از فرزندان من) چیست؟ حضرت فرمودند: این مردی از فرزندان من است و او قائم شماست که ششمین فرزند من است که از طرف مادر فرزند یزدجرد است؛ (چون) حضرت علی بن الحسین عليهما‌السلام نوه یزدجرد بوده و شهربانو دختر یزدجرد همسر حضرت امام حسین عليه‌السلام است (بنابراین، حضرت بقیه الله روحی له الفداء از طرف مادر نوه یزدجرد می شود). مرحوم سید بن طاوس می فرماید: در این روایت آیاتی از قدرت خداوند است:

1 - اینکه حضرت امام صادق عليه‌السلام خبر داده که حضرت قائم فرزند ششم آن حضرت است لابد از طرف خداوند یا آباء گرامی اش به او گفته شده که حضرت قائم فرزند ششم شماست، والا از کجا می دانسته که از اعقاب او مردی به وجود می آید که نامش قائم است؟

2 - از آیات قدرت خداوند اینکه تمام کاخها و قصرها و خانه های کسری ویران شده است فقط ایوان مانده است تا الان، آن هم ایوانی با آن ارتفاع که میان زمین و آسمان مانده است.

3 - خبر داشتن کسری از طریق علم نجوم یا غیره از اینکه در آینده فرزندی از او به وجود می آید و برمی گردد به سمت ایوان مدائن (اتفاقا مرکز سلطنت حضرت مهدی روحی له الفداء در عراق مسجد سهله خواهد بود).

4 - دیگر اینکه ممکن است عالم غیب ناخودآگاه بر زبان یزدجرد جاری کرده باشد که در آینده چنین خواهد شد. به هر حال، حجتهای خداوند باید بر بندگانش به صورتهای مختلف تمام بشود تا راه بهانه ای برای کسی نماند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] غیبت نعمانی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 206.

[2] غیبت طوسی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 268.

همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 269.

[4] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 269.

[5] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 274.

[6] الملاحم و الفتن،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 46.

[7] در سال تألیف این کتاب ستاره مذکور در کره زمین دیده شد، حتی با چشمهای غیر مسطح.

[8] الملاحم و الفتن،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 200،.

# نشانه های ظهور در کتب معتبر اهل سنت و جماعت

در این فصل روایات رسیده از وجود مقدس رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله و اوصیای عزیزش را که در کتابها معتبر اهل سنت و جماعت، آن هم در معتبرترین آنها (صحاح سته) و کتابهای معتبر دیگر در باب علائم ظهور آمده است عنوان می کنیم تا خوانندگان عزیز بدانند که تنها علمای شیعه درباره علائم و نشانه های ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء کتاب ننوشته و نقل احادیث نکرده اند، بلکه حتی آنهایی که بر حسب ظاهر ولایت و امامت را از مسیر اصلی خودش تغییر داده و بزرگان آنها آنچه نباید بکنند، کرده اند (اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک)نیز درباره آن حضرت و نشانه های ظهور او روایات عدیده نقل کرده اند.

اینک به خواست خداوند و الطاف کریمانه امام مظلوم و عزیز ما، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به سراغ کتابهای یاد شده می رویم و تا آنجایی که عنایت بشود در جمع روایات رسیده از پیشوایان معصوم سلام الله علیهم اجمعین پیگیری خواهیم کرد و امید است برای عموم مسلمانان راهنمای خوبی باشد.

# امام عصر عليه‌السلام در کتابهای اهل سنت

محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی ابی طالب و کنیته ابوعبدالله و ابوالقاسم و هو الخلف الحجه صاحب الزمان القائم المنتظر و التالی و هو آخر الائمه. انباءنا عبدالعزیز بن محمود البزاز عن ابن عمر قال قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله یخرج فی آخر الزمان رجل من ولدی اسمه کاسمی و کنیته ککنیتی یملاء الارض عدلا کما ملئت جورا فذلک هو المهدی. [1].

او محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند علی الرضا فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب کنیه او ابوعبدالله و ابوالقاسم. او تنها بازمانده از حجتهای خداوند است و صاحب الزمان و قائم منتظر و آخرین امام معصوم. این خبر از زبان عبدالعزیز فرزند محمود پسر بزاز از فرزند عمر نقل شده است که پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: در آخرالزمان مردی از عترت و فرزندان من که اسمش مانند اسم من و کنیه او مانند کنیه من است زمین را پر از عدل و داد می کند همچنانکه پر از جور شده باشد و این است مهدی (آل محمد).

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] تذکره الخواص،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 138.

# رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهو تعریف امام

من مات ولم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه. [1].

هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

در این روایت بنیانگذار اسلام در ارتباط با شخصیت امام عليه‌السلام به اصولی اشاره فرموده اند:

1 - وجوب شناسایی امام در هر زمان.

2 - امام باید معصوم از خطا باشد تا به جاهلیت گرایش نیابد.

3 - امام باید به تمام احکام اسلام، اعم از واجب و حرام، آگاه باشد.

4 - امام باید حتما از طرف خداوند انتخاب شده و علم او علم خدایی باشد.

5 - بدون شناخت امام بهره برداری از نعمتهای عالم آخرت میسر نیست.

6 - نظام عالم هستی در سایه وجود امام باقی می ماند.

7 - با این اوصاف، حکومت بر جهان حق مسلم امام است.

8 - تنها امام معصوم است که با اتکا به قدرت بی نهایت خداوند،جهان را پس از پر شدن از ظلم و جور مملو از عدل و داد می کند.

9 - نفی امامت امام غیر معصوم و مدعیان مهدویت.

10 - برنامه کار و دولت امام آسمانی باید از طرف خداوند عالم تدوین شود و آن حضرت همان را در اجتماع پیاده کند.

در پایان، شایان ذکر است که منظور از این بحث (شناخت امام عليه‌السلام شناسایی آن حضرت از لحاظ کمالات روحی و جسمی است و نیز نحوه ارتباط آن سرور با خداوند بزرگ و کیفیت استیلای آن وجود مقدس بر عالم هستی و شکل پیاده شدن سلطنت آن امام عزیز و برنامه حکومت آن تنها یادگار رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله ، والا نه تنها بنده بی بضاعت، عاجز و از پا درآمده هستم بلکه به طور مسلم بزرگان ما نیز از بیان شناخت واقعی امام عاجزند. لذا رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به امیرالمؤمنین فرمودند: ای علی! غیر از خدا و تو کس دیگری مرا نمی شناسد و نیز غیر از من و خداوند کس دیگری نمی تواند تو را بشناسد. البته شناخت ظاهری از لحاظ پدر و مادر و سایر مشخصات، عملی و ممکن است و همه می توانند و باید این شناخت را داشته باشند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] الامام المهدی عند اهل السنه، ج 1 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 12.

# حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام و تعریف امام

و انما الائمه قوام الله علی خلقه و عرفاؤ ه علی عباده لایدخل الجنه الا من عرفهم و عرفوه و لایدخل النار الا من انکرهم و انکره. [1].

و پیشوایان برای خلق پیرو (امر و نهی) خداوند هستند و او را به بندگانش می شناسانند. داخل بهشت نمی شود مگر کسی که آنها را بشناسد و ایشان هم او را بشناسند و داخل آتش نمی شود مگر کسی که منکر آنان باشد و ایشان هم او را از آن خویش ندانند.

امام امیرالمؤمنینعليه‌السلام در این خطبه کوتاه در اوصاف ائمه معصومین و فرستادگان خداوند با اشاره به سه اصل مسلم فرموده اند:

اول: این ذوات مقدسه از طرف خداوند متعال مأمور قیام برای هدایت و ارشاد مخلوقات الهی هستند. نهایت اینکه برای هر کدام برنامه خاصی از طرف آفریننده جهان تدوین شده است که ناگزیر باید بر طبق آن عمل کنند (خانه نشینی، دست به شمشیر بردن، با دشمن صلح کردن، معارف عالیه اسلام را به زبان دعا به مردم رساندن، باب مکتب علوم اهل بیت را به روی افراد گشودن و تربیت هزاران شاگرد برجسته، در زندانها جان دادن و به وسیله مناجات مردم را متوجه مبداء و معاد کردن) تا وقتی که ان شاءالله نوبت به حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء برسد و جهان را آباد و معمور فرماید و ریشه ظلم و بیدادگری را از بیخ و بن برکند و عدل و داد واقعی را در سرتاسر جهان پیاده کند و حکومت جهانی الله را در سرتاسر گیتی فرمانروایی بخشد.

دوم: ائمه معصومین مرکز عرفان و شناسایی ذات حق در میان مردم هستند و اگر افراد جامعه بخواهند نسبت به عالم غیب عرفانی پیدا کنند و احکام و مقررات الهی را فرا بگیرند، تنها این ذوات مقدسه هستند که می توانند به آنها آگاهی بدهند، همان گونه که در زیارت مبارک «جامعه کبیره» می خوانیم «السلام علی محال معرفه الله». (سلام بر جایگاههای شناخت خدا).

سوم: بهره برداری از بهشت و نعمتهای ابدی آن در گرو عرفان و شناسایی ائمه دوازده گانه سلام الله علیهم اجمعین و دور ماندن از جهنم و عذابهای دردناکش در سایه ایمان و اعتقاد به این ذوات مقدسه است.

به هر حال، وصول به سعادت ابدی در سایه پیروی و اطاعت از فرمان این عزیزان خواهد بود.

در روایت زیر به مناسبت آیه شریفه «واستمع یوم الخ» [2] از حضرت صادق عليه‌السلام نقل شده است که فرمودند:

قال ینادی المنادی باسم القائم واسم ابیه عليهما‌السلام و الصیحه فی هذه الایه صیحه من السماء و ذلک یوم خروج القائم عليه‌السلام . [3].

منادی از آسمان قائم ما را به اسم و نیز اسم پدرش معرفی می کند و صیحه در این آیه صیحه از آسمان است و آن روز، روز قیام مهدی ما است.

معاویه بن عمار از حضرت امام صادق عليه‌السلام در تفسیر آیه 41 سوره رحمان [4] نقل می کند که فرمودند:

لو قام قائمنا عليه‌السلام یعرف اعداؤ نا بسیماهم فیاخذهم بنواصیهم واقدامهم یخبطهم هو و اصحابه بالسیف خبطا. [5].

در هنگام قیام مهدی قائم ما دشمنان ما به وسیله صورتهایشان شناخته می شوند. آنگاه آن حضرت و یاران عزیزش آنها را دستگیر و منکوب خواهند ساخت.

عمر بن خنظله روایت می کند که ضمن خواندن آیه 4 سوره اشعرا [6] از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: نشانه های قیام قائم شما چیست؟ فرمودند:

خمس علامات لقیام القائم عليه‌السلام الصیحه و خروج السفیانی والخسف و قتل النفس الزکیه و الیمانی قال فتلوت هذه الایه فقلت له اءهی الصیحه قال نعم. [7].

برای قیام قائم ما پنج علامت است:

1 - صیحه آسمانی (که البته تمام مردم کره زمین آن را می شنوند و به زبانهای مختلف ترجمه می شود تا همه مردم بدانند).

2 - خروج سفیانی (که از نوادگان بنی امیه است).

3 - خسف و فرورفتن (در زمین بیداء که ظاهرا فرورفتن لشکر سفیانی باشد).

4 - کشتن نفس زکیه (در بین رکن و مقام که البته از دوستان خوب امام عصر روحی له الفداء است).

5 - خروج یمانی.

می گوید: آیه بالا را خواندم و عرض کردم: این است صیحه؟ فرمودند: آری.

ابی سعید در حدیث زیر، از رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل می کند که آن حضرت به چند نشانه از مشخصات وجودی حضرت بقیه اللّه ارواحنا له الفداء چنین اشاره فرموده اند:

المهدی منی اجلی الجبهه اقنی الانف یملاء یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا [8].

1 - مهدی از من است (بنابراین، حتما باید از فرزندان آن حضرت باشد، و در نتیجه، مدعیان دروغگو رسوا خواهند بود).

2 - پیشانی او (مهدی روحی له الفداء) گشاده است.

3 - بینی او قلمی و کشیده است.

4 - کره زمین را پر از عدل و داد می کند و چناچه از ظلم و جور پر شده باشد.

ابو داود، ابن ماجه، طبرانی و حاکم از ام سلمه نقل کرده اند که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: المهدی من عترتی من ولد فاطمه. [9].

مهدی از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه عليها‌السلام خواهد بود.

بنابراین حدیث، مدعیان مهدویت که از فرزندان فاطمه عليهما‌السلام نباشد دروغگو خواهند بود. لعنه الله علیهم.

ابی سعید از رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:

ابشرکم بالمهدی رجل من قریش (من عترتی) یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل فیملا الارض قسطا کما ملئت جورا و ظلما و یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض و یقسم المال صحاحا فقال له رجل ما صحاحا قال بالسویه بین الناس و یملاء قلوب امه محمد غنی و یسعهم عدله حتی انه یاءمر منادیا فینادی من له حاجه الی فما یاءتیه احد الا رجل واحد یاءتیه فیساءله فیقول ائت السادن حتی یعطیک. [10].

بشارت بدهم به شما به مردی از خاندانم که نام او مهدی است. در میان امت من برانگیخته می شود در حالتی که اختلاف فوق العاده ای در میان مردم به وجود آمده و ارکان اجتماع متزلزل است. او (مهدی من) جهان را پر از عدل و داد می کند بعد از اینکه پر از ظلم و جور شده باشد. در سایه حکومت عدل پرورش اهل آسمانها و ساکنان زمین راضی و خوشحال هستند، اموال بیت المال را بالسویه تقسیم می کنند (آری، در آن دولت تبعیض وجود ندارد)، قلبهای امت من پر از بی نیازی خواهد بود و عدل حکومتش سرتاسر دنیا را خواهد گرفت و چندان عدالت گسترش می یابد که منادی از طرف آن حضرت ندا می دهد که هر کس نیازی دارد به سوی ما بیاید تا احتیاج او تأمین شود. فقط یک نفر مراجعه می کند. پس، از او درخواست می کند. می فرماید: پیش خادم و پرده دار برو تا به تو بدهد.

احمد، نعیم بن حماد، حاکم و ابونعیم از ثوبان نقل می کنند که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند:

اذا راءیتم الرایات السود قد

اقبلت من خراسان فاءتوها ولو حبوا علی الثلج فان فیها خلیفه الله المهدی. [11].

هنگامی که پرچمهای سیاه را که از خراسان می آیند مشاهده کردید به آن جمعیت ملحق شوید اگر چه روی برفها (با سینه) حرکت کنید؛ زیرا جانشین خداوند حضرت مهدی (روحی له الفداء) در آن لشکر خواهد بود.

حذیفه نقل می کند که پیامبر بزرگ اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند:

المهدی رجل من ولدی وجهه کالکوکب الدری. [12].

مهدی مردی از فرزندان من است که صورتش مانند ستاره درخشان است.

حذیفه می گوید که رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند:

المهدی رجل من ولدی لونه لون عربی و جسمه جسم اسرائیلی علی خده الایمن خال کانه کوکب دری یملاء الارض عدلا کما ملئت جورا یرضی فی خلافته اهل الارض و اهل المساء و الطیر فی الجور. [13].

مهدی مردی از فرزندان من است. اما نشانه های وجودی او:

1 - از نظر رنگ و قیافه، عربی است.

2 - از لحاظ جسم و قوای جسمی اسرائیلی است (اشاره به قدرت جسمی فوق العاده آن سرور است).

3 - در سمت راست صورت مبارکش خال سیاهی است که مانند ستاره ای پرفروغ بر روی صفحه صورتش می درخشد.

4 - برنامه کار دولتش: جهان را پر از عدالت می کند چناچه پر از جور شده باشد. به نحوی که در دوران خلافتش اهل زمین و اهل آسمان و پرندگان در فضا خشنود می شوند.طبرانی در کبیر و ابونعیم از علی بن هلالی نقل می کند که پیامبر بزرگوار اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله به حضرت فاطمه عليها‌السلامفرمودند:

والذی بعثنی بالحق ان منهما یعنی من الحسن و الحسین مهدی هذه الامه اذا صارت الدنیا هرجا مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغار بعضهم علی بعض فلا کبیر یرحم صغیرا ولا صغیر یوقر کبیرا بعث الله عند ذلک منهما من یفتح حصون الضلاله و قلوبا علفا یقوم بالدین فی آخر الزمان کما قمت فی اول الزمان و یملاء الارض عدلا کما ملت جورا. [14].

دخترم! به آن خدایی که مرا مبعوث به رسالت فرموده مهدی از امام حسن و امام حسین عليهم‌السلام است. [15] دخترم! آنگاه که دنیا از هرج و مرج پر شد و انواع فتنه ها جهان را فرا گرفت و عدم امنیت راه زندگی را بر مردم مسدود نمود، مردم اموال یکدیگر را به غارت بردند، بزرگسالان به کوچکتر از خود رحم نکردند و افراد کم سن و سال احترام بزرگان را رعایت ننمودند، در این موقع، خداوند از فرزندان امام حسن و امام حسین عليهما‌السلام مهدی این امت را مأمور به قیام می فرماید و کاخهای ضلالت و گمراهی (شرک و کفر و نفاق) را درهم می کوبند و خلاصه به عمر تمام مکتبهای ضد خدایی و ضد ولایی خاتمه می دهد و قلبهای غافل از حق را مسخر می کند و دین را در آخرالزمان برپا می دارد (احکامش را در سرتاسر گیتی اجرا می کند) - چنانچه من به دوران جاهلیت دین مقدس اسلام را در تاریکترین محیطها (شبه جزیره العرب) برپا داشتم و جهان را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.

طبرانی از عوف بن مالک روایت کرده است که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند:

تجی فتنه غبراء مظلمه ثم یتبع الفتن بعضها بعضا حتی یخرج رجل من اهل بیتی یقال له المهدی (عليه‌السلام ) فان ادرکته فاتبعه و کن من المهتدین. [16].

فتنه ای بس تاریک جهان را دربر می گیرد، آنگاه فتنه ها یکی پس از دیگری در دنیا پدید می آیند و مردم از آنها متابعت می کنند تا آنکه مردی از فرزندان من که او را مهدی عليه‌السلام می گویند قیام کند. پس، اگر زمان او را درک کردی فرمانش را اطاعت کن تا از هدایت شوندگان حق باشی.

در روایت زیر که از رسول معظم صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل شده است، آن حضرت ضمن اشاره به قیام سید حسنی که مبداء حرکتشان از خراسان است، چنین امر فرموده اند:

فلا یبقی اهل بیته حتی یبعث الله راءیه من المشرق سوداء من نصرها نصره الله و من خذلها خذله حتی یاءتوا رجلا اسمه کاسمی فیولیه امرهم فیویده الله و ینصره. [17].

پس، باقی نماند اهل بیتش تا اینکه خداوند برانگیزد پرچم سیاهی را از مشرق. هر کس او را یاری کند خداوند را نصرت نموده و هرکس او را رها سازد (یاری اش ننماید) خداوند او را خوار می کند. صاحب پرچم سیاه خود را به کسی می رساند که همنام من است (حضرت محمد بن الحسن العسکری روحی له الفداء). آنگاه آن حضرت آنان را زیر پرچم ولایتش جای می دهد و خداوند هم او را تأیید می فرماید و نصرت می دهد.

سعید بن مسیب از بنیانگذار اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآلهحدیث می کند که فرمودند:

تخرج من المشرق رایات سود لبنی العباس ثم یمکثون ماشاء الله ثم تخرج رایات سود صغار تقاتل رجلا من ولد ابی سفیان و اصحابه من قبل المشرق یؤ دون الطاعه للمهدی. [18] ع

پرچمهای سیاه از مشرق ظاهر می شوند که مربوط به اولاد عباس هستند. آنها حکومت را به دست می گیرند و مدت زمامداری آنها آنچه خداوند بخواهد می شود (اشاره به قیام علیه بنی امیه و به حکومت رسیدن بنی عباس به دست ابومسلم خراسانی و طول دوران زمامداری آنها و نیز اشاره به قیام جناب سید حسنی است). سپس پرچمهای سیاه کوچک دیگری ظاهر می شوند که با سفیانی و لشکریانش مبارزه می کنند و مردم را به فرمانبرداری از حضرت ولی عصر عليه‌السلام فرا می خوانند.

(ممکن است اشاره به لشکریان جناب سید حسنی باشد که روزهای اول کم اند). ابی سعید خدری گفته است که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند:

المهدی منی اجلی الجبهه افنی الانف یملاء الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما. [19].

مهدی از من است. پیشانی اش گشاد و پرفروغ و بینی اش کشیده و قلمی خواهد بود. صفحه گیتی را پس از انباشته شدن از ظلم و جور، از عدل و داد پر می کند. صالح فرزند ابی خلیل از دوستش نقل می کند که ام سلمه همسر رسول گرامی صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند:

یکون اختلاف عند موت الخلیفه فیخرج رجل من اهل المدینه هاربا الی مکه فتاءتیه ناس من اهل مکه فیخر جونه و هو کاره فیبایعونه بین الرکن والمقام و یبعث الیه بعث من الشام فیخسف بهم بالبیداء بین مکه والمدینه فاذا راءی الناس ذلک اتاه ابدال الشام و عصائب اهل العراق فیبایعونه ثم ینشاء رجل من قریش اخواله کلب فیبعث الیهم بعثا فیظهرون علیهم و ذلک بعث کلب والخیبه لمن لم یشهد غنیمه کلب فیقسم المال و یعمل فی الناس بسنه نبیهم صلى‌الله‌عليه‌وآله. [20].

هنگام مرگ خلیفه اختلافی به وجود می آید و مردی از اهل مدینه به سوی مکه می گریزد و جمعی از مردم مکه بین رکن و مقام با او بیعت می کنند. آنگاه جمعیتی از شام به خلاف او قیام می کنند و به طرف مکه به حرکت درمی آیند. پس، در زمین بیداء بین مکه و مدینه به زمین فرو می روند و چون مردم از این جریان آگاه می شوند برجستگان شام و نیز جمعی از مردم عراق به سوی او می آیند و با او بیعت می کنند و مردی از طایفه کلب به سوی کسانش می فرستد. پس جمعیتی به سوی آنها می آیند و درگیری بین آنها پیدا می شود و آنان شکست می خورند و در این پیروزی هرکس که از غنائم طایفه کلب نصیبی نداشته باشد زیان کرده است و اینان به روش رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله در میان مردم عمل می کنند و اموال و غنائم را بین مردم تقسیم می نمایند.

مسلم از ابی نضره نقل می کند:

کنا جالسا عند جابربن عبدالله فقال یوشک اهل العراق ان لا یجبی الیهم قفیز ولا درهم قلنا من این ذاک؟ قال من قبل العجم یمنعون ذلک ثم قال یوشک اهل الشام ان لایجبی الیهم دینار ولا مدی قلنا من این ذاک قال من قبل الروم ثم سکت هنیئه ثم قال قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله وسلم یکون فی آخر امتی خلیفه یحثی المال حثیا و لایعده عدا قیل لابی نضره وابی العلاء اتریان انه عمر! بن عبدالعزیز قالا لا. [21].

در خدمت جابرن عبدالله انصاری نشسته بودم. فرمود: در آینده به اهالی عراق درهم و دیناری نخواهد رسید. عرض شد: چرا؟ فرمود: عجم ممانعت خواهد کرد. سپس فرمود: از طرف رومیها. آنگاه مکثی فرمود و گفت: رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمفرموند: در آخر الزمان خلیفه ای بر جهان حکم می راند که اموال را بدون حساب و شمارش می دهند. شنوندگان به ابی نضره و ابی علاء گفتند: آیا احتمال می دهید که این خلیفه با این اوصاف عمر بن عبدالعزیز باشد؟ هر دو گفتند: نه، چنین نیست. ثوبان درباره آینده دنیا از زبان بنیانگذار اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله چنین می گوید:

یقتتل عند کنزکم ثلاثه کلهم ابن خلیفه ثم لایصیر الی واحد منهم ثم تطلع الرایات السود من قبل المشرق فیقتلونکم قتلا لم یقتله قوم ثم ذکر شیئا لا احفظه فقال فاذا راءیتموه فبایعوه ولو حبوا علی الثلج فانه خلیفه الله المهدی. [22].

سه نفر در کنار کعبه می جنگند که تمامشان فرزند یک خلیفه هستند (کنز راکنایه از کعبه گرفته اند). آنگاه حکومت به هیچ کدام از آنها نمی رسد؛ سپس پرچمهای سیاه از جانب شرق به اهتزاز درمی آید و نبرد سختی درمی گیرد (که مانند آن دیده نشده است). چون این پرچمها را مشاهده کردید با صاحب آن (فرمانده) بیعت کنید حتی اگر روی برفها راه بروید ولو با سرزانو یا سینه. زیرا آن فرمانده نماینده و جانشین خدا مهدی منتظر است.

عبدالله می گوید:

بینا نحن عند رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله وسلم اذا اقبل فتیه من بنی هاشم فلما رآهم رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله وسلم اغرورقت عیناه و تغیر لونه فقلت ما نزال فی وجهک شیئا نکرهه فقال انا اهل بیت اختار الله لنا الاخره علی الدنیا و ان اهل بیتی سیلقون بعدی بلاء و تشدیدا و تطریدا حتی یاءتی قوم من قبل المشرق معهم رایات سود فیسئلون الخیر فلا یعطونه فیقاتلون فینصرون فیعطون ما ساءلوا فلا یقبلونه حتی یدفعوها الی رجل من اهل بیتی فیملؤ ها قسطا کما ملؤ وها جورا فمن ادرک ذلک منکم فلیاءتهم ولو حبوا علی الثلج. [23].

همینطوری که در خدمت رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله بودیم ناگهان عده ای از بنی هاشم (البته از جوانان) بر آن حضرت وارد شدند. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله نگاهی به آنها فرمودند و چشمان مبارکشان پر از اشک شد و رنگ صورت شریفشان تغییر کرد. عرض کردم: یا رسول الله! همیشه در رخسار شما حالتی را می بینم که ما ناراحت می کند (در حقیقت، سؤال از علت تغییر قیافه و ناراحتی بوده است). در جواب فرمودند: ما اهل بیتی هستیم که خداوند عالم آخرت را بر دنیا برای ما اختیار فرموده است. بعد از من خاندانم گرفتار مصائب و بلایا و سختیها خواهند شد (قتل، اسارت، زندان، تبعید و خانه نشینی) تا اینکه مردمی از جانب مشرق بیایند در حالی که پرچمهای سیاه به دست دارند و از مردم می خواهند که از کارها و مردم بد دوری گزینند و به سوی خوبیها روی آورند. آنها را اجابت نمی کنند. سرانجام می جنگند تا پیروز می شوند. آنگاه مردم اعلام آمادگی برای قبول خیرات و خوبیها می کنند، اما آنها نمی پذیرند تا اینکه می آیند و پرچم پیروزی را به یکی از مردان خاندان من می دهند و او جهان را پر از عدل و داد می کند پس اینکه از ظلم و جور انباشته شده باشد. پس، هر کس از شما آن زمان را درک کرد به سراغ آنها برود ولو به نحو سینه خیز روی برف باشد.

خواننده عزیز!

ممکن است فرمایش رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله اشاره به قیام جناب سید حسنی باشد که از خراسان با یارانش حرکت می کند و جمع کثیری از دشمنان اهل بیت را به هلاکت می رساند و خدمت امام عصر روحی له الفداء می رسد و با یارانش تسلیم آن حضرت می شوند و اسلام واقعی پیاده می شود و جهان از عدالت لبریز می گردد- اللهم عجل فرجه -.

عبدالله بن عباس روایت کرده است از رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله که فرمودند:

ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی لاءثناعشر اولهم اخی و آخرهم ولدی قیل یا رسول الله و من اخوک قال علی بن ابی طالب قیل فمن ولدک قال المهدی الذی یملؤ ها قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما والذی بعثنی بالحق بشیرا (و نذیرا) لولم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج فیه ولدی المهدی فینزل الله عیسی بن مریم

فیصلی خلفه و تشرق الارض بنور ربها و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب. [24].

جانشینان من و اوصیای من و حجتهای خداوند بر مردم بعد از من دوازده نفرند که اول آنها برادرم آدم است و آخرین آنان فرزندم خواهد بود. عرض شد: یا رسول الله! برادر شما کیست؟ فرمودند: علی بن ابی طالب. عرض شد: فرزندتان کیست؟ فرمودند: مهدی که جهان را پر از عدل و داد می کند بعد از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد. آنگاه اضافه می فرمایند: به حق آن خداوندی که مرا به راستی و حق مبعوث فرموده است برای راهنمایی بشر و بشارت دادن آنها به نعمتهای ابدی خداوند و ترساندنشان از عذابهای او، که اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند پروردگارم آن روز را آنقدر طولانی می کند تا اینکه فرزندم مهدی در آن روز قیام کند و عیسی بن مریم روح الله از آسمان به زیر آید و پشت سر او نماز بخواند و جهان به نور پروردگارش روشن گردد و حکومت فرزندم شرق و غرب عالم را فراگیرد.

ابو نعمیم به سند خودش از ثوبان نقل می کند که رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

«اذا راءیتم الرایات السود من خراسان فاتوها و لو حبوا علی الثلج فان فیها خلیفه الله المهدی». [25].

هرگاه دیدید که از جانب خراسان پرچمهایی به رنگ سیاه به اهتزاز در آمد، از آنها استقبال کنید و لو اینکه پای پیاده بلکه با سر زانو روی برفها راه بروید؛ زیرا حجت و جانشین خداوند در این جمعیت است و آن حضرت مهدی عليه‌السلام است.

# حضرت جواد الائمه عليه‌السلام

درباره نشانه های ظهور و روز اول آن چنین فرموده است:

«قال ینادی مناد من السماء باسم المهدی فیسمع من بالمشرق و المغرب حتی لا یبقی راقد الا استیقظ». [26].

منادی از آسمان به نام حضرت مهدی فریاد می زند و اهل مشرق و مغرب همه آن صدا را می شنوند. حتی افرادی که در خواب هستند از شنیدن آن بیدار می شوند.

خواننده عزیز!

با قدرت بی نهایت خداوند صدا به زبانهای مختلف ترجمه می شود و اهل هر زبانی آن را می شنود.

امّ سلمه بانوی حرم رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل کرده است که آن حضرت فرمودند:

«یبایع لرجل من امتی بین الرکن و المقام کعده اهل بدر فتاتیه عصب العراق و ابدال الشام فیاتیهم جیش من الشام حتی اذا کانوا بالبیداء خسف بهم ثم یسیر الیه رجل من قریش اخوا له کلب فیهزمهم الله تعالی قال و کان یقال ان الخائب یومئذ من خاب من غنیمه کلب». [27].

در بین رکن و مقام (کنار کعبه معظمه) با مردی از امت من بیعت می شود. بیعت کنندگان به تعداد اهل بدر هستند (یعنی سیصد و سیزده نفرند). پس، جمعیتی نیرومند از عراق و برجستگانی از شام خواهند آمد و در این موقع لشکری از شام می آید که چون به سرزمین بیداء می رسد (نزدیک مکه مکرمه) در این سرزمین همه جمعیت فرو می روند. آنگاه مردی از قریش با اقوامش از قبیله کلب می آید. خداوند آنها را از بین می برد و در آن روز مغبون کسی است که از غنائم بنی کلب محروم بماند.

ابی سعید خدری در ارتباط با سالهای قبل از ظهور حضرت

بقیه الله ارواحنا له الفداء از آورنده اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله حدیثی نقل نموده است که آن حضرت می فرماید:

«ستکون بعدی فتن منها فتن الاطلاس یکون فیها هرب و حرب ثم من بعدها فتن اشد منها کلما قیل انقطعت تمادت حتی لایبقی بیت من العرب الا دخلته و لا مسلم الا وصلته حتی یخرج رجل من عترتی.» [28].

زود است که بعد از من فتنه هایی بر پا می شود (اطلاس). در این فتنه هرج و مرج و نبرد به چشم می خورد. بعد از این، فتنه هایی سنگین تر و شدیدتر به وجود خواهد آمد که مردم پیوسته انتظار تمام شدن آن را می کشند، اما متأسفانه ادامه خواهد داشت تا اینکه خانه ای در دنیای عرب نماند مگر اینکه این فتنه داخل آن خانه شود. بعلاوه، شعاع این فتنه چندان وسیع است که هر مسلمانی در هر کجا که باشد دچار آن فتنه خواهد شد تا اینکه مردی از دودمان من قیام کند.

ابی هریره از رسول گرامی اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

«یخرج رجل یقال له السفیانی فی عمق دمشق و عامه من تبعه من کلب فیقتل حتی یبقر بطون النساء و یقتل الصبیان فتجمع لهم قیس فیقتلها حتی لایمنع ذنب تعله و یخرج رجل من اهل بیتی فی الحرم فیبلغ السفیانی فیبعث الیه جندا من جنده (او من اجناده) فیهزمهم فیسیر الیه السفیانی بمن معه حتی اذا جاز ببیداء من الارض خسف بهم فلاینجو الا المخبر عنهم. [29].

مردی از شام به نام سفیانی خروج می کند و تمام افرادی که از او متابعت میکنند از طایفه کلب هستند. پس، کشتار می کنند؛ حتی شکم زنها را می درند و بچه ها را می کشند. آنگاه طایفه قیس با او جنگ می کنند و همگی کشته می شوند و کسی که بتواند مقاومت کند نمی ماند. در این هنگام مردی از خاندان من در مکه مکرمه قیام می کند و خبر قیامش به سفیانی می رسد.

پس، از لشکریان خود جمعیتی را به جنگ او می فرستد و خود با لشکریانش به طرف مکه معظمه حرکت می کند. وقتی که به سرزمین بیداء (در نزدیکی مکه مکرمه) می رسند به امر خداوند، زمین آنها را فرو می برد و نمی ماند از آن لشکر مگر خبر دهنده ای (که خبر نابودی لشکر را به مکه معظمه یا شام می رساند).

یکی از مهاجران قبطیه از امّ سلمه همسر گرامی پیامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل می کند که ایشان فرمودند:

«لیخسفن بقوم یغزون هذا البیت ببیداء من الارض فقالت امّ سلمه یا رسول الله ارایت ان کان فیهم الکاره فقال صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم یبعث کل رجل علی نیته.» [30].

همانا گروهی که عازم نبرد با خانه کعبه هستند در سرزمین بیداء فرو می روند. امّ سلمه عرض می کند: یا رسول الله! آیا امکان دارد که یک نفر در میان این مردم مجبور باشد؟ فرمودند: هر کسی بر اساس نیتی که دارد (در پیشگاه خداوند) محشور می شود.

خواننده محترم!

البته منظور از نبرد با خانه کعبه یعنی جنگ با حضرت بقیه الله روحی له الفداء و مراد از این لشکر، لشکر سفیانی است.

از حذیفه روایت شده است که حضرت خاتم الانبیاء صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند:

«تکون وقعه بالزوراء قالوا یا رسول الله و ما الزوراء قال مدینه بالمشرق بین انهار سکنها شرار خلق الله و جبابره من امتی تقذف باربعه اصناف من العذاب بالسیف و الخسف و القذف و المسخ.» [31].

فاجعه ای بس بزرگ در زوراء پیاده می شود. عرض کردند: زوراء کجاست؟ فرمودند: شهری است در مشرق و در اطرافش نهرهایی قرار گرفته است. ساکنان آن از ستمگران امت من و بدترین مخلوقات روی زمین هستند که به وسیله چهار نوع از بلا عذاب می شوند:

1 - کشتار به وسیله شمشیر

2 - فرو رفتن در زمین

3 - پرتاب کردن و درهم کوبیدن

4 - مسخ شدن.

پیامبر بزرگ اسلام فرمودند:

«اذا خرجت السودان طلبت العرب ینکشفون حتی یلحقوا ببطن الارض او قال ببطن الاردن فبینماهم کذلک اذا خرج السفیانی فی ستین و ثلاثمائه راکب حتی یاتی دمشق فلا یاتی علیهم شهر حتی یبایعه من کلب ثلثون الفا فیبعث جیشا الی العراق فیقتل بالزوراء مائه الف و یخرجون الی الکوفه فینهبونها صالح فیستنفذ ما فی ایدیهم من سبی اهل الکوفه و یقتلهم و یخرج جیش آخر من جیوش السفیانی الی المدینه فینهبونها ثلاثه ایام ثم یسیرون الی مکه حتی اذا کانوا بالبیداء بعث الله تعالی جبرئیل عليه‌السلام فیقول یا جبرئیل عذبهم فیضربهم برجله ضربه یخسف الله عزوجل بهم فلا یبقی منهم الا رجلان فیقدمان علی السفیانی فیخبرانه بخسف الجیش فلا یهوله ثم ان رجالا من قریش یهربون الی قسطنطنیه فیبعث السفیانی الی عظیم الروم ان ابعث بهم فی المجامع فیبعث بهم الیه فیضرب اعناقهم علی باب المدینه بدمشق.»

«قال حذیفه حتی انه یطاف بالمراءه فی مسجد دمشق بالثوب علی مجلس مجلس حتی تاءتی فخذ السفیانی فتجلس علیه و هو فی المحراب قاعدا فیقوم رجل من المسلمین فیقول و یحکم اکفرتم بعد ایمانکم ان هذا لا یحل فیقوم فیضرب عنقه فی مسجد دمشق و یقتل کل من شایعه علی ذلک فعند ذلک ینادی مناد من السماء یا ایها الناس ان الله عزوجل قد قطع عنکم مده الجبارین و المنافقین و اشیاءهم و ولاکم خیر امه محمد صلی الله علیه فالحقوا به بمکه فانه المهدی.» «قال حذیفه فقام عمر بن الحصین فقال یا رسول الله کیف لنا حتی نعرفه قال هو رجل من ولدی کانه من رجال بنی اسرائیل علیه عباءتان قطوانیتان کان وجهه الکوکب الدری فی اللون فی خده الایمن خال اسود بن اربعین سنه فیخرج الابدال من الشام و اشباههم و تخرج الیه النجباء من مصر و عصائب اهل الشرق و اشباههم حتی یاتوا مکه فیبایع له بین الرکن و المقام ثم یخرج متوجها الی الشام و جبرئیل علی مقدمته و میکائیل علی ساقته فیفرح به اهل السماء و اهل الارض و الطیر و الوحوش و الحیتان فی البحر و تزید المیاه فی دولته و تمد الانهار و تضعف الارض اکلها و تستخرج الکنوز کلها فیقدم الشام فیذبح السفیانی تحت الشجره التی اغصانها الی بحیره طبریه و یقتل کلبا.»

«قال حذیفه قال رسول الله صلی الله علیه و سلم فالخائب من خاب یوم کلب و لو بعقال قال حذیفه یا رسول الله یحل قتالهم و هم موحدون فقال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلمیا حذیفه هم یومئذ علی رده یزعمون ان الخمر حلال و لا یصلون.» [32].

هرگاه سودان برای دست یافتن به عرب حرکت کرد و در زمین اردن، در این موقع،سفیانی قیام می کند و در حالی که سیصد و شصت هزار سوار در اختیار او هست، می آید تا به شهر شام می رسد و در بین راه تمام شهرها با او بیعت می کنند، از جمله سی هزار تن از طایفه کلب با او بیعت می نمایند. پس، سفیانی لشکری به عراق می فرستد و در زوراء (ظاهرا بغداد باشد) صد هزار تن از جمعیت آن شهر را می کشد. آنگاه از آنجا به سمت کوفه می رود و کوفه را خراب می کند. در این موقع، پرچمهایی از مشرق حرکت می کنند و رهبری آنها را مردی به نام شعیب بن صالح به عهده دارد که با سفیانی درگیری پیدا می کند و اسرای کوفه را نجات می دهد. بعد از این جریان، لشکر دیگری از جانب سفیانی به سمت مدینه حرکت می کند و سه روز آنجا را مورد تعدی و تجاوز قرار می دهد. آنگاه به سمت مکه حرکت می کنند تا اینکه به سرزمین بیداء می رسند. جبرئیل عليه‌السلام از طرف خداوند مأموریت پیدا می کند و با اشاره به زمین، تمام این جمعیت را فرو می برد مگر دو نفر که خودشان را به سفیانی می رسانند و او را از هلاکت لشکریانش آگاه می سازند. مقارن این وضع، عده ای از قریش به قسطنطنیه می گریزند و سفیانی از پادشاه روم می خواهد که آنها را تسلیم وی کند. او هم این کار را می کند و پناهندگان را تسلیم سفیانی می نماید و او همه آنها را در ابتدای شهر در دمشق گردن می زند.

حذیفه گفت: سرانجام کار به جایی می رسد که زنها در مسجد جامع دمشق حرکت می کنند و محافلی تشکیل می دهند و در حالی که سفیانی در محراب نشسته است بعضی از زنان در دامن او می نشینند. در این موقع، یک نفر بلند می شود و فریاد می زند:ای مردم! این عمل حرام است، مگر کافر شده اید؟ به امر سفیانی گردنش را می زنند و هر کسی که متابعت از این شخص بکند او را می کشند. پس، در این موقع منادی از آسمان فریاد می زند:ای مردم روی زمین! خداوند به زندگی ستمکاران خاتمه داد و منافقان و پیروان آنها از بین رفتند (حکومت باطل و اهل آن واژگون شد). خداوند برای شما فرمانروایی از آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآلهمعین فرموده که در مکه است. بشتابید و از دستورهایش پیروی کنید و نامش مهدی است.

حذیفه گوید: عمر بن حصین برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! مشخصات او را برای ما بیان فرمایید تا او را بشناسیم. حضرت فرمودند: او مردی از فرزندان من است که از نظر جسم و قوای جسمانی مانند اسرائیلیان است. دو عبای سفید پوشیده است، صورتش مانند ستاره درخشان می درخشد، در طرف راست صورتش خالی سیاه است و از لحاظ سن به مرد چهل ساله ای می ماند. مردانی از شام به نام ابدال و پیروانشان و نیز نجبا و یاران آنها از مصر و جمعیتی از مشرق حرکت می کنند تا اینکه به مکه معظمه می رسند و در بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند. در این موقع،مهدی ما به طرف شام حرکت می کند در حالتی که جبرئیل عليه‌السلام پیشاپیش او و میکائیل به دنبال او در حرکت اند. موجودات آسمان و زمین اعم از حیوانات دریایی، پرندگان و چرندگان از حکومت و قیام او خوشحال هستند. در دولت او نهرهای آب زیاد می شود و زمین برکات خود را مضاعف می کند و تمام گنجهای نهفته آشکار می گردد. او با لشکریانش به شام می رسند و سفیانی را در زیر درختی که شاخه های آن به طرف دریاچه طبریه است سر می برند و طایفه بنی کلب را می کشند.حذیفه گوید: حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: چه روز بدی است روز کلب. حذیفه عرض کرد: یا رسول الله! چگونه می شود با آنها جنگید و حال آنکه آنها مسلمان اند؟ پیامبر فرمود: اینها در آن روز مرتد هستند و گمان می کنند مشروبات الکلی حلال است و نماز نمی خوانند.

حضرت امام امیرالمؤمنین عليه‌السلام خبر از قیام سفیانی و آمدنش به کوفه می دهد و نیز می فرماید:

«اذا خرجت خیل السفیانی الی الکوفه بعث فی طلب اهل خراسان و یخرج اهل خراسان فی طلب المهدی فیلتقی هو والهاشمی برایات سود علی مقدمته شعیب بن صالح فیلتقی هو والسفیانی بباب اصطخر فیکون بینهم ملحمه عظیمه فتظهر رایات السود و تهرب خیل السفیانی فعند ذلک یتمنی الناس المهدی و یطلبونه.» [33].

در این موقع سفیانی از کوفه قصد حمله به خراسان دارد و مردم خراسان در طلب حضرت مهدی عليه‌السلام به حرکت در می آیند و با سید هاشمی ملاقات می کنند در حالی که پرچمهای سیاه در اهتزاز است (رایات جنات سید حسنی). پیشاپیش سپاه، شعیب بن صالح قرار گرفته است و در جایی به نام اصطخر نبرد شدیدی در می گیرد که لشکریان سفیانی از بین می روند و آنگاه مردم تمنای دیدار حضرت مهدی عليه‌السلام را دارند.

نعیم بن حماد در کتاب فتن با سند صحیح از علی عليه‌السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

«والفتن اربع فتنه السراء و فتنه الضراء و فتنه کذا فذکر معدن الذهب ثم یخرج رجل من عتره الرسول علیه الصلوه و السلام یصلح علی یدیه امرهم». [34].

فتنه (فتنه های آخر الزمان) بر چهار قسم است: فتنه سراء، فتنه ضراء و فتنه کذا(ممکن است اشاره به فتنه های عقیدتی باشد). آنگاه اشاره به معدن طلا فرمودند. در این هنگام، مردی از آل رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله قیام می کند و امور مردم به دست پر قدرتش اصلاح خواهد شد.نعیم بن حماد از علی عليه‌السلام نقل می کند که فرمودند:

«و اذا نادی مناد من السماء ان الحق فی آل محمد (صلى‌الله‌عليه‌وآله ) فعند ذلک یظهر المهدی علی افواه الناس و یشربون حبه و لا یکون لهم ذکر غیره.» [35].

هرگاه منادی از آسمان جبرئیل عليه‌السلام ندا در داد که حق با آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله است، در این هنگام، مهدی این خاندان ظاهر می شود که همه مردم او را می بینند و محبت نسبت به آن سرور در دلهای مردم متمرکز می شود بطوریکه یادی از غیر آن حضرت نمی کنند.

ابی اسحاق از امام امیرالمؤمنین عليه‌السلام روایت می کند که فرمودند:

«نظرالی ابنه الحسین فقال ان ابنی هذا سید کما سماه النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله سیخرج من صلبه رجل یسمی باسم نبیکم یشبهه فی الخلق و لا یشبهه فی الخلق ثم ذکر قصه یملا الارض عدلا.» [36].

آن حضرت نگاهی به حضرت امام حسین عليه‌السلام کردند و فرمودند: این فرزند من سید و آقاست چنانکه جدش او را سید خوانده است (شاید اشاره به حدیث «الحسن و الحسین سید اشباب اهل الجنه» باشد). بزودی خداوند از نسل او مردی را بوجود می آورد که همنام (محمد) و از نظر ظاهر و قیافه شبیه پیامبر شماست اما از نظر اخلاق با او فرق می کند(ممکن است اشاره به اختلاف برنامه کار باشد که وجود مقدس رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله مأمور به ظاهر بود، اما حضرت مهدی عليه‌السلام چون باید جهان را اصلاح کند مأمور به واقع است).

سپس داستانی را که زمین را پر از عدل می کند، ذکر کرد.

هلال بن عمرو از امام امیرالمؤمنین عليه‌السلام حدیث می کند که آن سرور فرمودند:

«قال النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله یخرج رجل من وراء النهر یقال له الحارث بن حراث علی مقدمته رجل یقال له المنصور یواطی ء او یمکن لآل محمد کما مکنت قریش لرسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله وجب علی کل مؤ من نصره او قال «اجابته». [37].

از رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله شنیدم مردی از وراءالنهر که او را حارث بن حراث می گویند قیام می کند. در پیشاپیش او مردی در حرکت است که نامش منصور است (یکی از نامهای مبارک آقا حضرت مهدی روحی له الفداء منصور است) و زمینه را برای حکومت آل محمد آماده می سازد چنانچه قریش نسبت به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله همین معامله را کردند (آماده ساختن زمینه پیشرفت). فرمودند: بر هر مسلمانی واجب است او را یاری کند (یا دعوتش را اجابت نماید).

محمد بن صامت می گوید:

«قلت لاءبی عبدالله الحسین بن علی عليهما‌السلام اما من علامه بین یدی هذا الامر - یعنی ظهور المهدی عليه‌السلام - فقال بلی قلت و ما هی قال هلاک بنی العباس و خروج السفیانی والخسف بالبیداء قلت جعلت فداک اخاف ان یطول هذا الامرقان انما هو کنظام الخرز یتبع بعضه بعضا. [38].

از حضرت امام حسین عليه‌السلام پرسیدم: آیا برای ظهور حضرت مهدی عليه‌السلام نشانه هایی هست؟ فرمودند: آری. عرض کردم: چیست؟ فرمودند: هلاکت بنی عباس، قیام سفیانی (از شام) و فرو رفتن در سرزمین بیداء (نزدیکی مکه معظمه لشکریان سفیانی به زمین فرو می روند). عرض کردم: فدایت شوم، می ترسم این امر به طول انجامد. فرمودند: این سه نشانه منظم یکی بعد از دیگری خواهد آمد. بخاری در کتاب خودش از عوف بن مالک از حضرت امام حسین عليه‌السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

اذا هدم حائط مسجد الکوفه مما یلی دار عبدالله بن مسعود (او دار عبدالملک) فعند ذلک زوال ملک القوم و عند زواله خروج المهدی. [39].

هرگاه دیوار مسجد کوفه که در جنب خانه عبدالله بن مسعود (یا خانه عبدالملک است) خراب شد، در این هنگام، سلطنت دشمنان ما (کنایه از انقراض بنی العباس یا دیگران) ساقط می شود و در این زمان است که مهدی ما قیام می کند.

(اللهم عجل فرجه).

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پاورقی

[1] شرح ابن الحدید، ج 9صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 152.

[2] «و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب. یوم یسمعون الصیحه بالحق ذلک یوم الخروج» (ق / 41 و 42).

[3] ینابیع الموده (چاپ بمبئی)،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 439.

[4] «یعرف المجرمون بسیماهم فیوخذ بالنواصی و الاقدام» (رحمان / 41).

[5] ینابیع الموده،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 439.

[6] «ان نشاء ننزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین.»

[7] ینابیع الموده،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 426.

[8] الحاوی للفتاری، جزء دوم،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 355.

[9] مهدی از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه علیهماالسلام خواهد بود.

[10] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 355.

[11] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 364.

[12] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 368.

[13] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 368.

[14] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 368.

[15] اشاره به اینکه همسر حضرت سجاد عليه‌السلام دختر حضرت امام حسن است. بنابراین، امام زمان روحی له الفداء از طرف پدر از حضرت امام حسین و از طرف مادر از امام حسن عليهما‌السلام است. آری نوشته اند که مادر مکرمه حضرت باقر عليه‌السلام ام عبدالله دختر حضرت امام حسن عليه‌السلام بوده است.

[16] الحاوی الفتاری، جزء دوم،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 369.

[17] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 371.

[18] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 372.

[19] سنن ابی داود (مختصر)، جزء 6 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 160.

[20] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 161.

[21] تذکره القرطبی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 609 و صحیح مسلم، ج 4 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 2234.

[22] النهایه ابن اثیر،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 300 و 301.

[23] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 300.

[24] فرائدالمسطین ج 2 /صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 312.

[25] فصول المهمه، فصل دوازدهم،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 295.

[26] عقد الدرر،ص 137.

[27] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 70.

[28] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 51.

[29] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 73.

[30] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 74.

[31] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 81 تا 84.

[32] همان مأخذ، ص

81 تا 84.

[33] الحاوی،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 372.

[34] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 369.

[35] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 371.

[36] سنن ابی داود (مختصر)، جزء 6،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 162.

[37] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 162.

[38] عقدالدرر،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 49.

[39] همان مأخذ،صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم 51.

فهرست مطالب

[قرآن کریم و نشانه های ظهور حضرت مهدی عليه‌السلام 3](#_Toc515799706)

[نشانه های پیدایش این حکومت 4](#_Toc515799707)

[آیا امام عصر عليه‌السلام زمان ظهورش را می داند؟ 13](#_Toc515799708)

[امام باقر و علم رسول اکرم و سایر انبیاء عليهما‌السلام 13](#_Toc515799709)

[ائمه معصومین عليهما‌السلام در پیشگاه خداوند بزرگ 15](#_Toc515799710)

[موقعیت علمی امام 16](#_Toc515799711)

[ائمه عليهما‌السلام و رازداری 19](#_Toc515799712)

[امام صادق عليه‌السلام و کتب جفر و جامعه و مصحف فاطمه عليها‌السلام 20](#_Toc515799713)

[رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و نشانه های ظهور 24](#_Toc515799714)

[شب معراج و نشانه های ظهور 33](#_Toc515799715)

[رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و موقعیت منتظران حضرت مهدی عليه‌السلام قبل از ظهور 38](#_Toc515799716)

[رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و مواریث انبیاء 59](#_Toc515799717)

[رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و خراب شدن مسجد براثا 60](#_Toc515799718)

[رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله و روز خلاصی دنیا 71](#_Toc515799719)

[رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله درباره نشانه های قیام 74](#_Toc515799720)

[رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله و گنجهای طالقان 78](#_Toc515799721)

[در جواب صعصعه بن صوحان 83](#_Toc515799722)

[امیرمؤمنان عليه‌السلام و خطبه ذی قار و علائم آخرالزمان 105](#_Toc515799723)

[علی عليه‌السلام و فتنه های پیش از ظهور 111](#_Toc515799724)

[امیرالمؤمنین عليه‌السلام و علائم قیام قائم 113](#_Toc515799725)

[حضرت امام امیر المومنین و وسایل نقلیه زمان حکومت حضرت مهدی عليهما‌السلام 115](#_Toc515799726)

[امیرالمؤمنین عليه‌السلام و نزول حضرت عیسی عليهما‌السلام 116](#_Toc515799727)

[امام امیرالمومنین عليه‌السلام و نشانه های پیش از قیام 118](#_Toc515799728)

[امام امیرالمؤمنین عليه‌السلام و نشانه های پیش از قیام 120](#_Toc515799729)

[حضرت امام محمد باقر عليه‌السلام و نشانه های ظهور 122](#_Toc515799730)

[حضرت امام صادق عليه‌السلام و نشانه های ظهور 148](#_Toc515799731)

[یکی از برنامه های روزهای اول امام عصر 151](#_Toc515799732)

[حضرت امام رضا عليه‌السلام و نشانه های ظهور 212](#_Toc515799733)

[امام رضا عليه‌السلام و اجتماع شیعه در ظهور 214](#_Toc515799734)

[حضرت امام حسن و امام حسین و اصحاب ائمه عليهما‌السلام و نشانه های ظهور 216](#_Toc515799735)

[نشانه های ظهور در کتب معتبر اهل سنت و جماعت 223](#_Toc515799736)

[امام عصر عليه‌السلام در کتابهای اهل سنت 224](#_Toc515799737)

[رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله و تعریف امام 225](#_Toc515799738)

[حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام و تعریف امام 227](#_Toc515799739)

[حضرت جواد الائمه عليه‌السلام 242](#_Toc515799740)

[فهرست مطالب 258](#_Toc515799741)